

چشم انداز

CHASHM ANDAAZ

شماره ۲۷ - آگوست ۱۹۹۳ - مردادماه ۱۳۷۲ - الول ۵۷۵۳



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

سال نو مبارک

دراین شماره می خوانید ...

شماره ۲۷ آگست ۱۹۹۳ مرداد ۱۳۷۲ الول ۵۷۵۳

چشم انداز

Published By;
International Judea Foundation
P.O.Box: 3074 Beverly Hills,CA 90212
(818)503-1270

سردبیر: داریوش فاخری
همیاران: مهندس آشرآرام‌نیا
شهرام سیمان
ژرژ هارونیان
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
باهمکاری: مترجمین وگزارشگران چشم‌انداز

چشم انداز، نشریه ایست برای بازتاب افکار و دست‌آورد های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت های یهودیت، مسایل، آرزوهاو امید یهودیان ـ مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف های بشردوستانه انسان های جهان می باشد.
نظر های نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.
نقل مطالب چشم‌انداز، باذکر مأخذ، مجازمی باشد.
چشم‌انداز، در انتخاب مقاله های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی ها، به عهده ی صاحبانشان است.
نوشته های رسیده، بازپس فرستاده نمی شود.
نامه های بدون نام و نشانی ، قابل استفاده نخواهد بود.



درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

داریوش فاخری

دیگر هرگز

وقایع ناگوار جهانی - گرسنگیها - دردها - محرومیتها و بدترازهمه تصفیه نژادی در یوگسلاوی - سودان و غیره دل هر انسان آزاده‌ای را بدرد میاورد.

اگر سیاست چیزی را یاد ما داده این‌بوده که محاسبات آن براساس سیاست بازیهای نه چندان بشر دوستانه است. دراینجا نقش یک انسان آزاده، انسانی ازآن دست که دل می سوزاند و تنها نظاره گر وقایع نمی باشد، بی تفاوت نبودن است.

بگذارید بعنوان یک یهودی **«دیگرهرگزرا»** تنها برای یهودیان بکار نبریم. ما بعنوان انسانی مسئول بایستی در وقایع جهان با شرکت در تظاهرات، با ارسال نامه، با کمک‌مالی در وقایع ناگوار جهان نقشی مثبت داشته باشیم. مادرمقابل بچه هایمان مسئولیم وخدایمان.

مطبوعات وگزارشگران

می شنویم که یهودیان نفوذ بسیاری در رسانه های گروهی آمریکا دارند. دامنه این توهم در کشورهای دیگر دنیا و خصوصاًدر اروپای شرقی گریخته از دام دهشتناک کمونیسم نیز بصورت بچشم میخورد.

براساس آماری‌که توسط دو پروفسور دانشگاه ایندیانا بنامهای **پروفسور می - کلیولند ویل هویت و دیوید ویور** بدست آمده:

۶۴ درصد روزنامه نگاران را مردها تشکیل میدهند. ۶۱ درصد مدرکی دراین رابطه ندارند. ۸۲ درصد دارای لیسانس، ۹ / ۲۹ درصد کاتولیک و ۴ / ۵ درصد

یهودی و ۵۴ درصد پروتستان میباشند.

۲۱ درصد مخالفت با دولت و ۴ / ۱۴ درصد مخالفت با تجارت بی‌بند وبار را بسیار مهم تلقی می کنند. ۴۴ درصد خود را دموکرات، ۱۶ درصد جمهوریخواه و ۳۴ درصد مستقل می خوانند.

با یوسف درچاه

کتاب گزارش و خاطرات **یوسف کهن** دراین ماه انتشار یافت.

یوسف کهن را من در قعر چاه شناختم. زمانی که حسودان اورا به بهایی ناچیز فروخته و در قعر چاه گمنامی و بی توجهی لس آنجلس زندانی‌اش کرده بودند.

به دعوت من به **سازمان سیامک** میامد و نقش پایان نیافته عزیزبودن خاندان یعقوب را ادامه میداد. به خانه‌اش میرفتمو ساعتها پای صحبتش می نشستم، به ذل خونی‌اش ازاین برادران بی مروتی که درجامعه چشم دیدن قهرمانان خلق را ندارند، گوش میدادم و رهنمودهایش که دیگر درمیان دارودسته فدراسیون راه بیاندازان ارزشی نداشت.

چراکه یوسف خط کشی بودکه با آن قد خادمین اجتماعی را اندازه میگیرند - بااین خط کش تنها انسانهای شجاع - آینده نگر و

ایثارگر - راستگو وبی ادعا ، سربلند خواهند بود . اما این عده کوتوله های خیال پرداز تاب این خط کش را نداشتند . درگمنامیش کوشیدند و می کوشند .

باهم رویای سالهای دراز قحطی رادیدیم و همچنین رویای سالهای فراوانی را بی او دیدم .

رویای سالهایی که ارزش انسان یهودی ایرانی تبار ارزش جامعه انسانی دنیا خواهد بود . سالهایی که حقد وحسادت وکوته بینی دن کیشوتهای خیال پرداز به سالهای همکاری و برادری و روشن بینی واقعیتهای ملموس زندگی مبدل خواهد شد . سالهایی که یوسفهای ما به عزیزی خدا و انسانیت میرسند ودراین راه یوسف همچنان نماینده ما ، اما در بارگاه الهی خواهد بود .

چرا می نویسم ؟

دربی انتشار مقالاتی برای بهبود جامعه وشناخت مسایلی که سد راه آن است در دوشماره پیشین ، تلفنها و نامه های بسیاری به من رسید .

یکی شجاعتم را تحسین میکرد و یکی هشدارم میداد . یکی خبر نداشت و دیگری صد ماجرای دیگر برایم نقل میکرد . یکی میخواست تصفیه حساب شخصی اوراکه جرئت ندارد ، من برایش انجام بدهم و دیگری از آب و نان بیشتر درآوردن بجای مقاله نوشتن موعظه میکرد .

راستی چرا می‌نویسم ؟ میدانم که تصفیه حساب شخصی را یاد نگرفته‌ام اما تصفیه حساب اجتماعی را آری . از **مشه ربنو - از الی ویزل - از ویکتور فرانکل** و بسیاری دیگر از یهودیانی که جواب آنتی سمیتزم را با خدمت به بشریت دادند یادگرفته‌ام . میدانم کسی‌که کرسی خدمت اجتماعی را اشغال میکند باید شایستگی **مشه** را داشته باشد و **سلیمان** را ، خضوع **داود**را داشته باشد و شهامت **ربی اکیبا** را . انگار که هرلحظه در برابر خدای خودش و خدای جامعه‌اش ایستاده است .

به‌زندگی رهبرما یهودیان نظری بیافکنید . **شاهزاده مشه . صاحب معجزات . هم‌کلام خدا . عالم به علوم . سردار جنگی بزرگ** و درعین حال **رقیق القلب** .

نه راه به اعتقاد کسی بست و نه فکر خود را به زور به قومش اعمال نمود . نه به تخت پادشاهی نشست و نه از او خدا ساختند .

دراینجا باید تفاوتی قائل شد بین خادمین اجتماعی و رهبری جامعه . جامعه ۵۰ - ۴۰ سال پیش ایران بقول تاریخ شناس معتبر جهانی ، **پروفسور امنون نتصر** رهبری نداشت . جامعه ما اشکالاتی داشت ، عده‌ای از انسانها بنا به هدفهای بخصوصی در راه حل آن قدم پیش میگذاشتند برخی چون روح اله سپیر و موسیو حییم دراین راه جان دادند .

برخی چون یوسف کهن درخشیدند .

برخی جای خالی اعتباری که تنها پول نمی توانست در زندگی آنان پر کند را باکار اجتماعی پر کردند و برخی دیگر افرادکه جزو این گروههای نامبرده نبودند که صادقانه خدمت کردند و یا ناصادقانه چوب لای چرخ بقیه گذاشتند . آنهارا یا نمی شناسم و اگر کسی از قلم افتاد به شهرستانی بودن من ببخشید .

حالا دراین شهر ، ۴۰ تا ۵۰ فامیل که راه به طبقه بالای اجتماعی یهودیان آمریکایی ندارند زیرا یا خودشان یا خانمشان انگلیسی بلد نیستند یا تحمل هیچ‌موزیکی جز موزیک سنتی ایرانی ندارند یا کتاب های خوانده شده توسط آنان به شماره انگشتان دست نیست نه تاریخ آمریکا را می دانند نه آنکه از سیاست این مملکت سردرمیاورند خلاصه‌آنکه مثل یک عده دهاتی باکدخدایشان آمده‌اند شهر ، کدخدارا دن کیشوت وار علم‌کرده‌اند که بروجلو و شهر را بگیر . این عده صرفاًبخاطر موقعیت مالی خویش خود را اتوماتیک وار تافته جدا بافته جامعه میدانند .

ضرر این کار چیست ؟ - افراد ثروتمند و درعین حال فهمیده و درس خوانده ازکل‌جامعه بریده‌اند چون تاب این بیسوادان پرمدعا را ندارند .

دانشجویان وجوانان ماکه می بینند معیار خدمت (یا آنطورکه به غلط این عده فکرمیکنند رهبری !!) را با پول و بیسوادی یا فرمانبرداری بی چون و چرای جوانان و خادمین واقعی سازمانهای دیگر می سنجند ، ازکل‌جامعه بریده‌اند .

نوجوانان دبیرستانی ما بخاطر اینکه نسل قبل از آنان درکار اجتماعی شرکت نمی‌کند ، پلی ارتباطی برای داخل شدن به کل جامعه را ندارند .

حرف من این است ۱ . - درجامعه پیش ازانقلاب رهبری نبود.۲ - عده‌ای برای معضلات و مشکلات جامعه بصورت واکنش نشان دادن و برنامه ریزی اصولی برای حال و آینده وقت میگذاشتند . ۳ - عده‌ای ازاین خادمین اجتماع کارشان را با رهبری ، بدون اینکه

کاری دراین مورد بکنند ، اشتباه گرفتند . ۴ - برای عده‌ای مسابقه متمتع شدن از ثروت باد آورده نفت در تجارت شخصی وزنه سنگین تری بود تا جامعه . ۵ - دراثر زدوبندها - فقدان سواد رهبری - ادعاهای پوچ - این عده باعث نابودی فرهنگی و اجتماعی دو نسل شده‌اند .

نسل اول اکنون دراین شهر و شهرهای دیگر دنیا و ایران دارای فرزندان و زندگی مخصوص خود میباشند .

این نسل دارای مشخصات بخصوصی است که ازآن جمله‌اند : کمبود دانش مذهبی - کمبود آشنایی به تاریخ یهود - کمبود دانایی در مورد پیشرفت یهودیان درآخر قرن بیستم - شناسایی علل - انگیزه و لزوم شراکت درآن - حداقل احساسات صیونیستی - آشنایی با تاریخ اخیر کشور اسرائیل و احساس پای بندی و غرور از دست آوردهای آن - به استثنای چند جرقه و گل های خودرو و در سطوح علمی - اجتماعی و ادبی نداشتن محیطی برای تربیت افراد بزرگ در سطح جامعه و جهان - کمبود احساس درک مسایل اجتماعی و شرکت درآنها و ......

نسل دوم فرزندان نسل قبلی که بخاطر نداشتن محیطی بارور از نسل پدر خود (که در بالا ذکر شد) در رویارویی با فرهنگ آمریکا و عدم قدرت والدین خود برای مواجه شدن با عوامل مخرب و آشنا نبودن به پایه مذهبی و فرهنگی قوی قومی خود ، ازاین جامعه گریخته و نابود می شود .

نتیجه میگیرم : آن عده افرادی که خود را رهبر (کلمه درستش ، افرادی که کار اجتماعی انجام‌میدادند میباشد) میدانستند ، با ندانم کاری و ادعای زیاد و گمنام‌کردن خادمین و احتمالا رهبران واقعی درمقابل تاریخ مسئولند و دراین شهر جوابگو .

چرا فقر گشاده دستی مردم در مورد **اسرائیل** و مسائل آن مارا می کشد ؟

چرا فقر فرهنگی مارا ازحمایت کارهای فرهنگی افرادی‌چون **پروفسور نتصر** ودیگران باز میدارد ؟

چرا عقده خود بزرگ بینی و کوشش در راه از بین بردن نامهای نامدار قهرمانان جامعه بایستی حکمفرما باشد که در ختم **شادروان مهندس عزیزاله دانش راد** نشینند . اسم شادروان **روح اله سپیر** را هیچ جا نبرند ، ازمرده زنده یاد **یوسف کهن** بترسند و شادروان **حبیب اله القانیان** را به فراموشی بسپارند و درجلسه بنیاد فرهنگی امنون نتصر نیایند ؟

چرا مافقر مذهبی داریم ؟ چرا مردم خود راکمی مذهبی میدانند ؟ به کنیسا نمی روند ؟

اشکال ازآوازنیست . آوازه خوانان بایستی دریابند .

آری - برای این می نویسم که نسل بعدی فنا نشود . می نویسم چون ما ارزش بهتر ازاین بودن را داریم - می نویسم ، چراکه ماموریت ما آسمانی است - خدا میخواهد . حالا این کدخدای ده قبلی و اعوان و انصارش فکر می کنند بدون اینها نمی شود دیدیم‌که در جمهوری اسلامی کسانی دیگر جلو تمام احتمالات پیش بینی نشده مردانه ایستادند وجامعه تقریباً دست نخورده ماند و کسی این آقایان راکم نیاورد که هیچ ، یادشان هم نکرد .

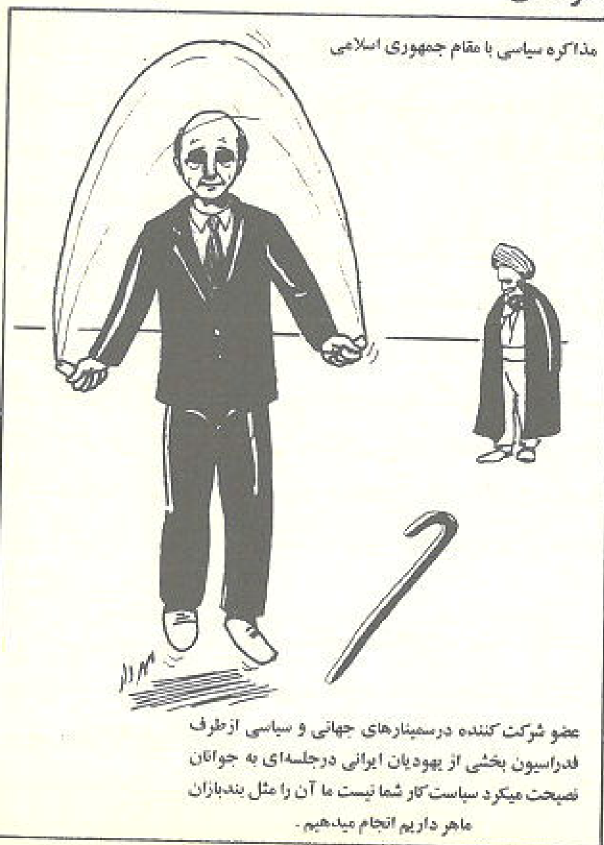
حالا اینجا باید تمام سازمانها به رتق و فتق امور مذهبی - اجتماعی - فرهنگی و صد ها اشکال روزمره مردم برسند تا اینها بتوانند فقط به کارهای سیاسی و تماس با مقامات عالیه کشور وکشورها مشغول باشند و بشوند رهبر یهودیان ایرانی سراسر دنیا !!

باچه سوادی ؟ - باچه سابقه‌ای از رهبری ؟ یا آینده نگری و جانبازی ؟

به همان مصداق **خودگویی و خود خندی** **به به چه هنرمندی**

بقیه در صفحه 42

مذاکره سیاسی با مقام جمهوری اسلامی



عضو شرکت کننده درسمینارهای جهانی و سیاسی ازطرف فدراسیون بخشی از یهودیان ایرانی درجلسه‌ای به جوانان نصیحت میکرد سیاست کار شما نیست ما آن را مثل بندبازان ماهر داریم انجام میدهیم .

یهودیت را رها کردن یا به آن پیوستن: شما کدام را انتخاب کرده‌اید؟



گریز یا بی تفاوتی بامیزان وحشتناکی جامعه ما راچون موریانه از درون میخورد. نسل جوان و نوجوانان ما یهودی بار نمی‌آیند. نسلی دارد درمقابل چشمان ما ناپدید می شود.

راه حل چیست؟

امروز بیش از همیشه ازشما میخواهیم یهودیت را جستجو کنید. به سازمانهای دلخواه خود بپیوندید. از هالاکاستی دیگر جلوگیری کنید.

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا
«سیامک»

۵۷۵۳

وقایع سیاسی و اجتماعی ایران وجهان در نشریات دیگر بطورگسترده‌ای گزارش میگردد.
این بررسی تنها برای بازگو نمودن بخشی از وقایع جهان درسال گذشته میباشد که به باورما به نحوی بارزتر به یهودیت مربوط میشود.

بمب گذاری



Scene of the crime: a view of the World Trade Center.



Sheikh Abdel-Rahman: Has he abused U.S. hospitality?

بهار امسال تروریستهای مسلمان دست به انفجار بمب در مرکز تجارتی جهانی WORLD TRADE CENTER در نیویورک زدند و باعث خرابی این ساختمان ، مجروح شدن عده‌ای و وحشت مردم آمریکا شدند .

سوء ظن ماموران اف بی آی و پیگیری حادثه آنان را به شخصی بنام محمد سلامه که عضو مسجدی در شهر جرسی بوده میکشاند . رئیس این مسجد ، شیخ عمر عبدالرحمن از تندروان مذهبی مصر بوده و مورد سوء ظن پلیس مصر در مورد دست داشتن در قتل انورالسادات رئیس جمهور فقید مصر میباشد .

به احتمال زیاد مئیر کاهنا ، رهبر قبلی تندروان سیاسی یهودی و عضو پارلمان اسرائیل توسط فردی دیگر از این گروه در نیویورک به قتل رسیده بوده است .

موزه هالاکاست



Above the umbrellas: An appeal from Wiesel to intervene in Bosnia.

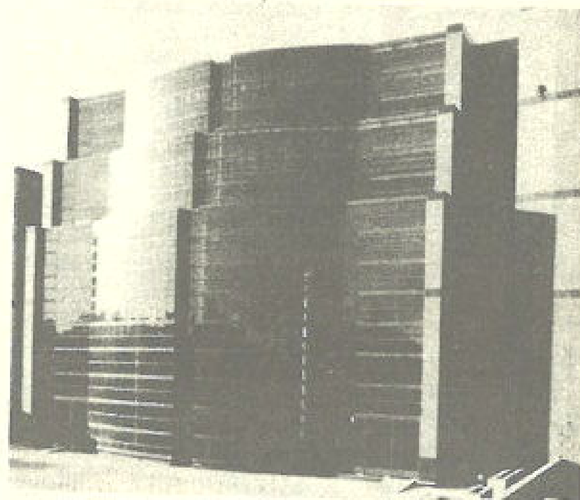
موزه هالاکاست واشنگتن در مساحتی حدود ۹ / ۱ ایکر که توسط دولت آمریکا اهداء شده با هزینه ۱۶۹ میلیون دلار و زیر بنای ۰۰۰ / ۲۵۰ اسکورفیت در بهار امسال افتتاح شد.

درمراسم افتتاح این موزه رئیس جمهور امریکا، سران کشورهای مختلف، نمایندگان سنا و کنگره، رهبران یهودی و مدعوین امریکایی شرکت کردند.

دراین موزه بیش از ۲۵۰۰۰ عدد باقیمانده وآثار زندگی یهودیانی که درجنگ جهانی دوم کشته شده‌اند جمع آوری شده که ۵۰۰۰ عدد آن بطور همیشگی به نمایش گذارده خواهد شد.

درمراسم افتتاح این موزه الی ویزل برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۸۶ و بازمانده آشویتس دریک سخنرانی تکان دهنده ازرئیس جمهور امریکا خواست که برای جلوگیری از تصفیه نژادی دربازنیای یوگسلاوی عاجلانه اقدام کند.

موزه تحمل



زمستان امسال موزه هالاکاست و تحمل نژادی با هزینه ۵۵ میلیون دلار وبا استفاده ازآخرین تکنیکهای تکنولوژی درلس آنجلس افتتاح شد .

تخمین زده میشودکه سالیانه ۳۵۰۰۰۰ نفر ازموزه وایزنتال دیدن نمایند .

دربهای تعصب و بی تعصبی دیدارکننده را به موزه هدایت می کند .

گالری نجوا ، مبارزات حقوق مدنی ، جنایات نژادی ، قتل عام ارامنه کامبوج و سرخ پوستان آمریکای لاتین از بخشهای دیدنی این موزه میباشند .

بنا به گفته رئیس آن ، موزه بعنوان یک انسان بما میگوید :کی ، چگونه هستیم و چه خواهیم شد .

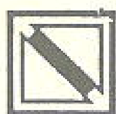
این موزه مسائل انسانهارا حل نمیکند ولی بخشی از راه حل قضیه خواهد بود .

اخراج



۱۷ دسامبر گذشته دولت اسرائیل ۴۱۵ نفر از رهبران گروه تندرو مذهبی حمس را درپی قتلهای پی درپی افراد شخصی اسرائیل به جنوب لبنان اخراج نمود .

Architects



Builders

با متجاوز از ۲۵ سال سابقه کار



New House - Brentwood, 1992

مهندس ایرج و داریوش صفائی آرشیتکت

CALIF,ACHITECT LIC # C13017 & C13018

● تهیه طرح و نقشه و اخذ پروانه ساختمانهای مسکونی و تجارتی



● پروژه های خانه سازی
● ریمادلینگ و نوسازی ساختمانهای قدیمی
● محوطه سازی واحداث استخر و دک در HILLSIDE
● نوسازی مطب پزشکان و کلینیک
● احداث انبار وکارخانجات
● تبدیل آپارتمان به کاندومینیوم
● نقشه برداری و محاسبات فنی
● طرح واجراء انواع رستوران و سوپر مارکت
● مشاوره اولیه رایگان

New House - Brentwood, 1992

CALTEC CONSTRUCTION CORP.

Tel: (310) 453-3335 - Fax: (310) 453-6419

2932 Wilshire Blvd., Suite #210, Santa Monica, CA 90403

این عمل که باعث واکنشهای گوناگون سیاسی درسراسر جهان شد برای مدت محدودی جلو قتلهای مذکور را در اسرائیل گرفت .
گروه حمس که ازطرف سوریه و ایران پشتیبانی میشوند با مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل موافق نبوده و دنبال اخلال کردن درآن میباشند .
این افراد برخلاف قربانیان اسرائیلی حق فرجام خواهی در دادگاههای اسرائیل را دارند . علیرغم عکسهای چاپ شده در مطبوعات غربی ، بنا به گفته روزنامه های لبنان این افراد برای مرخصی و گردش به خیابانهای بیروت آمده به رستورانها رفته و به تفریح مشغول میشوند .

کورش - ناجی دروغین

دیوید کورش رئیس گروه مذهبی در شهر ویکو تگزاس ، در بهار امسال خود و اطرافیانش را به آتش کشید .
این رهبر خطرناک سه سال پیش برای بازنمودن شعبه‌ای در اسرائیل که افکار او را توسعه بدهد به این کشور مسافرت نمود .
دراین سفر وی ۱۲ نفر را تحت تاثیر قرار داده و راضی نمود که باوی به تگزاس بیایند و به آنها بلیط مجانی وکاری در رشته موسیقی وعده داد . وی سرانجام موفق شد یکنفر را متقاعد کند و باخود به تگزاس بیاورد . این جوان یهودی بنام‌پابلو کهن درآتش سوزی ۱۸ آپریل با بقیه جان خود رادر دیوانگی کورش باخت .

بی بی



درانتخابات حزب لیکود و درپی شکست این جناح سیاسی در انتخابات همگانی اسرائیل بنجامین ناتانیاهو به ریاست این حزب انتخاب گردید .
حزب لیکود با ۲۵۰۰۰۰ عضو رسمی از میان ۴ کاندیدا وباکنار گذاشتن دیوید لوی ، وزیرامورخارجه کابینه قبلی شمیر ، ناتانیاهو را برگزید .
موشه کتساب وزیر راه کابینه شمیر که ایرانی الاصل میباشد دراین انتخابات مقام چهارم را بدست آورد .

داستان روت



روت بیدر گینزبرگ درماه گذشته بعنوان دومین زن و صدوهفتمین قاضی دادگاه عالیه انتخاب گردید .
این خانم یهودی ۶۰ ساله و متولد بروکلین نیویورک میباشند . ایشان در سال ۱۹۸۰ توسط جیمی کارتر به مقام قاضی دادگاه فرجام واشنگتن منصوب گردید . خانم روت گینزبرگ درموسسات یهودی چون کمیته یهودیان امریکا و بخش کمیسیون‌امور اجتماعی و

درباره مقایسه هالاخا (قانون یهود) و قوانین آمریکا شرکت نموده است.

انتخاب این قاضی عالیرتبه به بالاترین درجه قضاوت در آمریکا با استقبال بی نظیر هردوحزب سیاسی امریکا روبرو گردید.

قاضی گینزبرگ زنی است که از ریشه های یهودی خود نبریده است درهمین‌شماره چشم انداز مقاله‌ای گسترده تر دراین مورد چاپ شده است.

دستهای خون آلود



با ادامه یافتن مذاکرات صلح بین کشورهای عربی و اسرائیل، سیاست کشور ایران دائر بر توسعه اسلام و نفوذ افکار و قدرت طرفداران خط مشی دولت مردان آن درامور جهان، بسیار محسوس بود.

خرید مواد اولیه اتمی علاوه بر موشکهای دوربرد و زیردریائیها و بودجه سرسام آور نظامی ایران، ازنظر سیاستمداران جهانی خطری جدی محسوب شده و این کشور را چون عراق درمقام بالائی از مسائل کابینه کلینتون قرار داده است. با همکاری سوریه، ایران به تقویت گروههای تندرو حزب اله در لبنان (که اکنون زیر سلطه سوریه میباشد) و انتفادا(که امسال ۵ ساله شد) و کشورهای دیگر عربی و غیر عربی دست زده است.

دراواخر زمستان گذشته افراد شخصی اسرائیل با روند بسیار چشمگیری از پشت وبدون رویارویی به قتل رسیدند.

رایش چهارم

سال گذشته همچنین سال رشد نیونازیسم و انتی سمیتزم درآمریکا وسراسر دنیا بود. حتی ژاپن نیزدر مطبوعات و گفتارهای دولتمردانش به انتی سمیتزم دست زد. درآلمان افکار و اعمال ضد نژادی، قربانیان غیر یهودی را دربرگرفت. شیوع این افکار و افزایش آن که از ناآگاهیهای فردی و تعصبهای غیر انسانی و بد بودن شرایط بد اقتصادی تغذیه مینمایند، زنگ خطری جدی برای تمام انسان دوستان جهان بود.

براساس آمار ADL که آمار این حملات و افکار راجمع آوری میکند تنها در امریکا این عقیده که یهودیان درامریکا بسیار نفوذ دارند از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۲ در افکار عمومی ۱۱ درصد افزایش نشان میدهد.

سیاه پوستان که افکار بسیار تندتری درمورد انتی سمیتزم دارند ۳۴ درصد و سفید پوستان ۱۷ درصد کل‌جمعیت میباشند.



رئیس جمهور جدید



President-elect Clinton with Jewish leaders.

بیل کلینتون کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا از حزب دموکرات توانست که درسال گذشته بر رقیب جمهوریخواه خود فائق شود.

بیل کلینتون که ازپشتیبانی بیشتری درمیان یهودیان آمریکایی برخوردار بود تاکنون سیاست موافق تری را ازجورج بوش وکابینه قبلی آمریکا درقبال اسرائیل پیش گرفته است.

دراولین روز روش هشانا در شهر لیتل راک، آرکانزاس، ۸۵ نفر از ۳۰۰ نفر مسئولین انتخابات بیل کلینتون (در زمان کاندیدایی او) به کنیسا رفتند.

مندل بام - رایش - سیگال - برگر وکنتر مشاورین او بودند.

آقای **امتیای** رئیس اجرایی پیشین کمیته امور اجتماعی آمریکا و اسرائیل (AIPAC) رل بسیار عمده‌ای رابرای جمع آوری رأی یهودیان برای بیل کلینتون برعهده داشت.



HAPPY NEW YEAR

دکتر موریس واحدی فر

MAURICE VAHEDIFAR D.M.S., M.S.

دندانپزشک متخصص از دانشگاههای پاریس و سانفرانسیسکو

استاد سابق دانشگاه ملی بابیش از ۲۵ سال تجربه درخدمات:

- دندانپزشکی و ارتودونسی (ردیف کردن دندانها)
- قبول دندانپزشکی زیبایی
- روکش و پوسته های چینی
- باندینگ و بستن فواصل بین دندانها
- روت کانال
- درمان لثه بدون جراحی
- رفع بوی بد دهان و سفید کردن دندانها
- تهیه دندانهای مصنوعی متحرک
- درمان دردهای عضلانی سروصورت و کاشتن دندان
- رعایت دقیق استرلیزاسیون طبق استاندارد OSHA

به دلخواه بیمار برای هر نفر از وسایل دندانپزشکی که یکبار مورد مصرف دارد بکار برده میشود که درمراجعات بعدی فقط برای خود او استریل شده وقابل استفاده میگردد.

نشانی : در ۱۲۳۰۴ سانتامونیکا بلوار (غرب باندی)

تلفن : ۴۳۲۸ـ۸۲۰(۳۱۰)

پذیرایی: مطب علاوه برایام معمول هفته شنبه ها نیز با وقت قبلی دایر می باشد.

اکثر بیمه ها ومدیکل پذیرفته می شود

داوید فاخری

«بدینوسیله یک خرابکار حزب الهی متولد میشود»



● حدود شش سالش میباشد که یک کودک خردسال شیعه لبنانی به آموزشگاه مخصوص حزب اله پیوسته و در ده سالگی آموزش ویژه ایدئولوژی را فرا میگیرند.

● بزرگتر که میشود به خدمت درآمده وبعنوان نگهبان اماکن عمومی شروع به نشان دادن خود میکند و اگر دراین مورد موفق بود به اردوگاههای ارتشی روانه گردیده و به آموختن (مذهب) و نصب اعلامیه بکار گرفته میشود.

● بعد از گذراندن دوره های تخصصی درمقابل ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار مقرری ماهیانه وبرخورداری از بیمه درمانی خانوادگی به انجام عملیات خرابکاری و حتی ماموریتهای انتحاری فرستاده میشود.

در تاریکی نیمه شب درحالیکه با عجله کوله پشتیها و ساکهای دستی خود را آماده کرده‌اند خرابکاران حزب اله باسرعت بسوی شمال فرار نموده و خود را به آن طرف مرزهای امنیتی میرسانند .این عمل رادرهر زمانی که آنان توانسته‌اند ضربه‌ای به نیروهای اسرائیلی یا شهرکهای شمال کشور وارد آورند و احتمال عکس العمل ارتش اسرائیل راپیش بینی میکنند حتی بدون فرمان مافوقان خود انجام میدهند .

بعدازدوهفته که آرامش نسبی منطقه جنوبی لبنان را فرامیگیرد به آن مکان برگشته و بسادگی میتوان آنان را با لباسهای (پلنگی) و پارچه سبز رنگی که دور سرخود بسته‌اند شناسائی‌کرد اگرچه تعداد بسیار زیادی ازآنان ترجیح میدهند که ملبس به یونیفورم سربازان لبنانی درآمده و بدین وسیله امنیت شخصی خود را تضمین نمایند .

با اینکه تعداد آنان بیش از چند صد تن نمیباشد بعلاوه چند ده نفر فرماندهان منطقه‌ای ولی برای برخی از مقامات دفاعی اسرائیلی آنان را نه تنها یک درد سر معمولی نمیدانند بلکه بعنوان جنگاوران زبده مورد ذکر قرار میدهند . تاکنون مبارزان حزب اله دولت کنونی لبنان را مورد شناسایی خودنمیدانند و بدستورمقامات تهران باید حکومتی را مانند ایران درآنجا برپا کرده که حقوق مساوی برای همگان !!! دربرداشته و شیطان‌بزرگ و حامیان وی را از منطقه برانند .

تارسیدن آن زمان آنان به حوزه های علمیه که نزدیک‌مسجد میباشد رفته و بعد ازبرگزاری نماز جماعت با امام یا شیخ به تفسیر اخبار و اتفاقات میپردازند ، حقوق خود را دریافت داشته و امورزندگی خودرا میگذرانند . حوزه ها و مساجد تنها محلی برای برگزاری عبادت نبوده ومحل مناسبی برای پنهان کردن اسلحه ، مواد منفجره ، دارو ونقشه های عملیاتی راکه در تهران طرح گردیده‌اند نیزمیباشند .

ازسنین جوانی افراد شیعه به ترویج و عملیات دینی گمارده میشوند . حزب اله که در دهه گذشته جای حزب (امل) در لبنان را عملا اشغال نموده با دست و دلبازی مقامات تهران دست به ایجاد مکانهای (کشافت المهدی) زده وبه این ترتیب بچه های ۶ - ۱۰ ساله شیعه را درآن مکانها که شبیه (پیشاهنگان) میباشد مورد تعلیم قرار میدهد . بعد ازآن امورآموزشی آنان بعهده مکان دیگری بنام (مراحقان) واگذار میگردد که آنان رابا تعلیمات ورزشی و تربیت بدنی آشنا کرده و همچنین ساعات زیادی را به گوش فرا دادن به سخنرانی های امامان وشیخها که درآن ایدئولوژی ضد آمریکایی که وی را بنام (شیطان بزرگ) و اسرائیل که وی را (شیطان کوچک) میخوانند ترویج میگردد میپردازند . با آموختن چنین ایدئولوژیهای زهرآگینی ، ضد اسرائیلی شدن احتیاج به زحمت زیادی ندارد .به خدمت درآوردن این افراد بسیار ساده میباشد چون اعضاء حزب اله را بیشتر نوجوانانی تشکیل میدهند که دارای احساسات دوران بلوغ میباشند . کسانیکه مامور به خدمت درآوردن آنان میباشند معمولا از بیروت به شهرکها و دهاتهای شیعه نشین آمده و اختیار به خدمت درآمدن ویا نیامدن را بعهده آنان میگذارند ولیکن بسیار ساده است هنوز عکس العمل این جوانان احساساتی را بعد ازشنیدن سخنرانیهای پر هیجان امامان ، شیخها و فرماندهان اعزامی که نه تنها جواب رد به درخواستهای آنان نمیدهند بلکه در شرایطی با التماس و زاری ازآنان میخواهند که به خدمت حزب اله درآمده و در راه حسین و علی جان خود را فدا نمایند .

برخلاف جوانان شاغل در سازمانهای مختلف فلسطینی که بعد از دیدن دوره های‌کوتاه مدت خرابکاری به سرعت آنان را برای انجام عملیات به اسرائیل اعزام‌میدارند حزب اله سعی زیادی دارد که جوانانش با تجربه تر و دوره دیده تر به انجام عملیات خرابکاری فرستاده شوند بطور مثال ، آنان باید اولا شیعه باشند ، دوماً کمتر از ۲۲ سال سن داشته باشند ، سوماً توانایی خواندن و نوشتن داشته باشند وحتماً نیرومند جسمی باشند . در چهارچوب این تعلیمات وظایف آنان ازجمله نگهبانی از دهکده ها و شهرکهای شیعه نشین میباشد که خود را داخل مردم محل نموده و در مواقع لزوم ازپناه آنان و یا پنهان کردن اسلحه و مهمات درخانه هایشان استفاده نموده و ازآنجا به محل های اجراء خرابکاری فرستاده میشوند . درمیان این افراد کسانیکه به عنوان برگزیدگان شناخته میشوند به خدمت دائم در حزب اله درآمده و بعد از دیدن دوره های نظامی و مذهبی به ماموریتهای چسباندن اعلامیه درآن طرف خط امنیتی فرستاده میشوند که ازاین نظر از رقبای دیگر شیعه (امل) به رهبری (نبیه بری) که عضو پارلمان لبنان میباشد بسیار جلوتر افتاده‌اند . درمرحله عالی این فعالیتها ازمیان این برگزیدگان افرادی را انتخاب میکنند که در گروهکهای کوچک فعالیت نموده و عملیات آنان چنان سری میباشد که حتی دوستان هم رزم نیز ازماموریت دیگری اطلاع ندارند . به‌آنان یاد داده میشود چگونه از صحبت با بیگانگان دوری نموده و به چه لباسها و وسایلی مجهز گردند تا از دید سازمانهای

امنیتی و ارتشی خود را پنهان نگاه دارند .

برخلاف سازمان خرابکاران فلسطینی تاکنون هیچگونه اختلاس و رشوه خواری از بودجه های عظیم ارسالی از ایران در سازمان حزب اله دیده نشده است . میلیونها دلاری که ازطریق تهران به بانکهای دمشق یا بیروت به حساب حزب اله ریخته میشوند به مدیرکل حزب (حسن نصراله) تحویل و نامبرده به صلاح خود آنان را بین گروهها تقسیم‌میکند .

حقوق و مزایای اجتماعی که حزب اله ازپولهای ارسالی از تهران به افراد خود پیشنهاد میکند مشابه آنست که ارتش جنوب لبنان در اختیار سربازان خود قرار میدهد . ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار مناسب با قدمت خدمت که حقوق قابل توجهی نسبت به درآمد یک لبنانی عادی است . علاوه برآن فرزندان یک حزب الهی ازآموزش رایگان در مدارسی که توسط دولت ایران و پولهای آنان برپا گردیده‌اند برخوردار و کمک هزینه برای تولد هر بچه و سایر کمکهای اجتماعی و مهمتر ازآن برخورداری خانواده های حزب الهی از درمان و معالجه مجانی و استفاده ازبیمارستان بطوررایگان که هزینه آن بسیار سرسام‌آور است برای فردی که بیمه ندارد و مجبور است ازجیب خود به پزشک ، آزمایشگاه و بیمارستان و دارو بپردازد . اینان تنها دلایل پیوستن یک نوجوان به جنبش حزب اله نمیباشد . عقیده برپایی کشوری بر اصول اسلامی (شیعه) که ازجانب سران تهران تقویت میگردد و همچنین طرح مادری که ازجانب (آیت اله خمینی) درمورد (ولایت فقیه) درتهران ریخته شد و حکومت مذهبی را ترویج و نهایتاً به فتح (اورشلیم) توسط مسلمانان پیش بینی میشود دلایل دیگر علاقمندی آن جوانان احساساتی است که درخدمت حزب اله درآیند .

چند سالی است که درهر بهار روزی‌را بنام (قدس) انتخاب کرده ودرآن روز به تظاهرات میپردازند . امسال با حضور ۲۰۰۰ تن از حزب الهی های لبنان (و همچنین درایران) که سوار بر نفربرها ، جیپ ها و تانکهای مجهز به توپها و خمپاره اندازها و حتی موشکهای (ساگر) بودند مراسم روز قدس با رژه آنان با لباسهای متحدالشکل و فریادهای مرگ بر اسرائیل و یا زنده باد شهدای اسلام که در راه مبارزه با صهیونیست ها کشته شده‌اند انجام پذیرفت . زنان نیزدر قسمت آخر رژه روندگان با پوششهای اسلامی و حمل اسلحه به تظاهرات پرداختند .

قابل ذکر است که حزب اله به زنان مسئولیتهایی را درانجام بعضی امور مخصوص (حتی ماموریتهای انتحاری) تفویض نموده ولی هرگز جایی برای آنان در (مجلس خبرگان) یا مجالس مهم تصمیم گیری دیگر درنظر نگرفته است .

با بررسی میزان قدرت حزب الهی ها به این نتیجه میرسیم که آنان قادرند به عملیات جسورانه دست بزنند . حمله به مرکز سربازان آمریکایی در لبنان و انفجار آن توسط یک (فرد انتحاری) ، حملات گاه و بیگاه به مراکز تجمع سربازان (جنوب لبنان) و یا انفجار محل سفارت اسرائیل در (بوئنوس آیرس) نشانه هایی از این قدرت نمایی هاست که البته بعد از دستگیری آن عده که از انجام عملیات انتحاری بنحوی رهایی یافته و تحقیق ازآنان ، مسئولین امنیتی به این نتیجه رسیده‌اند که منابع این تهور وبی پروایی حاصل از سن کم شرکت کنندگان و اطاعت کورکورانه از دستورات فرماندهان مذهبیشان میباشد که بدین وسیله آنان را به بهشت موعود رهنمون میسازند . از یکی ازآنان سئوال شد که چگونه حاضر به انجام عمل انتحاری گردیده وی همان جواب دیگران را تکرار نمود که (شیخ گفت برو منهم رفتم !!!) .

برای انجام هر عملیاتی که بسیار مهم میباشد فرماندهان نظامی حزب اله میبایستی اجازه رسمی (امام) راکسب نمایند و اوکسی است که با دادن (فتوا) اجرای آن عمل را ممکن میسازد در شرایطی حتی عمل (استشهاد) که با مشورت مقامات روحانی همراه میباشد انجام‌گرفته و آنگاه با اعلام (فتوا) افراد انتحاری به ماموریت ارسال خواهند گردید . اگرآنان در ماموریت کشته شوند هرگز نام حقیقی‌آنان توسط حزب اله فاش نمیگردد باین دلیل که مبادا بقیه افراد یا فرماندهان در رابطه با نام وی شناسایی شوند و ازآنان انتقام گرفته شود . خود آنان نیز میدانند که هدف از استفاده ازآنان بمنظور تعالی نام (اسلام) است و نه برای خودنمایی و شهرت نام . عملیات انتحاری حزب اله کمک موثری است به اجرای نقشه دولت ایران در بهم ریختن مذاکرات صلح خاورمیانه . همچنین در لبنان و مصر که دولت ایران تامین کننده اصلی امور مالی مذهبیون مخالف دولت (جماعت) میباشد تا حکومت مبارک (کافر) را سرنگون سازند .

برخلاف سایرسازمانهای موجود در لبنان ، حزب اله تنها گروهی است که تاکنون ازوی درخواست خلع سلاح نگردیده است . این سازمان همواره اسلحه و مهمات لازم را از طریق ایران که به سوریه فرستاده شده و با همکاری آنان به بیروت میرسد دریافت

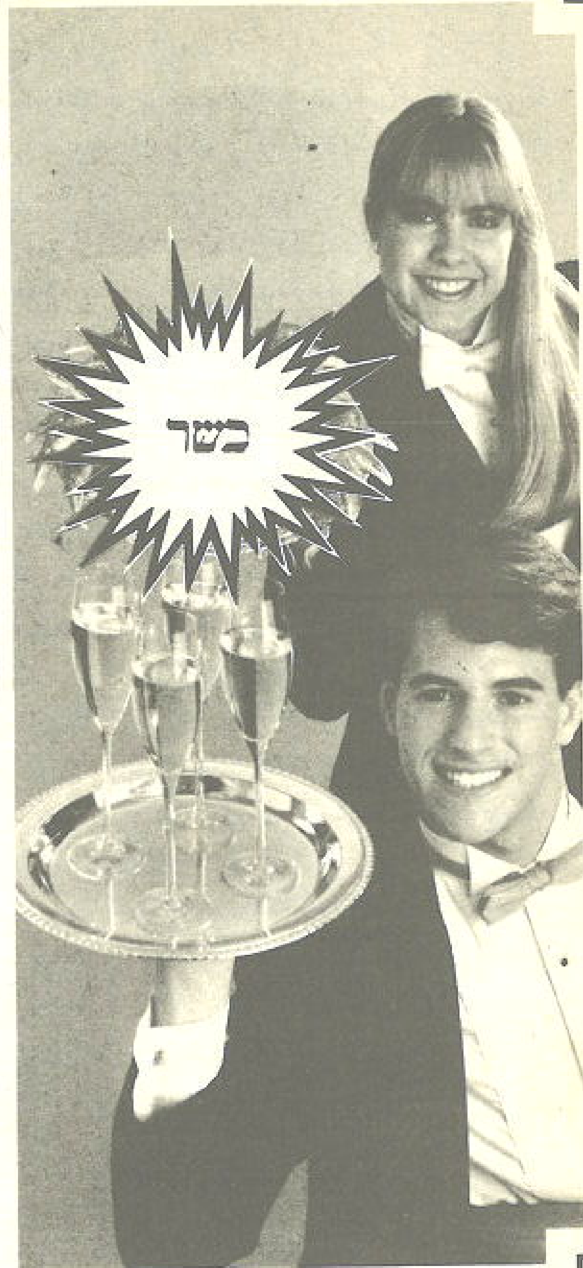
بقیه در صفحه 85

SIMON'S
KOSHER RESTAURANTS

رستورانهای کاشر سیمون

Glat Kosher وزیر نظر RCC اداره میشوند

پذیرای شما با لذیذترین غذاهای ایرانی
به صورت صددرصد کاشر



«کیترینگ سیمون»

برای جشنهای عروسی، نامزدی، برمیتصوا و بت میتصوا
در سالنهای متنوع و مجلل آماده پذیرایی می باشد

رستورانهای کاشر سیمون باداشتن ۲ شعبه در لس آنجلس از هر زمانی به شما نزدیکترند

وست لس آنجلس و بورلی هیلز
8706 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

دان تاون لس آنجلس
914 S. Hill St. بین خیابانهای نهم و المپیک
Los Angeles, CA 90015

(213) 627-6535

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله ششم

۱۴ـ انتقاد

در این یادداشت کوتاه منظور ما از انتقاد معنای گسترده آن است که شامل نقد وهمچنین معرفی (کتب) میشود. اصولاً انتقاد ما دانشگاهیان در محور درست یا نادرست بودن رسالات وکتب علمی همکاران دور میزند. بعبارت دیگر ما اغلب کاری بکار خوب وبد بودن یا زیبا وزشت بودن مطالب نداریم. ولی در امور جامعه مسائلی بسیار افزوده بر درست ونادرست بودن بچشم میخورند که نیاز به انتقاد دارند. خواست ما از انتقاد فقط انتقاد مفید وسازنده است که از روی عقل سلیم مبتنی بر شیوه های درست داوری برای بهبود طرف منتقَد ایراد میشود. انتقاد اگر اینطور نباشد در تعریف ما نمی گنجد ونامش را باید ایراد بیجا، بهانه وحتی گاهی فضولی نامید که موضوع یادداشت بعدی ماست.

بدون تردید از زمانی که جامعه متمدن بشری تکوین یافته انتقاد نیز همگام با سیر این تکوین در حال تکامل بوده است. اگر چنین نمیبود جامعه بشری نمیتوانست به پیشرفتهای چشمگیر امروزی دست بیابد. در یونان قدیم رشته انتقاد بعنوان تمییز وقضاوت (χϱινω) یک بخش علمی از دروس آکادمیک بشمار میرفت. در کتاب مقدس ما یهودیان گرچه شیوه سیستماتیک انتقاد بصورت جزوه دانشگاهی نوشته نشده ولی در سراسر ۲۴ اسفار آن همه جا نقد وانتقاد بعنوان חקירה بچشم میخورد.

در دنیای علم وادب انتقاد از ابزارهای علمی لازم است وبدون آن نمیتوان به پیشرفت جامعه بشری امیدوار بود. امروزه تمام زمینه های مربوط به جامعه بشری از سیاست تا مذهب واز فلسفه تا نقاشی همه چیز تحت نظر انتقاد قرار گرفته است. در گذشته نه چندان دور پاره ای از امور مانند چگونگی های ایمان به خدا وبه کتب مقدسه از دایره انتقاد خارج مانده بودند. منتقدین اینگونه امور را گاهی سخت مجازات ویا از جامعه طرد مینمودند. نقد علمی کتب مقدسه در اروپای قرن گذشته شروع شد، گرچه چنین انتقاداتی بصورت پراکنده وشاید شبه علمی سابقه طولانی تری دارد.

آنچه نگارنده در سالهای خدمت علمی واجتماعی خود دریافته نشان میدهد که ما ایرانی زادگان اصولاً از انتقاد بدمان میآید. این موضوع دو علت اساسی دارد؛ یکی اینکه ناقدان یا منتقِدین در بارهٔ موضوع مورد انتقاد خود تخصص وخبرگی ندارند وهوا منثوره پرت وپلا میگویند. بعبارت دیگر، اگر طرف را دوست دارند انتقاد مثبت میکنند واگر از طرف بدشان میآید دنبال بهانه میگردند وهر چیز مبتذل وپیش پا افتاده را بزرگ میکنند وایراد میگیرند. گاهی هم مسئله نفع شخصی یا خطر مقابله شدن با طرف در میان است که منتقِد را از جاده صحیح وعلمی انتقاد فرسنگها به دور میافکند. اینها رویهمرفته کاری به درست بودن یا نادرست بودن موضوع ندارند. بعبارت دیگر اینها بیطرف وبقول خارجیان objective نیستند؛ انتقاد اینها یا بی ارزش است یا زیان آور ویا هر دوی آن.

دوم اینکه اغلب ما را از بچگی، یعنی از کودکستان گرفته تا سالهای نهائی تحصیل، بعلم انتقاد آشنا نکرده اند. اگر خلاف حرف پدر یا مادر یا کسی بزرگتر از خودمان چیزی از دهانمان بیرون میریخت ما را سخت توبیخ میکردند. در مدارس هم همیشه حق بگردن معلم بود؛ کتب قرائت هم چون کتب مقدسه میبایست مورد احترام وتقدس ما باشد. کسی را نه توان علمی ونه شهامتی بود که بگوید این قسمت از اشعار فردوسی یا این چند بیت سعدی چرند یا مضر است. مجله **راهنمای کتاب** ویا مقالات یکی دو سال اخیر را علیه نظریات احمد شاملو بخوانید تا درک کنید نویسنده این یادداشت چه دردی در دل دارد.

متأسفانه پژوهشگران ونویسندگان دست دوم وسوم، که از همین قماش هستند، هم خود معنی درست انتقاد را درک نمیکنند وهم از انتقاد وحشت دارند؛ اینها حاصل کار خودشان را به متخصصین حرفه ای نمیدهد تا مبادا نارسائی ها وگاهی سرقتهای «علمی» شان بر ملا بشود. با کمال تأسف باید گفت تعداد قابل توجهی از نوشتارهای باصطلاح علمی دنیای شرق اقتباس ناقواره ووصله ناجور از نوشتارهای علمی غرب است. تأسف آورتر از همه انتقادات سفارشی است که اینگونه پژوهشگران، برای فریفتن عوام، از رجال سیاسی وچهره های معروف جامعه درخواست میکنند. این رجال مُعرّف، که خداوند همه خوبیهای دنیا را بآنها داده جز یک جو تخصص در رشته

مورد انتقاد، چه نظر صائبی میتوانند در باره موضوع مورد انتقاد بدهند؟

کلام پایانی ما از این یادداشت کوتاه اینست: اولاً هیچگاه از انتقادی سازنده که از دست وزبان فردی دلسوز وآگاه متوجه شما میشود نهراسید. بالعکس، این انتقاد را عامل پیشرفت وپیروزی خود بدانید. خوشبختانه پیغمبران، بزرگان وعلمای ما چه در زمان تورات وملحقات آن چه در دوره تلمود وچه در قرون وسطی وسده های اخیر همیشه مجهز بدستگاه والای انتقاد بوده اند. بهمین علت هم ملت یهود به پیشرفتهای چشمگیری رسید که نظیر آن در میان سایر ملل کمتر دیده شده است. در حال حاضر که نگارنده این جملات را مینویسد، طبق گزارش سازمان ملل، کشور اسرائیل در انتشار رسالات وکتب علمی وانتقادی وپژوهشهای علمی در جهان در درجه اول قرار گرفته است. سران کشورهائیکه منتقدین خود را بعلت انتقادی ناخوشآیند به چوبه دار میآویزند یا روانه زندان میکنند وتمایل به انتقاد را در میان فرزندان خود خفه میسازند لاجرم ملت خود را در لجنزار قرون وسطی نگاه داشته مانع پیشرفت مردم هستند.

ثانیاً اگر جایی انتقادی خواندید یا شنیدید بدون تعمق ومطالعه در محور موضوع مورد انتقاد وشخصیت وتخصص منتقِد به داوری ننشینید. ثالثاً بکوشید دستگاه تمییز وقضاوت بیطرفانهِ بدون حب وبغض را در وجود خودتان تقویت کنید تا آگاهانه یا ناخودآگاه انتقاد شما از اصل بسوی فرع ومبتذل کشانده نشود وانتقاد شما به بهانه وایراد بیجا، وخدای ناکرده به انتقام، مبدل نگردد.

۱۵ ـ فضولی

نمیدانم چرا از وقتی عادت برفت وآمد به لس آنجلس کرده ام کلمه «فضولی» را بیش از هر زمانی دیگر از دوران زندگی ام مانند تابلوی رستورانهای بلوار وستوود در برابر خود مجسم می بینم. حقیقت اینست که تعریف درست وصادقانه فضولی کار آسانی نیست. پاره ای مداخله ها در فرهنگ برخی ملل نه تنها فضولی محسوب نمیشود بلکه عکس آن بی تفاوتی وبی ادبی تلقی میگردد. یک جمله «فضولانه» در میان خانواده مباح ودر میان بیگانه مکروه مینماید. در مثل است: «اگر فضول نباشد شاه چه میداند قلعه کجاست.»

اگر از همه این استثنائات بگذریم وقتی یکنفر بیگانه در برخورد اول میخواهد تمام زیر وروی زندگی خصوصی طرف

را بداند واو را در این مورد، مستقیم یا غیر مستقیم، ابلهانه یا زیرکانه، سئوال پیچ میکند، کاری که میکند فضولی محض است. وای به موقعی که انسان مهمان طرف فضول است واین فضولی درست سر میز نهار یا شام صورت میگیرد. اولاً غذا تبدیل به زهر مار میشود واز گلو پائین نمیرود؛ ثانیاً آدم دست وپای خودش را گم میکند ودر برزخ حجب وعصبانیت نمیتواند جواب درست وحسابی بدهد. دروغ گفتن خطاست وراست گفتن اشتباه؛ پرت وپلا گفتن هم کاریست جاهلانه وطفره رفتن وتعلل کردن هم آتش کنجکاوی فضولانه طرف را شعله ور تر میکند. چه باید کرد؟

دلم میخواهد داد بزنم: «فضولی موقوف»! طرف دارد پواش پواش مرا کلافه میکند. عجب کار غلطی کردیم دعوت شامش را قبول کردیم. مصیبت عظمی موقعی مرا هاج وواج میکند که در این میهمانی ده بیست نفر دیگر هم دعوت شده باشند. بخاطر شلوغی مجلس وآرام حرف زدن وقورت دادن کلمات خودم گاهی همان سئوال را باید ده بار بشنوم وده بار جواب بدهم. اینها دست بردار نیستند. الا وجلا اینها حتماً باید بدانند من در کدام سوراخ سنبه بدنیا آمده ام، کی رویم به دیدار این دنیا سفید شده است، چقدر حقوق میگیرم، روزها چکار میکنم، شبها را چه جوری میگذرانم، پریروز با فلانکس چه گفت وشنودی داشتم، پریشب کجا دعوت شدم وهزار جور سئوال بدتر از اینها. اگر احیاناً طرف وقت نکرد تمام سئوالات خودش را مثل تیر اجل به جگر من خالی بکند غیر ممکن است خواب برود. ساعت یک بعد از نصف شب هم شده تتمه سئوالات خودش را تلفناً بسوی من پرتاب میکند وجواب میخواهد. من باید با چشمان خواب آلود وبا معده ای پر از شام سنگین شب مثل یک بدهکار به استنطاق حضرت ایشان جواب پس بدهم.

هرچه فکر میکنم به چه نحوی کاری بکنم که اینها دست از سر ما بردارند فکرم بجایی نمیرسد. شاید بهترین وراحت ترین راه حل این مشکل این باشد که هر موقع بنده یا شما با چنین اشخاصی روبرو شدیم، بجای اینکه جمله موهن «فضولی موقوف» را اداء کنیم، حضرت فضول را باین یادداشت شماره پانزده مراجعه بدهیم. تا آن وقت بیایید همراه با فریدالدین عطار دعا کنیم:

الهی نفس سرکش را زبون کن
فضولی از دماغ ما برون کن

«یادی از یوسف کهن»

از سیاوش

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز

درسالهای قبل از انقلاب من دریک موسسه مهندسین مشاور درسمت رئیس قسمت راه که مطالعات و طرح و نظارت پروژه های راهسازی رادربر داشت مشغول بکار بودم . یکی از پروژه های بزرگ که در دست مطالعه داشتیم شاهراه تهران - رودهن - دماوند بود . دریکی از بعدازظهرهای تابستان ۱۳۵۷ که در دفتر کارخود مشغول بکار بودم زنگ تلفن بصدا درآمد ومدیرعامل موسسه مرا به دفتر خود فراخواند . پس از ورود به اطاق مدیرعامل و بحث و گفتگو درباره مسایل جاری روز . نامبرده درحالیکه کارت ویزیتی را بدستم میداد اضافه نمود که امروز صبح یکی از وکلای مجلس با یادداشتی از دفتر وزیر راه و ترابری باینجا مراجعه نمود و درخصوص یک امر عام المنفعه که در رابطه با یکی ازپروژه های مطالعاتی ما میباشد تقاضای همکاری داشت وچون شما درموسسه نبودید قرار شد با او تماس بگیرید و هرگونه کمکی از دست ما برمیاید انجام دهید . درحالیکه از اطاق مدیرعامل خارج میشدم نگاهی به کارت ویزیت انداختم و چنین خواندم «یوسف کهن . نماینده مجلس شورای ملی»

پس ازمراجعه به اطاق خود با آقای یوسف کهن تماس گرفتم و قرار ملاقاتی برای روز بعد در محل موسسه با او گذاشتم. روز بعد در ساعت مقرر با او به صحبت نشستم و از او پرسیدم تقاضایشان چیست و از ما چه کاری برمیآید . او شروع به صحبت کرد و چنین اظهار داشت : من نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی هستم . طی سالیان متمادی جامعه یهودی ایران نه تنها حقوق قانونی و اجتماعی خود را آنچنان که در قانون اساسی برای اقلیت های مذهبی درنظر گرفته شده است کسب نکرده است بلکه در اکثر شهرهای ایران املاک و زمین های موقوفه متعلق به این جامعه توسط افراد یا بعضاً مقامات دولتی غصب شده است . من ازبدو ورود به مجلس شورای ملی سعی کرده‌ام این حقوق پایمال شده و املاک موقوفه غصب شده را بطر یقی به جامعه یهودی باز گردانم ازآن جمله است زمین گورستان قدیمی یهودیان در گیلارد درنزدیکی دماوند که بمرور زمان و طی سالیان توسط اهالی غصب شده است و اکنون بیش از چندین ماه است که به ادارات و مقامات مسئول مراجعه و مکاتبه مینمایم تا بالاخره سازمان اراضی بایر و سازمان زمین حاضر به اعاده زمین های این گورستان و تحدید حدودآن شده‌اند منتها چون از نزدیکی این گورستان شاهراه تهران - دماوند عبور مینماید اعاده زمین گورستان منوط به بررسی مقامات وزارت راه و تعیین مسیر و حریم این شاهراه میباشد . لذا با مقامات وزارت راه و ترابری تماس گرفتم وپس از تلاش فراوان و توصیه شخص وزیر بررسی موضوع و تعیین مسیر و حریم راه مطالعاتی فوق به موسسه شما که مسئول مطالعه و طرح این شاهراه میباشد محول گردید . تاپس ازآن سازمان زمین اقدام به تحدید حدود زمین گورستان بنماید . گفتم هرکاری از دست موسسه مابرآید انجام خواهیم داد و بخصوص که خود من شخصاً نسبت به این موضوع ذیعلاقه میباشم . با تعجب پرسید چطور شما ذیعلاقه هستید جواب دادم برای اینکه من یهودی هستم . با ناباوری لحظه‌ای نگاهم کرد و بعد درحالیکه برق شادی و هیجان در چشمانش نمایان بود برخاست ودست مرا بگرمی فشرد و گفت «خداوند بامن است» و ادامه داد که ازدو جهت خیلی خوشحال و ذوق زده هستم . اول اینکه یک فرد یهودی را دراین‌موقعیت ومقام می بینم ودوم اینکه پس ازماهها تلاش و دوندگی بالاخره گره این کار بدست یک یهودی باز میشود . ازاو تشکر کردم و گفتم من وظیفه خودرا انجام میدهم واگر این کار خیر بانجام برسد براثر تلاش بی وقفه شما بوده است .

باوجودی که من یک مسافرت دوماهه در پیش داشتم و سخت مشغول جمع و جور کردن کارهای اداری موسسه بودم ولی با دیدن اشتیاق و دلسوزی و علاقه بی شائبه این مرد به سرانجام رساندن این مهم بخود گفتم اگر لازم به عقب انداختن مسافرت هم باشد باید این کار به نتیجه برسد . بلافاصله با او قرار گذاشتم که فردای آن روز به محل برویم . اصرار داشت که وسیله نقلیه را او تامین نماید که تحمیلی به موسسه ما نباشد ولی به او اطمینان دادم که این درهر صورت یک ماموریت اداری وجزء وظایف ما است و هیچگونه تحمیلی به موسسه نمی باشد . این اولین بار بود که می دیدم یک وکیل مجلس‌بدور از هرگونه تظاهر و عوام فریبی با تواضع و فروتنی و دلسوزی برای

موکلین خود کاری انجام میدهد . تا آسانسور ساختمان اورا بدرقه کردم و برای او آرزوی موفقیت بیشتر در خدمت به جامعه نمودم .

فردای آنروز با یکی ازمهندسین دفتر که روی پروژه شاهراه مزبورکار میکرد به منطقه عزیمت نمودیم و در محلی که از قبل تعیین شده بود به آقای یوسف‌کهن ومامورین محلی سازمان زمین پیوستیم آقای کهن دو نفر همراه داشت که آنهارا متصدیان امور بهشتیه و از خیرین جامعه که داوطلبانه در خدمت جامعه میباشند معرفی نمود .

مشکلی که بطورکلی در پروژه های راهسازی موجود میباشد از بین رفتن میخکوبی محورراه توسط افراد محلی و بخصوص بچه ها میباشد که اقدام به بیرون‌کشیدن میخ های چوبی که به فاصله های معین برای مشخص‌کردن مسیر راه کوبیده شده میکنند و این امر مشکل بزرگی در شناسایی مسیر بوجود میاورد . گرچه تمام نقشه ها و مدارک پروژه و ازجمله مشخصات جغرافیایی نقاط ثابت مسیر را همراه داشتیم ولی برای بازسازی میخکوبی محور راه احتیاج به مهندس نقشه بردار و وسایل نقشه برداری بود . معمولا وقتی در شهرهای کوچک وروستایی کمیسیونی تشکیل میگردد و عده‌ای از مامورین دولتی و غیر دولتی دور هم جمع میشوند عده‌ای از اهالی محل بصورت تماشاچی دور آنها حلقه میزنند و بعضاً وارد مذاکرات هم میشوند و گهگاه اظهار نظر و پیشنهاداتی هم ارائه میدهند !! درآن روزکمیسیون ماهم مستثنی ازاین قاعده نبود و عده‌ای از اهالی دورما جمع شده بودند و وقتی من مشکل نداشتن مهندس نقشه بردار و وسایل نقشه برداری را برای حاضرین ابراز میکردم شخصی از میان تماشاچیان اظهار داشت که دراین نزدیکی یک دفتر ساختمانی است و یک‌آقای مهندس با وسایل نقشه برداری درآن کار میکند !! . با راهنمایی نامبرده به دفتر مزبور رفتیم و من با کمال تعجب با یک مهندس نقشه بردار آشنا روبرو شدم که سالها قبل در یکی از شعبات موسسه مشغول بکار بود وچون درکار نقشه برداری مهارت زیاد داشت خیلی مورد علاقه و توجه من بود . نامبرده از چندی قبل برای خوددفتری دست وپا کرد وبا رضایت کامل بکار خود در موسسه خاتمه داد . باگرمی دست همدیگر را فشردیم و پس از اطلاع از حال و احوال او و اوضاع کاری ، اورا درجریان مشکل خود گذاشتیم و از او تقاضای کمک نمودیم . نامبرده با کمال صمیمیت و محبت حاضر به همکاری شد و نقشه هارا در اختیارش گذاشتیم و او با وسایل مجهز نقشه برداری ظرف سه چهار ساعت محور راه را پیاده کرد وما پس از مشخص نمودن حریم راه اقدام به مشخص کردن محدوده زمین گورستان نمودەوبا خط کشی موقت حدود زمین تثبیت و طی یک صورتمجلس ازطرف مسئولین اداری سازمان زمین به آقای یوسف کهن تحویل گردید .

نکته جالبی که بچشم میخورد همکاری افراد با مذاهب متفاوت دراین امر خیر بود . کارمندان سازمان زمین و مهندس همراه من مسلمان ، مهندس نقشه بردار مسیحی ارمنی و بقیه یهودی بودیم که برای من این شعر حافظ تداعی شد که :

جنگ هفتاد و دوملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

قدم بعدی برای آقای یوسف کهن حصار کشی زمین بازپس گرفته بود تا بدین وسیله محدوده زمین برای همیشه تثبیت شود . ازمن دراین خصوص کمک فکری خواست و من باو پیشنهاد کردم اگر صلاح بداند کار را به همین مهندس نقشه بردار که دارای دفتر ساختمانی میباشد بسپارد چون اولا من میتوانم ازاو خواهش‌کنم که حتی الامکان ارزانترین قیمت را پیشنهاد کند و ثانیاً چون درحال حاضر درمحل مشغول بکار است لذا کار دیوارکشی سریع تر انجام خواهد شد . ضمناً چون دیوار کشی یک کار معمول و هزینه آن مشخص است میتوانید قیمت پیشنهادی نامبرده را با چند جای دیگر مقایسه نمائید که از هرنظر مطمئن باشید .

بامهندس آلبرت ـ خ (مهندس نقشه بردار) وارد مذاکره شدیم و از او خواهش کردم که چون این کار یک امر خیر میباشد و بودجه آن از محل وجوه اهدایی افراد تامین میگردد تا آنجاکه امکان داردکمترین قیمت را پیشنهاد نماید . اندازه‌گیری لازم بعمل آمد و قرار شد برآوردکار را ظرف یکی دو روز به آقای یوسف کهن تسلیم نماید . دو سه روز بعد آقای یوسف کهن تلفنی بمن اطلاع داد که مهندس آلبرت برآورد را تهیه و تسلیم نموده است و اگر ممکن است شما آنرا بررسی کنید . فردای آنروز به دفتر ایشان رفتم و اولین چیزی که به چشمم خورد چهره‌سوخته و پوست انداخته آقای کهن بودکه معلوم شد بخاطر در آفتاب ماندن آن روز در گیلیارد میباشد . قیمتهارا بررسی نمودم و با مقایسه با چند برآورد دیگر دیدم واقعاً مهندس آلبرت صادقانه حق نان و نمک را بجا آورده و کمترین قیمت ممکن را پیشنهاد نموده است . قرار شد آقای یوسف کهن ترتیب تهیه قرارداد و امضاء آن را با مهندس آلبرت بدهد وکار

دیوارکشی شروع گردد.

نیمساعتی با آقای کهن گپ دوستانه زدیم و از ایشان در باره سایر فعالیتهای اجتماعی او جویا شدم. معلوم شد در چند شهر دیگر مسایلی مشابه برای جامعه یهودی ایرانی موجود بوده که چندتای آن به نتیجه رسیده و بقیه در دست اقدام میباشد. ازجمله اقداماتی برای مرمت و نگهداری بهتر آرامگاه استر ومردخای در همدان بعمل آورده و هم چنین دبیرستان ابن سینای شیراز که زمین و ساختمان آن موقوفه انجمن کلیمیان شیراز میباشد وسالیان دراز توسط فضل اله شرقی مدیر دبیرستان مزبور وصاحب امتیاز روزنامه پارس بدون پرداخت هیچگونه اجاره‌ای غصب شده بود و کم کم داعیه مالکیت آنرا درسر میپروراند با اقدامات قانونی و پافشاری زیاد علیرغم تهدیدها و مخالف خوانی های شرقی از چنگ او درآورده و دراختیار انجمن کلیمیان شیراز قرار داده است.

عصر آنروز عازم مسافرت دوسه ماهه خود بودم. بعداز برگشت از مسافرت که مقارن با اوج انقلاب و دگرگونی همه جانبه ایران بود هرچه سعی کردم نتوانستم با آقای یوسف کهن تماس بگیرم. بعداً بطریقی مطلع شدم که حصارکشی زمین گورستان درمراحل آخر بخاطر شرایط روز و توقف کلیه امور عمرانی در سطح کشور ناتمام مانده است و اکنون پس از گذشت ۱۵ سال نمیدانم چه برسر گورستان گیلیارد و زمین های پس گرفته و دیوارکشی آن آمده است. ولی این را میدانم که تلاش و کوشش یوسف کهن و خدمات بی شائبه او به جامعه یهودیان ایران درمقام وکیل مردم بدون هیچگونه تظاهر و خودستایی و فخرفروشی درخور تقدیر و ستایش است و باید نام او بعنوان یک خادم واقعی جامعه درتاریخ یهود ثبت گردد.

برای بی شائبه‌گی و عشق خدمت به مردم دریوسف کهن در برابر بعضی افراد که داعیه خدمت به جامعه دارند و دارای هیاهوی بسیارند برای هیچ، این گفتار سعدی مصداق پیدا میکند که:

ای مرغ سحر عشق زپروانه بیاموز
کان سوخته راجان شد و آواز نیامد

روانش شاد و طریقش رهنمون کلیه خادمین واقعی جامعه.

دکتر سیروس مشکی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال امریکا
باسابقه وکالت پایه یک دادگستری در ایران



■ **قبول وکالت در امور:**

تصادفات، دعاوی حقوقی، دعاوی خانوادگی و طلاق، امور تجاری ثبت و انحلال شرکت ها، تنظیم قراردادها، اخذ ویزا و امور مهاجرت

■ **قبول کارشناسی در:**

کلیه موارد مربوط به تفسیر و اجرای حقوق ایران و احوال شخصیه ایرانیان در دادگاه های امریکا، اروپا، کانادا و دیوان بین المللی لاهه

LAW OFFICES OF

FRANK, GREENBERG & SIMONE

3530 WILSHIRE BOULEVARD, SUITE 1600

LOS ANGELES, CALIFORNIA 90010

(213) 384 - 4900

مصاحبه با الی ویزل

ترجمه : نینا مرادی



Harvey Meyerhoff, President Clinton and Elie Wiesel before lighting museum's eternal flame.

مقدمه مترجم :

الی ویزل معروفترین سخنگوی یهودی بازمانده از اردوگاه های آدمکشی هیتلر است که امروزه بعنوان شخصیتی بین المللی شناخته میشود و با مقالات وکتاب های متعدد ، پیام رنج شش میلیون قربانی یهودی را به گوش جهانیان رسانده است .

فراراز تصویر خویش

ویزل نه تنها غمگین و بدبین بنظر نمیرسد بلکه بسیار دلپذیر وشوخ طبع نیز هست .

الی ویزل بیش از هر شخصیت معروف جهانی ، زندانی تصویر خویش است . چهره او در اذهان مردم ، بیش از هرچیز دیگر یادآور اردوگاه های آدمکشی هیتلر (آشویتز وبوخن والد) و کشتار یهودیان است . او باصورت رنگ پریده و صدای متواضع و پیام مداوم خود ، همواره وجدان جهانیان را بیدار نگهداشته و دنیای غرب را واداشت تا وحشت و تلفاتی را که یهودیان متحمل شده بودند ، شناخته و هرگز هم فراموش نکنند .

ویزل بخاطر مشاهده وبیان خاطراتش از هالاکاست (کشتار جمعی یهودیان درجنگ جهانی دوم توسط هیتلر) ، بدریافت جوایزی از قبیل **جایزه صلح نوبل** درسال ۱۹۸۶ ، **مدال آزادی پرزیدنت** ، وهمچنین عضویت در **لژیون دونور فرانسه** نائل شده است .

او همچنین جوایز بسیاری از طرف جامعه یهودیان آمریکایی دریافت کرده است . زیرا این جامعه ویزل را بخاطر شناسایی و معرفی پیام انسانی قوم یهود به جهانیان ، همیشه تحسین کرده است .

نام الی ویزل درسال ۱۹۸۵ بعلت مخالفت با تصمیم پرزیدنت ریگان در مورد دیدار ازگورستان سربازان آلمانی (SS) بهمراه صدراعظم کهل بیش از همیشه در جهان سرزبان ها افتاد . اوکه بعنوان یک مدافع حقوق بشر درجهان شناخته شده ، بعلت عدم تکذیب اقدامات شدید اسرائیل جهت کنترل قیام فلسطین (انتفادا) انتقاد شده است . باتمام اینها او همچنان بعنوان چهره‌ای غمگین که بار غم فراوانی را باخود میکشد در اذهان باقیمانده . چهره‌ای که حاکی ازرنج و درد بی نهایتی است که حتی شناخت و همدردی تمامی جهانیان هم قادر به سبک کردن آن نیست و البته این چهره تصویر گویا و ندای رسایی است از شش میلیون نفر یهودی بیگناه قربانی شده .

این چهره غمگین تنها معرف قسمتی از شخصیت ویزل است . درحالیکه در گفتگو و نشست شخصی ، شما ویزل را نه افسرده و نه تاریک دل می بینید بلکه شوخ طبعی خاص او و چهره مطبوع همیشگی‌اش اثر بسیار مطبوعی نیز در بیننده بجای میگذارد .

این خصوصیت طبع لطیف او گهگاه در گفتارهای جمعی هم مشاهده شده است ازجمله اخیراً هنگامی که در جمعی بوضع خودش اشاره میکرد که بعد از رهایی از اردوگاه های هیتلر بعنوان یک روزنامه نگار گرسنه وبی وطن بازندگی دست وپنجه نرم میکرده ، بازهم شوخ طبعی‌اش را حفظ کرده بود .

پس ازمطالعه خاطرات و بیانات ویزل متوجه میشویم که اگرچه او اهمیت نقش خود را بعنوان سخنران یهودیان ظلم دیده ، بسیار جدی تلقی میکند ، معهذا تمامی احترام و افتخاری که به این سبب

کسب کرده بهیچ وجه سبب تکبر و غرور دراو نشده است . چرا که او همیشه صادقانه خود را بعنوان یک فرد یهودی ساده تلقی میکند . یهودی که علی رغم تمام خاطرات بسیار وحشتناک هالاکاست ، بازهم توانست از طریق نویسندگی و تدریس در دانشگاه بوستون ، به آرزوی همیشگی خود که تدریس بوده ، دست یابد .

تراژدی بازنیا (BOSNIA)

ویزل که در پاییز گذشته شخصاً ازبازنیا دیدن کرد ، درمورد اوضاع آن منطقه و خشونت بی حدی‌که درآن برقرار است ، مجداً تاکید کرد که این شباهت زیادی با حوادث تاریخ گذشته دارد زیرا که ریشه اصلی اختلافات بازهم همان تفاوت نژادی است .

ویزل میگوید «**نفرتی که دربین دسته های مختلف یوگسلاوی می بینم ، نفرتی است که بعد ازجنگ جهانی دوم درسال ۱۹۴۵ ، هرگز مثالش را ندیده بودم . جنگ های مدرن امروزه اکثراً جنگ های بی چهره است . بدین معنی که یک سرباز یک دکمه را میفشارد و درنتیجه آن صدها و هزارها نفر از مردم می میرند . این سرباز نه آن مردم را می شناخته و نه خانواده‌هایشان را . درحالیکه در یوگسلاوی آدمهایی که همدیگر را می شناسند همدیگر را بقتل میرسانند . این در واقع مثل برادرکشی است .** »

ویزل تعریف میکند که چطور احترامی که اوبرای روز شبات قائل است اورا از یک‌دام سیاستمدارانه که رهبران صرب ها درموقع دیداراو از بلگراد طرح ریزی کرده بودند ، نجات داد . باین ترتیب که آنها جهت خنثی‌کردن پیام ویزل ، باصطلاح بخاطر او ترتیب یک ضیافت تشریفاتی را دادند . ویزل میگوید باین ترتیب از شرکت در آن ضیافت شانه خالی‌کرد و به آنها گفت که او بعنوان یک مرد یهودی آن شب باید به کنیسا برود (تنها کنیسای بلگراد) و بعد ازسرویس‌کنیسا هم بجای شام تشریفاتی رهبران آن کشور ، با ربای آن کنیسا شام شبات ساده‌ای خوردند .

درمورد وضع بحران یوگسلاوی ، ویزل پیشنهاد کرد‌که کنفرانس سرانی در سارایه وو برقرار شود که ضمن آن رهبران بین المللی سرکردگان سه قسمت بازنیا ، صرب و کروشارا با فشار وادار به مذاکره وبرقراری صلح بکنند . ویزل مأیوسانه اضافه میکند که نمیداند درصورت ادامه کشتار چه باید کرد . او یادآور میشود که در سنت یهودی قویاً تاکید شده که «**اگر تو شاهد قتل انسانی هستی نباید بی تفاوت باقی بمانی**» .

اگرچه ویزل معتقد است که از فجایع صرب ها باید بنحوی جلوگیری شود هنوزاطمینان ندارد که دخالت نظامی آمریکا بتواند راه حل صحیحی برای این بحران باشد .

ویزل وقایع فعلی یوگسلاوی سابق وسایر نقاط نا آرام جهان را ، غیرقابل توصیف میخواند . اوچنین میگوید :

«**مایهودی ها تشنه قدرت نیستیم بعکس از قدرت هراس داریم . تنها قدرتی‌که ماطالبش هستیم قدرت اخلاقی است و یا حتی بهتر ازآن ما تشنه قدرت فکری هستیم . ما دنبال دانش ویادگیری هستیم . ولی مگر میشود این را به جوزف تیتو (دیکتاتور سابق یوگسلاوی) یا به میلوسویک (پرزیدنت یا رهبر صرب ها) گفت‌که قدرت اصلی تنها در علم ودانش است** »

اشک های موریاک

بعدازفاجعه هالاکاست ، الی ویزل سالها درباره افشای جریانات هالاکاست سکوت کرده بود . اوباخود قرار گذاشته بود تا زمانیکه در روح خود احساس پاکی کامل ووفاداری نسبت به‌روح قربانیان هیتلر نکند ، به سکوت خود ادامه خواهد داد . درسال ۱۹۵۴ ویزل‌که خبرنگار روزنامه اسرائیلی (یدیعوت اهرونوت) بود ، درحالیکه تلاش میکرد از نخست وزیر یهودی جدید فرانسه ، مندس فرانس مصاحبه بگیرد ، به هنگام دویدن به یک دیوار آجری برخوردکرد وموفق به برقراری مصاحبه نشد . بعدازآن‌واقعه ویزل با فرانسوا موریاک نویسنده کاتولیک وروشنفکر وقت که برای مندس فرانس حالت پیشوای فکری را داشت ، به گفتگو پرداخت . درضیافتی در سفارت اسرائیل ، موریاک به ویزل گفت که مندس فرانس اورا به یاد عیسی مسیح می‌اندازد زیراکه هردو بخاطر مذهب و عقایدشان زجر داده شده‌اند . دراینجا بودکه ویزل ازصندلی‌اش برخاست و خیلی‌جدی به اوچنین پاسخ داد :

«**آقای موریاک، من صدها بچه خردسال یهودی را میشناسم‌که بمراتب بیشتر از مسیح به صلیب کشیده شده ،**

زجرکشیدند و ما راجع به آنها صحبت نمیکنیم .» موریاک روحش تکان خورد ودرحالیکه اشک میریخت به ویزل گفت «شاید تصمیم‌شما درمورد نوشتن خاطراتتان اشتباه باشد ، شاید بهتر باشد راجع به وقایع فجیع هالاکاست بنویسید . ویزل که ازاین برخوردومبادله بسیار تحت تاثیر قرار گرفته بود ، تصمیم‌به نوشتن کتاب NIGHT(شب) گرفت . بعداز اتمام این کتاب موریاک نسخه این کتاب راکه به‌زبان ییدیش (زبان یهودی اروپایی) بود به ناشرهای بیشماری معرفی‌کرد تا عاقبت یکی ازآنها با انتشار آن موافقت نمود .

گم‌گشتگی و تابعیت

ویزل مطالب جالب فراوانی درموردزندگی‌اش بعد از رهایی از اردوگاه های بوخن والد نوشت . او میگوید درسال ۱۹۴۵ بعدازآزادی‌اش توسط ارتش آمریکا ، سعی‌کرد به فلسطین برود ولی متاسفانه درخواست ویزای او و سایرین که همین قصد را داشتند توسط سفارت انگلیس رد شد . اوو تعدادی دیگر به فرانسه رفتند و درآنجا بعنوان **«بی وطن»** ثبت شدند . جریان ازاین قرار بودکه موقع ورود به مملکت فرانسه ، بخاطر عدم‌آشنایی به زبان فرانسوی ، وقتی که مامورین‌فرانسوی از حاضرین‌خواستند که هرکس که طالب تابعیت فرانسه است ، دستش را بلند کند ، او متاسفانه متوجه این سئوال نشد و دستش را بلند نکرد و در نتیجه بعنوان **«بی وطن»** ثبت شد .

ویزل میگوید حدود یکسال بعد نامه‌ای به روزنامه ییدیش (YIDDISH) درپاریس نوشت و علاقه خود را برای الحاق به **هگانا** (ارتش زیرزمینی اسرائیل قبل از استقلال) ابراز داشت و ازآنها دراین مورد کمک خواست .

درجواب سردبیر روزنامه از او دعوت کرد که برای روزنامه آنها مقاله بنویسد .

ویزل میگوید هنگامیکه اسرائیل درسال ۱۹۴۸ به استقلال رسید ، «من میتوانستم برروم‌ولی نرفتم . همیشه از خودم می پرسم چرا من در اسرائیل زندگی نمیکنم ؟» . بالاخره ویزل بعنوان یک خبرنگار فرانسوی به اسرائیل رفت ولی بعنوان خبرنگار روزنامه یدیعوت به فرانسه بازگشت و بدنبال‌آن ، نماینده روزنامه درنیویورک گردید . درآن زمان که ویزل در سازمان ملل متحد مستقر بود ، درآمد ماهیانه‌ای فقط بمبلغ ۱۶۰ دلار داشت . این درآمد بسیار ناچیز اورا گهگاه به کارهایی ازجمله دزدی صابون از توالت های مردانه وامیداشت . بعدازآنهم بخاطر تصادفی که یک تاکسی اورا زیر گرفت یکسال در بیمارستان بستری شد . بعداز مرخصی از بیمارستان ویزل دریافت که تابعیت فرانسوی‌اش اعتبارش را از دست داده ، درگیرودار این مشکل ناراحت کننده قانونی بود که اداره اقامت آمریکا ، تابعیت آمریکایی را به او پیشنهاد کرد و او هم با تشکر فراوان آن را پذیرفته و هرگزبعد ازآن بفکر تغییر تابعیت نیفتاد .حتی‌زمانیکه دوست دیرینه‌اش **فرانسوامیتران** تابعیت فرانسه را به او پیشنهاد کرد ، ویزل درجواب ، مودبانه ضمن تشکر از میتران باو فهماندکه «زمانیکه به آن احتیاج داشتم نتوانستم آنرا داشته باشم» .

درمورد مصاحبه‌اش با مجله سکسی **پلی بوی** ویزل با خنده چنین میگوید «**من حتی نمیتوانم تصور این را بکنم‌که دریک‌مجله سکسی درکنار عکس یک زن زیبادرمورد یک ربای صحبت کنم** !ولی درضمن اعتراف میکند که یکمرتبه مصاحبه یک مجله سکسی دیگر را پذیرفته . چراکه هرگز اسم آن مجله بگوشش نخورده بود . تنها بعد از دریافت مجله بود ، که بشدت متعجب میشود . باخنده چنین ادامه میدهد که «بعدازدریافت مجله مشکل‌من شروع شد که حالا چطور آن را سربه نیست کنم که کسی متوجه نشود . اگر در سطل آشغال بگذارم همسایه ها چه خواهند گفت کاری که‌بالاخره‌باآن مجله کردم‌این بودکه آنرالای کاغذهای دیگرپیچیدم ودریک سفرهوایی،آنراعمدآدرهواپیماجاگذاشتم» .

انتقاد آرام

درمورد قضیه مهاجرین غیر قانونی ، ویزل طرفدار احترام و پذیرش مهاجرین خارجی میباشد . زیراکه **یک اجتماع برحسب رفتارش با افراد ضعیف است‌که ازدید سایرین قضاوت خواهد شد .**

الی ویزل میگوید «**مایهودی هاباید با روی‌گشاده افرادی را که ازطریق ازدواج به یهودیت می پیوندند ، پذیرا باشیم**» .و ادامه میدهد «**ایکاش میتوانستم برای یک هفته با هر دختر وپسر یهودی بنشینم وزیبایی ، غنا و عمق الهامات و قوانین یهودیت را باآنها نشان دهدم وقانعشان‌کنم‌که فرد یهودی‌که**

بقیه در صفحه 80

نقل از : کنگره جهانی یهود
برگردان : ژانت کدخدا

نقش یهودیان در تحولات جهان



آمریکای شمالی

فرم یابی جوانان

بنابر مطالعات جدید آشنایی به تعلیمات یهودی در دوران کودکی باعث زندگی پر فعالیت ، حس خودشناسی و پیشقدم شدن در کارهای خیریه در دوران بلوغ میشود .
بنابر آمار منتشرشده رابطه مستقیمی بین تعلیمات جدی درباره یهودیت و حس بشر دوستی و عضویت در کنیسا و گروه ها و تشکیلات یهودیت و اجرای مراسم دینی و عبادت میباشد .

اتهام

اداره «رعایت ضد تحریم» آمریکا شش شرکت آمریکایی را متهم به همراهی باکشورهای عربی درمورد تحریم تجارت با اسرائیل کرده است . ازبین شرکتهایی که جریمه پرداخته‌اند میتوان WELLS FARGO NATIONAL BANK و یک شرکت نیویورکی که صادرات فولاد ، چوب و محصولات کشاورزی میکند.

اروپا

بازگشت

کارهای هنری نقاش و هنرمند فقید آلمانی موسوم به LUDWIG MEIDNEI ازطرف پسرش که دراسرائیل زندگی میکند به موزه شهر DARMSTADT درآلمان اهداء شد تا غرفه‌ای

دائمی درموزه‌آن شهر تاسیس شود . LUDWIG MEIDNEI درسال ۱۹۳۹ از آلمان که در سلطه نازیها بود فرار کرد وسالهای جنگ را درلندن به شغل نگهبانی مشغول بود .

● قهرمان مجارستانی

نشان یادبودی به TIVADAR HOMONNY که شهردار بوداپست در سالهای ۴۴ - ۱۹۴۲ بود داده شد . وی درزمان جنگ به تمام کودکان یهودی و خانواده‌شان که به او برای کمک و برای فرار از رژیم هیتلری روی آوردند پناهندگی میداد و ازآنها حفاظت میکرد . تمام‌کودکان وخانواده‌شان در مدت جنگ در منزل شخصی اومخفی بودند .

● اهانت به‌گورستان

دریک گورستان یهودی در استکهلم واقع درکشور سوئد ۱۲۱ مقبره را خراب و غارت کرده‌اند . جامعه یهودیان آن شهر بیانیه‌ای منتشر کرده مبنی بر رشد و گسترش فعالیتهای ضد یهودی درآن کشور .

● فریاد اعتراض

رهبران یهودیان در روسیه سعی فراوان دارند که توجه رئیس جمهور این کشور BORIS YELTSIN را به جنبش های ضد یهودی ANTI SEMITISM معطوف کنند .

درتظاهرات DAY BAY برخی از مردم که وابسته به هردو گروه کمونیست و ناسیونالیست بودند یهودیان را علناً عامل جدی اوضاع فعلی روسیه دانستند .

● یهودیان آذری

بخاطر اوضاع نابسامان سیاسی و مذهبی آذربایجان شوروی ۴۶ ٪ درصد یهودیان آن ناحیه به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند و حدوداً هرماه ۵۰۰ نفر به این کار ادامه میدهند .

یهودیان آذربایجان شوروی از قرن ۱۲ بعد از مهاجرت ازایران درآن سرزمین اقامت داشته‌اند .

● اکتشاف جدید

باستان شناسان روسی ادعا میکنند که پایتخت خزرها امپراطوری محو شده در دوران قرون وسطی را پیدا کرده‌اند .این امپراطوری ازقرن پنجم تا دهم در قفقاز وکریمه بخش بزرگی از جنوب روسیه سلطه داشته است .درقرن هشتم این امپراطوری از مسیحیت به یهودیت تغییر مذهب داد . کتاب «THE BOOK OF THE KUZARI» که یکی از آثار مهم ربای ، شاعر و فیلسوف معروف RABBI YEHUDSH HALEVI درقرن ۱۲ با الهام از این تغییرات به رشته تحریر درآمده .

● واردات نفرت

بنابرگفته اکهارت ورته باچ ECKHART WERTHEBOCH سرپرست اداره حفاظت قانون اساسی آلمان ماموران مخفی آن کشور با رخنه کردن به گروه های نئونازی باعث جلوگیری از حملات بعضی از افراطیون به خارجی های مقیم‌آلمان گشته اند . وی سپس اضافه میکند که بزرگترین تهیه کننده ، حامی و مبلغ فعالیتهای فاشیستی درآلمان شخصی آمریکایی از اهالی نبراسکا به نام «گاری لاک» GARY LAUCK میباشد . طبق قانون اساسی امریکا حق‌چاپ و ارسال مقالات انزجار و نفرت از خارجیان آزاد است .

◻ اسرائیل

● خط دعا

اکنون تمام مسیحیان دنیا میتوانند برای دعا و نیایش با خط تلفنی با سرزمین مقدس تماس برقرار کنند . این رابطه تلفنی با همکاری شرکت PROYER LINE تلفن اسرائیل و نشریه «مسیحیان اورشلیم» ایجاد شده . داوطلبان مسیحی کارمندان این خط تلفنی هستند .

● حفاظت از محیط زیست

برای حفاظت از خلیج ایلات و مناظر زیبا و جزایر مرجانی آن ، سه‌کشور اسرائیل ، اردن ومصر دست به دست داده‌اند تا آبهای این خلیج را ازآسیب های آلودگی محیط زیست حفظ کنند . درهشت سال اخیر نسل چندین نوع ماهی ازآبهای ایلات ازبین رفته وحدود یک سوم از مرجانها از خلیج براثر نشت مواد شیمیایی قایقها و ریختن فاضلاب و زباله دراین خلیج از بین رفته است.

● نمایشگاه کتاب

در شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب در اورشلیم امسال بیش از ۱۰۰۰۰۰ کتاب از ۴۰ کشور دنیا در معرض تماشا و فروش گذاشته شده بود . امسال برای اولین بار کشورهای چین ، هندوستان و تایلند دراین نمایشگاه شرکت کردند .

● نیاز قدیمی

در بیابان NEGEV در اسرائیل پارچه های نخی پیداشده که

قدیمی ترین از نوع خود میباشد و بعنوان کاغذ توالت استفاده میشده . این پارچه ها در توده زباله دهکده‌ای متعلق به قرن هفتم و هشتم در اسرائیل پیدا شده است.

● مطالعات

در دانشگاه عبری اورشلیم طرحی برای تاسیس بخش مطالعات و تحقیقات اروپا تهیه شده که در پاییز سال ۱۹۹۳ آماده اجراء میباشد . سرپرست این کمیته بین المللی یک‌کشیش فرانسوی و بعضی از اعضاء این کمیته عبارتند از هلموت اشمیت صدراعظم سابق‌آلمان و والتر ماندل معاون رئیس جمهور در دوران گذشته ، پرنس کلاس شاهزاده هلند و رئیس مجلس سنای ایتالیا جیوانی اسپاندولینی .

● آرزو

درموزه‌شهر اورشلیم غرفه‌ای بنام «آرزوهای برآورده نشده» احداث شده . این غرفه شامل ظرف زباله بزرگی میباشد که شامل پروژه ها و نقشه‌های معماری شهر اورشلیم درصد سال اخیر میباشد که به تصویب نرسیده . دربین نقشه های تصویب نشده طرح پیشنهادی کاخی برای پاپ موسوم به پادشاه اورشلیم ، نقشه یک‌کلیسا و ازطرف مسلمانان اورشلیم طرح احداث دانشگاه بعنوان بنای یادبود ریشه کن کردن یهودیان از اسرائیل به چشم میخورد .

● کنترل کیفیت

فقط حدود ۵۰ ٪ از دانشجویان رشته پزشکی که درخارج از اسرائیل فارغ التحصیل میشوند ، در امتحان دریافت جوایز پزشکی اسرائیل قبول میشوند . امسال از بین گروهی که دراین امتحان شرکت کردند ۶۰ ٪ مهاجرین کشورهای غربی و فقط ۲۴ ٪ دانشجویان اروپای شرقی هستند .

● فکر بکر

یک شرکت اسرائیلی موسوم به INTERPLEX SOLAR ، علامتها و تابلوهای جدیدی برای شاهراه ها ساخته که قابلیت رؤیتشان در شب دو برابر میباشد . کشور امریکا و بعضی ازکشورهای اروپایی از هم اکنون سفارش خود رابه اسرائیل داده‌اند

● رشد سریع

زارعین اسرائیلی در NEGEV باکمک گرفتن ازحرارت دادن آب باکامپیوترهای مخصوص رشد وپرورش ماهی را به نصف تقلیل داده‌اند . ماهی های آب شیرین معمولا درمدت ۱۰ ماه درناحیه کشاورزی اسرائیل موسوم به NITZONEI SINAI نزدیک به مرز اسرائیل رشد میکنند .

● اصلاح جنگنده های میگ

یک شرکت الکترونیکی اسرائیلی موسوم به ELBIT قرارداد ۳۰۰ میلیون دلاری با دولت رومانی برای بهبود و اصلاح ۱۰۰ عدد جت جنگی متعلق به کشور رومانی که در روسیه ساخته شده به امضاء رسانده . برای بهتر کردن این جت ها از وسایل الکترونیکی جدید بامتد ، رادار ، سیتمهای جدید هدایت هواپیما ، کامپیوترهای جدید و وسایل اطفاء حریق کمک گرفته شده .

● تکنولوژی کشاورزی

نمایشگاه کشاورزی و تکنولوژی کشاورزی که هرسه سال یکبار در اسرائیل برگزار میشود امسال در تل‌آویو برگزار شد و بالاترین گروه بازدیدکنندگان را داشت . از جمله نمایندگانی از عربستان سعودی و مراکش .

دربین غرفه‌ها ، هندوانه های جدید بی هسته ، گوجه فرنگی که بیش از یکماه تازگی و طعم خود را حفظ میکند و ماشین جدیدی که شیر ۲۰۰ راس گاو را در یکساعت میدوشد بچشم میخورد .

● تکنیک جدید

تحقیقات جدید در بیمارستان هاداسا در اسرائیل نشان داده که عکسبرداری از جسد با سیستم کت اسکن CAT SCAN که با وسایل مجهز کامپیوتری انجام میشود تا فاصله شش ساعت بعداز مرگ حدوداً ۷۵ ٪ اطلاعاتی راکه در کالبد شکافی دریافت میشود میدهد .

این اخبار برای یهودیان ارتدکس که کالبد شکافی مخالف اصول مذهبیشان میباشد میتواند قابل اهمیت باشد .

● کارت شناسائی

یک شرکت اسرائیلی بنام RITKEAT درحال معامله کردن با سازمان CIA برای تهیه کارت شناسائی میباشد که دارای کد مخصوص پلاستیکی میباشد که با جوهر نامرئی رویش نوشته شده و فقط با کامپیوترهای مخصوص قابل رویت است . این کارتها قابل جعل نیز نمیباشد.

هدف از سازمان CIA برای داشتن این کارتها ، برای گردهمایی های بزرگ باحضور شخصیت های برجسته مانند رئیس جمهور میباشد تا

بقیه در صفحه 87

کیترینگ گلت کاشر جک بروخیم

Royal Catering (Glatt Kosher)

By Jack Berookhim

زیرنظر مستقیم آر.سی‌سی (R.C.C.)

مدیریت، خوشنامی و تجربه طولانی
و درخشان مهندس جك بروخیم در امور هتلداری
وکیترینگ، رمز موفقیت چشمگیر مااست.

انواع اردور ـ شام و دسر در منازل ۲۲ دلار

در منازل اوپن باربکیو OPEN BBQ ۱۵ دلار

(۳۱۰)۴۵۸ـ۹۹۹۳

(310) 458 - 9993

جشن های بزرگ و کوچک شما راشاهانه برگزار می کنیم

کیترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص (ولی)
و بسیاری از هتل های درجه اول لوس آنجلس

نرخ مخصوص در ایام هفته در مجتمع فرهنگی ارتص از ۱۹ دلار به بالا

برای برگزاری مراسم عروسی، برمیتصوا، بت میتصوا، شاور، سمینار، کنفرانس، نمایشگاه و غیره در مجتمع فرهنگی «ارتص» با ما تماس بگیرید.

نوشته : پریوش

درد دل ننه جواد..........

زهره دوست و همکلاس من ، با نوک خودکار روی دسته صندلی چوبی که برآن نشسته بود نقش وطرحی می انداخت و سعی میکرد ازآن سال تحصیلی درحال اتمام یادگاری بجای بگذارد .

غبار گچ سفید درفضا ، من را به عطسه کردن مبتلا کرده بود ، و میناکه همیشه لغت FUTURE به معنی آینده در زبان انگلیسی را و به هنگام نوشتن دیکته اشتباه می نوشت ، تمام تخته سیاه را با تمرین نوشتن این لغت پر کرده بود ، شاید که دیگر با اشتباه باعث نشود نمره بیست او دردیکته گاه به نمره نوزده تنزل پیداکند .

دو سه دقیقه می شد که زنگ کلاس زده شده بود ولی هنوزاز ورود آقای مساوات دبیر ادبیات خبری نبود .

سروصدا و همهمه بچه ها خانم‌مدیر را طبق معمول به طرف کلاس کشانیده‌بود و با پیدا شدن او از پیچ راهرو ، تعداد زیادی از آنها که بیرون کلاس به صحبت مشغول بودند باهم و به ناگهان به درون کلاس هجوم آوردند وسریع ، هرکدام به جای خود نشستند . بعد ازچند دقیقه خانم مدیر وارد کلاس شد و با غضب بدون آنکه کلمه‌ای اداکند نگاهش را روی سر وصورت بچه ها چرخاند . همه سرها به زیر بود ، حتی آنهائیکه ازقبل به جای خود نشسته بودند وسروصدایی هم نداشتند . دراین میان زهره ماهرانه سعی به پوشاندن دسته صندلی خود داشت و یادگاری باخودکار کشیده شده .....

خدا میداند که چه مدت این نگاه و سکوت محض ادامه داشت ، تا با ورود آقای مساوات ، سرها به آرامی بلند شد و خانم مدیر از کلاس بیرون رفت درحالیکه صدای حاصل از تماس پاشنه های بلند کفش او برکف راهرو ، همینطور ازدور بگوش و عطر خوش معروفی که استفاده میکرد به مشام میرسید .

آقای مساوات اززیر عینک ذره بینی خودنگاهی به تخته سیاه پر نشده ازکلمه FUTURE انداخت وگفت :

هرکس اینهارانوشته ، خودش هم‌آن را پاک کند ، درس انشاء داریم نه یادگیری زبان اجنبی ها .....

زهره با صورت سرخ شده از شرم به آرامی بلند شد ، بطرف تخته سیاه رفت و شروع به پاک‌کردن آن کرد . دوباره غبار گچ‌بود که بطرف ما می آمد .

آقای مساوات دستی به سبیلهای خاکستری رنگ خودکشید و درحالیکه با خودکار به آرامی بر میزضربه میزد روی به زهره کرد و گفت :

بعدازاین برای تمرین ازکاغذ دفتر خودت استفاده بکن نه تخته سیاه ، آنهم در زنگ انشاء .....

صورت‌زهره از قبل قرمزترشد ، انگار که تمام خونهای بدن او بطرف سرش هجوم‌آورده باشند .

آن‌وقتها و در مدرسه هیچ معلمی از اهمیت یادگیری کلاس و درس معلم دیگری تعریف نمیکرد بلکه فقط رشته تخصصی خودش را مهم میدانست . برای معلم انشاء یادگیری زبان انگلیسی مفهومی نداشت وبرای معلم ریاضیات مروری برتاریخ و جغرافیا مسخره بود . گاه که از پشت شیشه پنجره اطاق خانم مدیر ، معلم هارا می دیدم که باهم صحبت میکردند فکر میکردم ، شاید بحث و گفتگو و اختلافی دارند برسر اینکه کدام رشته ودرسی مهم تراست ؟!! و کدام یک حق بیشتری برگردن بچه ها دارند !

آقای مساوات دفتر حضورو غیاب را بازکرد و بی حوصله گفت :

هرکس غیبت شاگرد بغل دستی خود را اعلام کند و بعد ادامه داد :

امروز اول موضوع انشاء هفته آینده را اعلام میکنم و بعد چند نفر از شما انشاء جلسه قبل را میخوانید . خوب ، از دو موضوع میتوانید یکی را انتخاب کنید و درمورد آن بنویسید :

موضوع اول بهار ودوم علم بهتراست یا ثروت ؟

بچه ها به عادت همیشگی با شنیدن موضوع های تعیین شده ناله‌ای شبیه به (وای) سردادند و آقای مساوات که ازبدو ورود به کلاس حال و احوال درست وحسابی نداشت و گویی بدنبال بهانه‌ای برای پرخاش بود ، با دو مشت گره کرده محکم به میز کوبید و فریادکشید «خفه» چطور برای یادگیری یک لغت مسخره زبان غریبه ها دو

ساعت تمام تخته را پر می کنید ولی برای درس انشاء همیشه آه وناله سر میدهید ؟

موضوع ازاین ساده تر ..... و ادامه داد : اصلاکسی حق ندارد درمورد این دو موضوع چیزی بنویسد ، موضوع انشاء هفته آینده (درد دل ننه جواد) است ....و نمره آن برای امتحان ثلث سوم منظور می شود .. آنگاه با عصبانیت درحالیکه از شدت فریاد به سرفه کردن افتاده بود ، دفتر حضور و غیاب را به زمین پرتاب کرد و ضمن بیرون ریختن ازکلاس در را چنان با شدت بهم کوبید که بقیه پنجره های کلاس به لرزه درآمدند .

همهمه بچه ها از چهارگوشه کلاس بگوش میرسید ، و از ردیف آخر ، ناهید مبصر کلاس بجلو آمد و درحالیکه غرور مبصر بودن به چشمهایش حالت خاصی داده بود ، باخط کش چند ضربه به یکی از صندلی هازد و گفت :

ساکت ، شلوغ نکنید ، اگرخانم مدیر بفهمد که معلم نداریم ، سروکله‌اش پیدا می شود ، آرام باشید تا منیره برایمان بخواند !!!

منیره ، صدای دلپذیری داشت و گاه ازاو خواسته می شد تا در ده دقیقه مانده به زنگ تفریح و هروقت که معلم نبود و مجبور به ماندن در کلاس بودیم ، ترانه‌ای بخواند . ومن بفکر موضوع انشاء بودم .

(ننه جواد) لقب زن بابا مهدی ، فراش مدرسه بود که مادر هشت بچه بود ، و نام اولین فرزند او جواد بود . همیشه دل من بحال او می سوخت که با اندام بسیار نحیف و لاغر یا حامله بود و یا تازه زایمان کرده ! و همیشه چادر گلداری به سر داشت که دو انتهای پایین آن را به هم گره زده و مشغول به کار بود .

*****

خانه ما دیوار به دیوار مدرسه بود و دریک بعدازظهر تعطیل ماه اردیبهشت به سراغ ننه جواد رفتم . تنها اطاق محقر او بسیار تمیز ومرتب بنظر میرسید و روی چراغ نفتی کوچکی در کنار اطاق یک‌قابلمه محتوی غذا درحال پختن بود که بوی پیاز و سیب زمینی ازداخل آن به مشام میرسید .

مهدی شوهر او درگوشه اطاق به بالشی تکیه بر دیوار پشت زده‌بود منقل پراز آتشی کنار اوبود و خمار به نظر میرسید . با دیدن من دست پاچه شد و هرآنچه در دستش بود و مرتب به دماغ و لب می برد را جمع کرد ، نگاه تندی به ننه جواد انداخت و با اکراه و گامهای نا متعادل به پشت پرده رفت . به پشت یک پرده زرد رنگ و آویزان که بوسیله یک طناب و دو میخ کوبیده شده بر دیوار ، اطاق را به دو قسمت تقسیم کرده بود .

گچ های چهار دیوار اطاق اغلب ریخته شده بود ومی شدبفهمی که ناشیانه با چسبانیدن عکس این هنرپیشه وآن خواننده معروف آن‌زمان سعی بر مخفی کردن این مسأله شده بود .

چرخ خیاطی کهنه‌ای چشم را برای یک‌لحظه بخود می گرفت و تعدادی پتو ، ملحفه و لحاف که گرچه بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته بودند و **رفت روزها رابصورت** پاره شدن تحمل کرده‌بودند ، اما با نهایت دقت تاخورده وروی هم قرار گرفته بودند .

ودر حاشیه طاقچه مانندی دو گلدان پراز گل مصنوعی ارزان قیمت نقش و نگاری ایجاد کرده بود .

خلاصه با سعی فراوان تمام وسایل زندگی ده نفر آدم در یک اطاق جا داده شده بود ، اگر می شد که به آنها (وسایل) گفت و از برای (زندگی) .

ننه جواد بمن چای تعارف کرد و درحالیکه استکان و قندان از تمیزی برق میزد ، آن را رد کردم ، بمن آموخته بودند که همیشه فقر باکثافت توأم است و یک‌آدم فقیر و وسایل او همیشه آلوده و خطرناک هستند !!؟

بچه ها هرکدام درگوشه‌ای من را نگاه میکردند و به سختی می شد بفهمی که کدام کوچک وکدام بزرگتر بودند . یکی ازآنها با تب شدید روی ملحفه سفید رنگی خوابیده بود و به سختی پلک هارا نگه میداشت .

ننه جواد وقتی نگاه من را متوجه او دید ، گفت : سه روز است به او خاکشیر میدهم وچیزهای خنک ، نمیدانم چرا تب او قطع نمی شود !

گفتم : دکتر هم اورا دیده است ؟

گفت : ای خانم ، خدا طبیب آدمی است اوبرای ما بد نخواهد .....

از اینکه بدیدن اوآمده‌بودم و میخواستم با او حرف بزنم در تعجب بود .

میگفت : من یک عمر عادت کرده‌ام که حرف و دستور و فرمان ازاین وآن بشنوم ، نه اینکه کسی از من سئوالی بکند یا عقیده‌ام را بخواهد .....درمورد موضوع انشاء با او صحبت کردم ، رنگش پرید وگفت :

بخدا هیچوقت درحق آقای مساوات بی ادبی نکرده‌ام ، نکند من را

به مسخره گرفته ، شمارا بخدا فکر می کنید منظور او چیست ؟من چه کاری کرده‌ام اورا دلداری دادم و گفتم : مطمئن باش ، دراین میان موضوع مسخره کردن تو نبوده ، بلکه قضیه سر اذیت کردن بچه ها است ، که حوصله نوشتن انشاء را ندارند ، این موضوع خاص را دیگر نمی شود از این کتاب وآن مجله درآورد و کپی کرد . من هم به سراغ توآمدم که کمی با هم حرف بزنیم ببینم اصلا درد دل تو دردی هست که قابل نوشتن باشد ؟

سر را چرخاند و گفت :باید در قابلمه غذا آب بریزم ، می ترسم بسوزد . شاید ازجواب دادن طفره میرفت ، شاید می ترسید که درد دلش بر روی کاغذ نوشته شود ، شاید (درد دل) داشتن را حق خود نمی دانست . بهرحال ازجای بلند شد ، دوسه لیوان آب بداخل قابلمه ریخت و بعد نگاهی به پشت پرده انداخت ، درحرکات او آرامش وجود نداشت و مانند پرنده محبوس در قفس مرتب از این طرف به‌آن طرف میرفت . درعین فقر چادر او بوی گل نسترن را میداد و دست وپایش بوی حنا و تازه متوجه شده بودم که سرمه چشمهای اورا صد چندان زیباتر کرده‌بود . براستی آن چنان سن وسالی هم نداشت .

بالاخره کنار من به زمین نشست وآهسته در گوشم گفت :

این مرد زندگی من را به باد داده ، با این اعتیاد و خرج گران تریاک .....

من بقیه صحبت های او را نمی شنیدم ، درخیال به انشاء نویسی مشغول بودم ، حتماً مثلا ده یا دوازده سالگی ازدواج کرده بود ، با مردی که سن پدرش را داشت ، شاید برای فرار از گرسنه‌بودن و یا با زور و فرمان خانواده . پشت هم بچه زائیده بود و ضمن سازش بایک مرد مسن عبوس تریاکی ، برای خود حقی قایل نبود ..... شاید نگران آینده ، غصه بچه هارا می خورد ، شاید آرزو داشت همه چیزرا عوض کند ، شاید .... این انشاء را می شد به بهترین نحو نوشت و بر روی کاغذ آورد .....

*****

هفته بعد وقتی نوشته (درد دل ننه جواد) را برای بچه ها ، درساعت انشاء خواندم ، ناهید مبصر کلاس و اغلب بچه ها بامن قهر کردند و مدتها بین ما حرفی ردوبدل نشد که چرا عهد را شکسته بودم و بدون انشاء به‌کلاس نرفته بودم .

درعوض آقای مساوات درآن ساعت خاص به من نگاهی انداخت و گفت :

مطمئن هستی اینهارا خودت نوشته ای ؟!

وبرای اولین بار به من نمره هجده داد ، چراکه نمره بیست را ازآن خود می دانست که استاد ادبیات بود !! و دوماه بعد در یک صبح گرم تابستان ، باصدای شیون و گریه مهدی فراش مدرسه و هشت بچه قدونیم قد او متوجه شدیم که ننه جواد از بین رفته بود .

بعدها به تدریج این شایعه هر روز قوت بیشتر می گرفت که مرگ ناگهانی ننه جواد در اثر جذب و بلعیدن قطعه‌ای تریاک بوده‌که نیمه های شب بوسیله شوهرش و برای ازبین بردن درد ، بر روی دندان چرکی او قرار داده شده بوده .

چه بسیار که شما ، یاد کسانی در گذشته خود راگرامی میدارید که نقشی آن چنانی در زندگی شما نداشته‌اند .

من وگنجشک های خونه

من کسانی که ادعای رهبری یهودیان ایرانی تبار جهان دارند را با یهودیان آمریکایی و اروپایی دوران خودشان در سی چهل سال گذشته مقایسه نمی کنم . آنان را با یهودیان اسرائیل که ازشوره زار گلستان ساختند مقایسه نمی کنم . با بهائیان ایرانی مقایسه نمی کنم که چگونه تا پای مرگ برای جامعه خودشان ایستادند . فقط با یهودیان مشهدی مقایسه‌شان می‌کنم که چگونه به ۴ نسل و اکنون به نسل نوجوان خودشان بدون‌آنکه از پیشرفت اقتصادی شخصی عقب بمانند ، همبستگی ، پیشرفت ، میل به صیونیزم ، عشق به مذهب ، علاقه به نگاهداری سنن و خانواده و تلفیق با فرهنگ آمریکایی راآموختند - اگر آنان رهبر بودند اینان کی هستند ؟

من یوسف وار این دوران اجباری قحطی و گرسنگی را با وجودآنان تحمل میکنم . و واقعیت ۷ سال سروری و فراوانی را در وجود سیل تحصیلکردگان و دانشجویان دانشگاههامی بینم که بتدریج و آهسته سربلند و غرور آفرین بسوی‌آینده گام برمیدارند .

شالم

ریپرتر : فریده لاله‌زاری

تابستان امسال چه کتابی راخوانده‌اید؟

کتاب و کتاب خوانی از مشخصات جامعه‌ای مترقی و خواهان پیشرفت میباشد .

جامعه یهودی ایرانی در لس آنجلس بادرخشش چشمگیری چه در رابطه با نوشتار و چاپ مقالات و کتب و چه در زمینه خرید و مطالعه کتاب با جامعه پیش از انقلاب درایران تفاوت خود را نمایان می سازد .

برای کمک به انتخاب کتابهای خوب برای خوانندگان چشم انداز دست به نظرخواهی از افراد مختلفی با زمینه های متفاوت اجتماعی زدیم که دراین گزارش میخوانید .

ژینا برخوردار نهایی ـ نویسنده

داستانهای کوتاه ازایران SHORT STORIES FROM IRAN آخرین کتابی بوده که خوانده‌ام که داستانهای مختلفی است از بهترین نویسنده‌های ایرانی که زندگی نویسنده و شرح حال آنان نیز در مقدمه هر داستان آمده است .

این کتاب بمن هدیه داده شده است .

الهه بروخیم ـ دانشجوی دکترا ـ شاغل

کتاب **درکوچه پس کوچه های غربت** نوشته **هماسرشار** را اخیراً خوانده‌ام . کتاب راجع به زندگی نویسنده و مشاهدات وی از زمان ورود به آمریکا است . از روان نویسی نویسنده خوشم میاید . این کتاب را درجلسه معرفی کتاب خریدم .

مسعود هارونیان ـ رئیس سازمان فرهنگی یهودیان ایرانی

کتاب **دیدگاهها** ـ مصاحبه‌ای است توسط آقای رفیعی با علی میر فطروس ، نویسنده کتاب حلاج و آثار دیگر .

این کتاب در زمینه های مختلف راجع به تحولاتی که درطی تاریخ درایران رخ داده قبل و بعد از انقلاب و تاثیر رژیم فعلی بعد از انقلاب سال ۵۷ در فرهنگ ایران زمین صحبت میکند . من همیشه به کتابخانه های مختلف سرمیزنم . از متن این کتاب خوشم آمد وآن را خریدم .

دکتر میترا مقبوله ـ روانشناس

آخرین کتابی راکه خوانده‌ام THE JEWISH MIND میباشد نوشته RAPHAEL PATAI که درمورد یهودیت و تاثیری که تاریخ و فرهنگ یهود در نبوغ یهودی داشته است .

کتابی است بسیار جامع و خوب که نویسنده با دیدی واقع بینانه و بدون تعصب ازنظر جامعه شناسی ، تاریخ وروانشناسی ، مسایل مربوطه را مطرح کرده است .

این کتاب را برای پژوهشهای خودم انتخاب کردم و میخواستم درباره عقیده نویسنده بدانم

ویدا طبیبیان

۹ سئوال درمورد یهودیت اثر دنیس پرگر ترجمه خانم گیتی سیمانتوب .

دراین کتاب به غنی بودن دین یهود پی بردم .

این کتاب را درجلسه معارفه کتاب خریدم .

ژانت کدخدا ـ شاغل

کتاب اخیری که خواندم THE HEALING MIND اثر BILL D. MOYER ژورنالیست صاحب نام امریکایی است .

نویسنده برای مقاله ها و مصاحبه های بسیار جالبش معروف میباشد . این کتاب آخرین اثر اوست که برای اولین بار در تاریخ غرب ، یک گروه پزشکی به رهبری یک پزشک که از دانشگاه هاروارد فارغ التحصیل شده درمورد نیروهای مافوق طبیعت و اثر آن در فرهنگ و طب کشورهای خاوردور ، تحقیق کرده‌اند و این کتاب شامل مصاحبه های بسیار با پزشکان خاوردور میباشد .

کتاب را درقسمت کتابهای تازه و بنا به آشنایی با آثار دیگر نویسنده انتخاب کردم .

درضمن این کتاب بصورت نوار و ویدیو بسیار جالبی نیز تهیه شده است .

دیوید فاخری ـ شاغل و مترجم

آخرین کتابی که مطالعه کرده‌ام A PLACE AMONG THE NATIONS اثر بنجامین ناتانیاهو ، رئیس حزب لیکود اسرائیل بوده است .

دراین کتاب نویسنده سعی دربراندازی پندار غلط و نا آگاهی اکثریت مردم دنیا درمورد کشور اسرائیل و نقش آن در دنیای امروزی را دارد . ودراین راه تاریخ استقلال نوین و کشور و سران آن را بازنویسی نموده است .

بااین کتاب از مصاحبه LARRY KING با نویسنده کتاب آشنا شدم وآن را خریده و مطالعه کردم . کتاب بسیار خواندنی و جالبی است .

آقای دکتر آونر منظور ـ متخصص زنان

دوکتاب را اخیراً خوانده‌ام کتاب شب

NIGHT اثر **الی ویزل** و **قوانین یهود و علوم پزشکی و تکنولوژی** اثر ربای F. LEVIN

کتاب قوانین دین یهود در رابطه با علم طب و تکنولوژی را بخاطر علاقه‌ام درمورد رابطه دین و علوم انتخاب کردم . این کتاب توسط دوستی بمن داده شد .

خانم مینو کوتال - خانه‌دار و شاغل

کتاب **شب** اثر **الی ویزل** بازمانده آشویتس - استاد دانشگاه بوستون ونویسنده بیش از ۳۶ کتاب .

این کتاب درموردزندگی بازماندگان و اسرای یهودی در دوران آلمان نازی وجنگ جهانی دوم‌و اولین اثر این نویسنده میباشد . نامبرده برنده جایزه صلح نوبل درسال ۱۹۸۶ میباشد . راجع به این کتاب در مکانهای مختلف شنیده بودم . زمانی که الی ویزل در کنیسای ولی بت شالم انسینو سخنرانی داشت و همینطور ازآقای داریوش فاخری . فکر میکنم که هر یهودی بایستی این کتاب را بخواند .

مهندس ایرج صفایی - آرشیتکت

چند کتاب را باهم خوانده‌ام . **درکوچه پس کوچه های غربت** اثر **هماسرشار** - **دوقرن تاریخ آمریکا** - **۸ جلد کتاب حافظ خراباتی** و **کاربرد هوش وفکر .**

کتاب هما سرشار بصورت قسمت قسمت است و هر قسمت موضوعی جداگانه دارد از اوضاع ایرانیان در آمریکا پس از انقلاب ۵۷ و یاد خاطره هایی از ایران پیش از انقلاب . دو قرن تاریخ آمریکا نقدی است بر تاریخ امریکا .

کتاب خانم سرشار را درجلسه معارفه کتاب وکتاب دوم را از شرکت کتاب بخاطر علاقمندی به تاریخ امریکا خریداری کردم .

شکوه درویش - خانه دار ونویسنده

کاربرد مثنوی در خودشناسی که نویسنده آن محمد جعفر مصفامیباشد .

کتاب درمورد تفسیر شعر مولوی از دید خودشناسی است . ونشان میدهد که چقدر انسان با شخصیت کاذب خود زندگی میکند و چقدر حیف است که دور از اصل خویش است و هیچ رابطه نزدیکی باخود حقیقیش ندارد .

کتابی در رابطه با همین نویسنده خوانده بودم‌و خوشم‌آمده بود درنتیجه این کتاب رانیز انتخاب کردم .

بخش دوم ازکتاب چراهای یهود

ترجمه : مینو

زن در یهودیت

کنیساهایی که طرفدار تورا خواندن زنها هستند معمولا روزهای شنبه صبح مراسم بت میتصوا را برگزارمیکنند . دراین مراسم دختر جوان وارد مرحله جدیدی از یهودیت شده و تورا را قرائت میکند . کنیساهایی که درآن زنها افتخار خواندن تورا را ندارند معمولا مراسم بت میتصوا را درجمعه شب برگزار میکنند که معمولا درآن زمان تورا خوانده نمیشود . عموماً در مراسم بت میتصوای جمعه شب ، دختر جوان از قسمت انبیاء که برنامه صبح روز بعد هست میخواند . رباهای کنسرواتیو که بت میتصواهای جمعه شب را رهبری میکنند اجازه نمیدهند که نیایش های هفطاراخوانده شود . آنها مدعی هستند که این نیایش ها اجباری نیست .

درکنیساهای رفورم ، جاییکه تورا جمعه شب خوانده میشود . دختری‌که بت میتصوا میشود از تورا و از قسمت انبیاء میخواند .



چرابعضی ازکنیساهای کنسرواتیو اغلب مراسم بت میتصوارابجای شنبه صبح جمعه شب برگزار میکنند؟

چرا به طور سنتی به دخترها کمتر از پسرها تحصیلات یهودی یاد داده میشود ؟

چون‌زنها بیشتر درمنزل بسر میبردند ، برخلاف آقایان مجبور به اجرای تمام فرامین مثبت تورا نبوده‌اند درنتیجه احتیاجی به تحصیلات رسمی نداشتند . مکان اولیه یادگیری برای دختران درخانه بود . آنها بطور غیر اصولی فقط با مشاهده وکمک کردن به مادرانشان معلومات یهودی کسب میکردند و یا به درسهایی که پدرشان و یا معلم خصوصی به پسران خانواده یاد میداد گوش میکردند .

درطی قرنها عالمین مختلف اصرار داشتن که دخترهاهم تحصیلات یهودی اساسی داشته باشند . کتاب میشنا یکی از این عالمین را معرفی میکند . عالم قرن دوم بن ازائی BEN AZZAI

مدعی بود که مردها باید به دخترشان تورا را یاد بدهند . علاوه بر BERURIAH بریوریهای ، همسر دانشمند فلسطینی تلمود ، ربای مئیر RABBI MEIR درقرن دوم ، که همچنین دختر عالم مشهور CHANINA BEN TERADYON بود ، فقط چند نفر اززنها مقام عالم و دانشمند را داشتند . تلمود چنان با بریوریها افسون شده بود که فضیلت و تیز هوشی اورا مبالغه کرده و ادعا میکند که او سیصد قانون را از سیصد استاد در یک روزیاد گرفت . ولی در حقیقت خیلی از علمای عصر تلمود سطح تحصیلات و اخلاقیات آنها برایشان مهم نبود و زنها را سبک مغز ، وراج و غیر قابل تعلیم توصیف میکردند .

در سنت یهودیت رل زنها ترویج تحصیلات برای دیگران بود و نه تحصیلات برای خودشان . مسئولیت زنها این بودکه مطمئن شوند که پسرانشان به کلاس میروند و همچنین موظف به نگهداری و توجه ازشوهرانشان بعد از برگشت آنها ازکار ویا تحصیل درآکادمی مورد نظرشان بودند . زنهایی که این رل هارا خوب اجراء میکردند تحسین میشدند . زنهایی که راهنمایی و حمایت از فامیل و شوهرشان میکردند **«زنان صدیق»** نامیده میشدند و هخامیم میگویند بخاطر زنان صالح یهودیان ازبردگی مصریها نجات یافتند .

گرچه درطول قرنها ، هنگام لزوم تعدادی از دختران بطور خصوصی درس یهودیت یاد میگرفتند ، ولی بعد از جنگ جهانی اول موسسات ارتدکس متوجه لزوم تحصیلات رسمی برای زنها شدند . درسال ۱۹۱۷ اولین موسسه برای دختران در کراکوی لهستان باکمک بسیار موسسه ارتدکس **«اگودت ایسرائل»** بوجود آمد . این پایه و اساس سیستم تحصیل مدارس **بت جیکوب** بود که حالا با داشتن شبکه مدارس بین المللی وموسسه تعلیم و تربیت معلمین بخود میبالد .

امروزه اکثریشیواهای مدرن تحصیلات کامل یهودی برای دختران و پسران را درنظر گرفته‌اند .

چرا شوهران قرارداد ازدواج به زنهایشان میدهند ؟

درقرون اولیه یهودیت وچند قرن بعدازآن زنهای یهودی مانند بقیه زنهای جامعه جزو مایملک شوهرشان محسوب میشدند . و هخامیم به اتکای کامل زنها به شوهرانشان اعتقاد داشتند . برای اصلاح کردن این وضعیت در ۸۰ سال قبل از میلاد مسیح کتوبا یا قرارداد ازدواج بوسیله سیمون بن شتاخ SIMON BEN SHETACH که از دانشمندان برجسته فریسی و رئیس سهندرین بوده تدوین شد ، و برای اولین بار با بودن کتوبا حفظ حقوق زنها درازدواج ضمانت گردید .

کتوبا یک مدرک نوشته شده است که درآن داماد قول میدهد که به عروس پول قید شده درآن را درموقع طلاق و یا درزمانی که شوهر تعهدات ازدواج را بجا نمیاورد بپردازد . همچنین درآن ضمانت شده که مقدار معینی از مایملک مرد به زن بعد ازفوت مرد پرداخت شود . درقانون یهود زن از شوهر ارث نمی برد ، فقط پولی که درکتوبا قید شده بود را دریافت میکرد و بعد از طلاق به خانه پدر برمیگشت .

چرا ربای های کنسرواتیو ملزم به اضافه کردن یک ماده به کتوباهای استاندارد شدند ؟

برای کم‌کردن مشکلات زنهای یهودی که در دادگاه طلاق میگرفتند وشوهرانشان ازدادن طلاق یهودی (GET) امتناع میورزیدند ، **جنبش کنسرواتیو** یک‌مدرک درست کرده که زوجین قبل از ازدواج آنرا امضاء میکنند . دراین اصلاحیه یک ماده به قرارداد ازدواج (کتوبا) که در زیر خوپا خوانده میشود ، اضافه گردیده است .

دراین ماده قید شده که درموقع ابطال قرارداد ازدواج ، زن و شوهر رأی بت دین (دادگاه شرعی) یا مجتمع هخامیم را قبول‌کنند . دادگاه امکان دارد برای قصور به جواب دادن به احضاریه یا به سرپیچی کردن ازرأی دادگاه ، شروط غرامت وضع کند . در قرارداد کاملتر که زوجین قبلا امضاء میکنند قید شده که شوهر دادگاه را نماینده خود معرفی میکند که درموقع لزوم طلاق نامه یهودی راصادر وبه زن بدهد .

لزوم دخالت دادگاه موقعی بوجود میاید که مرد از دادن طلاقنامه یهودی به‌زنش برای پایین آوردن غرامت ، امتناع ورزد . لزوم دیگر آن وقتی بوجود میاید که شوهر از مسافرت برنمیگردد و تصور میشود که او فوت شده ولی مدرک مثبتی وجود ندارد . حالت دیگر

زمانی است که سربازان در زمان جنگ ناپدید میشوند .

درتمام این موارد زن آزاد نیست که دوباره ازدواج کند چون ممکن است شوهرش زنده باشد و در قانون یهودیت او هنوز یک‌زن شوهردار محسوب میشود . و باو AGUNA **آگونا** میگویند . یعنی یک زن متعهد شوهردار . دراین موارد قراردادی که قبل از ازدواج بوسیله زوجین امضاء شده به مورد اجراء گذاشته میشود . بت دین (مجتمع هخامیم) که نماینده شوهر هستند طلاقنامه را برای زن صادر میکنند .

هخامیم ارتدکس این کتوبای جدید جنبش کنسرواتیو که توافق کامل با قانون یهودیت ندارد را قبول ندارند . ربای ایتساک الخاتان که دانشگاههای مذهبی یشیوا بعدها بنام او نامگذاری شده مشتاق بود که بار زنهای AGUNA کم‌شود . روشی که او درپیش گرفت خیلی غیر معمول بود . او قبلا سربازانی که عازم رفتن به ارتش بودند را ملاقات کرده و ازآنها میخواست یک طلاقنامه یهودی (GET) بنویسند ولی آن را به زنها نمیداد و نزد بت دین به امانت میگذاشت . بت دین این قدرت را داشت که طلاقنامه را فقط درصورت ناپدید شدن شوهر و یادرصورت فوت او صادر کند .

چرا هیلل براین باور بود که خانواده حتماً باید حداقل یک دختر داشته باشد تا کامل شود ؟

ما باید چند بچه داشته باشیم تا اوامر تورا رابرآورده کنیم . **«پرمیوه باشید وچند برابر شویدو جمعیت زمین را زیادکنید .» (آفرینش ۲۸ : ۱)** . این موضوع در تلمود بوسیله هیلل و شمای توصیف شده . آنها دو دوست با افکار متفاوت درقرن اول بودند . **«هیلل»** و پیروانش عقیده داشتند که یک زوج باید یک‌پسر و یک دختر داشته باشد تا اوامر را بجاآورده باشند . **مکتب شمای** میگوید داشتن دو پسر لازم است . پیروان هیلل نظر به خود راطبق گفته تورا **«و خدا بشر را مانند خود آفرید»** . یعنی مذکر ومونث آفرید . کتاب (آفرینش ۲۷ : ۱) و نتیجه میگیرند که این آیه تاکید بر مساوات هردو جنس بوسیله خدا است .

پیروان **شمای** این تفسیر را قبول نکردند و دلیل میاوردند که چون حضرت موسی قانون آور LAW GIVER بزرگ دو پسر داشت و دختر نداشت پس داشتن دوپسر برای برآوردن فرامین تورا لازم است . معمولا نظریه هیلل مورد تایید است . مراجع یهودیت کاملا معتقدند که هرخانواده باید حداقل یک پسر و یک دختر داشته باشد تا اوامر مذهبی را بجای آورده باشد .

چرا نظر به طهارت در سنت های یهودی مهم است ؟

زن وفادار در خانواده راه وروش زندگی راپی ریزی میکند .نحوه نگهداری و توجه زن ازشوهر و فرزندانش خیلی مهم میباشد ، مهم ترازآن رعایت قوانین TAHARAT HAMISHPACHA **طهارت** میباشد .

درواقع هدف اصلی رفتن به **میکوا** است .

زن ملزم است که خود رابعد از عادت ماهانه در **میکوا** شستشو دهد . توجه و اهمیت دادن زن به این قانون تورا معمولا دین داری اورا نشان میدهد روایت شده که زنهای مذهبی ستون اصلی یهودیان را تشکیل میدهند . هخامیم گفته‌اند بخاطر استحقاق زن های مذهبی یهودیان از مصر آزاد شدند .

اکثر زنهای ارتدکس و تعداد کمی اززنهای کنسرواتیو قانون طهارت را تا امروز رعایت کرده‌اند .

چرا زنها که درموقع عادت ماهیانه اجازه تماس با شوهران خود را ندارند ولی اجازه دست زدن و بوسیدن تورا را دارند ؟

گرچه یک‌زن درموقع عادت ماهیانه حق تماس با شوهرش را ندارد ، با این وجود زنها از بغل‌کردن ، دست زدن و بوسیدن تورا و مزوزا با اینکه مزوزا دارای نوشته‌ای از تورات است منع نشده‌اند . بعضی از یهودیان ارتدکس دراین‌زمان حتی اجازه ردوبدل کردن یک شیئی عمومی مثل کلید خانه را به یکدیگر ندارند .

براساس قوانین یهودیت هیچ چیزی نمی تواند لغات تورا را ملوث کند . بقدری **تورا** مقام روحانیت بالا دارد که هیچ چیزی درتقدس آن اثر نمی نماید .

چرا زنها اجازه ختنه کردن دارند ؟

بقیه در صفحه 82

فرارسیدن سال جدید عبری را به کلیه هم‌کیشان عزیز بخصوص زحمتکشان و خدمتگزاران جامعه شادباش و تهنیت میگوئیم و از خداوند بزرگ سالی پر برکت از سلامتی و خوشبختی و طول عمر برای همه مسئلت دارم.

هاراو بعل هنث

روش هشانا

اول و دوم ماه تیشری موسوم به روش هشانا، روزهای محاکمه وسرنوشت ساز همه جهانیان میباشد. باوجود اینکه این ایام خجسته و میمون بوده ودر سایر **یامیم طوویم** (موعدیم) ما هلل (مدیحه سرایی) میخوانیم در روش هشانا بعلت ترس و هیبت روز، از قرائت آن باز می ایستیم.

باتوجه باینکه طبیعتاً روزدادگاهی و محاکمه با اضطراب و نگرانی همراه است معذلک با اتکاء به الطاف ایزدی که مارا مورد عنایت قرار میدهد با وضعیت مرتب، اصلاح و استحمام کرده و ملبس به پوشش موعدی، به استقبال روش هشانا می شتابیم.

در دوشب (روش هشانا) علاوه بر روشن کردن شمع ها و خواندن دو براخای: «**لهدلیق نرشل یوم طوب**» و «شهحیانو» و گفتن قیدوش بریائین و هموصی برنان مراسم ویژه‌ای نیز برگزار میگردد. که درضمن صرف پاره‌ای از مواد غذائی از قبیل: سیب و عسل، انار شیرین، خرما، لوبیا، کدو و چغندر و تره و گوشت کله و خواندن دعاهای مخصوص برهریک، شیرین کامی، سلامتی و خوشبختی وطول سال را خواستار شده و بدین طریق جلوه خاصی باین ایام می بخشیم.

در روز اول پس از برگزاری تفیلای شحریت پاراشای مربوط به تفقد خداوند به سارا زوجه حضرت اوراهام و هفطارا و روز دوم پاراشای مربوط به **عقدت سیحاق** و هفطارا تلاوت میگردد. و بدین وسیله زخوت و حمایت نیاکان را منظور میگردیم.

شوفار

نواختن شوفار یکی از مهمترین فرائض روش هشانا بشمار میآید که مارا از خواب غفلت روزگار بیدار نموده و به بررسی عملکرد سالیانه خود بپردازیم. با نواختن صدویک نوای مختلف: ساده (تقیعا) شکسته (شواریم) لرزان (تروعا) اولین روزهای توبه از ده روز (تا کیپور) را آغاز نموده قبل ازنواختن دوبراخای «یشموع قُل شوفار» و «شهحیانو» را میگوئیم.

درتلمودیروشلمی آمده است: بجاست دراین ایام از اتلاف وقت جداً پرهیزنموده وصرفاً به نیایش و ستایش حق و مطالعه کتب مقدسه بپردازیم.

پس ازبرگزاری تفیلای مینحا (بعدازظهر) به کنارآب یا رودخانه یا ساحل دریا رفته و آیه های رحمت را تلاوت مینمائیم و بطور سمبلیک گوشه لباس خود را تکان میدهیم و با استغفار از درگاه یزدان، به قعر دریا افکندن معاصی و گناهان را خواستار میشویم.

کیپور

دهم ماه تیشری «یوم هکیپوریم» روزه بزرگ، آخرین فرصت از ده روز توبه میباشد که با ممنوعیت های:

غذا نخوردن، نیاشامیدن، کارنکردن، عطر نزدن ورابطه زناشویی نداشتن ....همراه میباشد و مثل هر شبات قبل از غروب آفتاب شمعهارا روشن کرده و براخاهای لهدلیق نرشل شبات و یوم هکیپوریم وشهحیانو را می گوئیم و باحضور درکنیسا مراسم تفیلا و سلیحوت های پنجگانه را با ابراز بخشودگی ازیکدیگر و قلبی آکنده از صفا و مهر خداوندی به نیایش و آمرزش میپردازیم.

«ویدوی» اعتراف و اقرار بر گناهان و خطاها درهمه تفیلاها **(عرویت شب و شحریت و موصاف و مینحا و نعیلا)** مورد نظر و تاکید میباشد.

درهفطارای ظهر(مینحا) داستان یونا (یونس) درشکم ماهی خوانده میشود که مارا برآن میدارد که از درگاه الهی جای گریز وجود ندارد. همه مسئول و جوابگوی رفتارهای مختلف خویش میباشیم.

درآخرین تفیلای روز (نعیلا) دربهای محراب (هخال) راگشوده وآخرین دقایق سرنوشت ساز رابا طلب آمرزش و بخشش

میگذرانیم وبا آهنگ شوفار ، بیدارباش نهائی را بگوش رسانده یکدیگر را برای شرکت در عمران و آبادانی اورشلیم مقدس دعا و دعوت میکنیم وسپس عرویت خروج ازکیپور خوانده میشود .

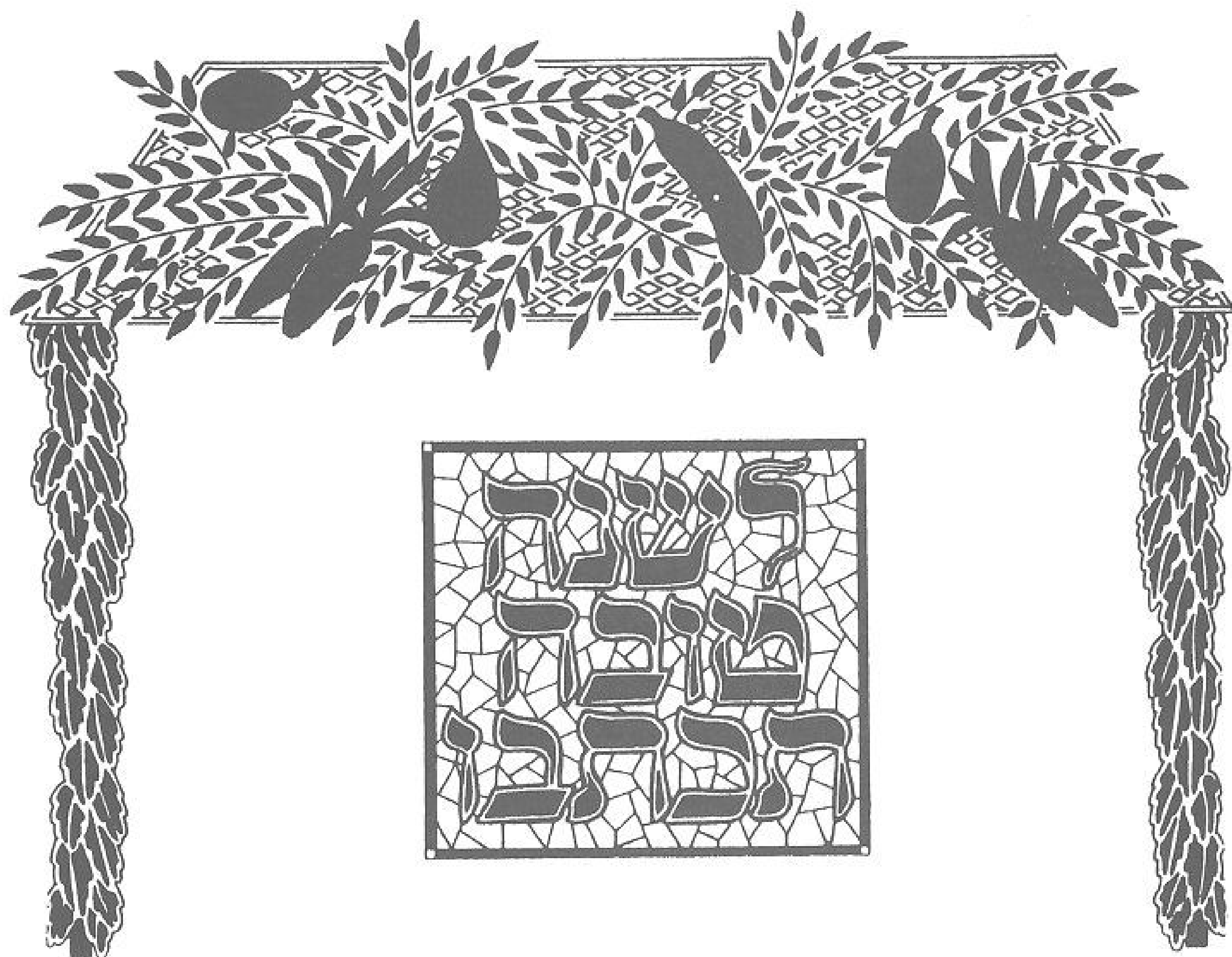
سوکوت «جشن سایبانی»

درتورات مقدس آمده است در پانزدهم ماه تیشری جشن سوکوت برگزار نموده هفت روز در سایبانی زندگی کنید زیرا نیاکان شما پس از خروج از مصر بمدت چهل سال در بیابانی اسکان دادم . این موعد رشته طلایی ارتباط مارابا نیاکان و بقاء و حیات زنده ملت مارا آشکار می نمایاند .

مانند دیگر اعیاد در شبهای اول ودوم سوکوت شمعهارا روشن کرده و باگفتن دو براخای «لهدلیق نرشل یوم طوب» و «شهحیانو» باستقبال این جشن میرویم . دراین هفت شبانه روز هنگام صرف غذا در سوکا براخای (یشو بسوکا) بر براخای هموصی اضافه میکنیم .

یکی از میصواها و مراسم این موعد ، گرفتن چهار نوع میوه های نمونه است که شامل : اتروگ (طرنج) یک عدد لولاب (شاخه درخت خرما) یک عدد عدس (مورد) سه شاخه و عراوا(بید) دو شاخه بوده که بجز اتروگ بقیه راباهم بسته و پس از خواندن براخا برهرچهار نوع ، آنان را به جهات چهارگانه حرکت می دهیم و بدین وسیله به بارگاه خدایی که صاحب همه جهات و جهان است برای گیاهان و نباتات و وزش بادهای مفید که آورنده ابرها و نهایتاً نزول باران میباشد با زبان اشارت به دعا میپردازیم . روز هشتم «بعدازسوکوت» **سیمحت تورا** نام دارد که به پایکوبی وشادمانی حسن ختام تلاوت تورا را جشن گرفته وشروع به قرائت بخش بخش تورا می نمائیم .

چشم انداز ضمن تبریک سال نو خدمت جناب هاراو بعل هنث از محبت ایشان در مورد ارسال مقاله که درمورد آگاهیهای مذهبی درباره اعیاد سال نو و روز بخشش و عید سایبانها میباشد تشکر مینماید .



درخلوتگاه عشق الهی

اندیشه‌هایی الهام بخش برای روش هشانا ویوم کیپور

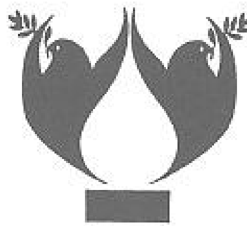
تهیه و تنظیم از : دکتر میترا مقبوله

چاپ و پخش از : سازمان سیامک

● تاریخ انگلیسی: SEPTEMBER 1993

● تاریخ ایرانی : مردادماه ۱۳۷۲

● تاریخ عبری : الول ۵۷۵۳



مقدمه

... بنام پروردگار

در جستجوی پرارزش ترین چیز درجهان

دریکی ازحکایات زیبای یهود آمده است که خداوند فرشته‌ای را مامور نمود تابه جهان خاکی فرود آید و پرارزش ترین چیزی راکه در روی زمین یافت میشود به حضور او بیاورد . فرشته در اولین جستجوی زمینی خود ، به سرباز مجروحی برخورد نمود که حاضر شده بود جانش را فدای نجات دیگران کند . فرشته قطره‌ای ازخون این سرباز را به عنوان پرارزش ترین چیز روی زمین به نزد پروردگارآورد . به اوچنین گفته شد : «خون این سرباز بسی گرانبها است ، اما پرارزش ترین چیزها نیست . » فرشته دوباره به زمین فرود آمد و این بار به مادری فداکار و مهربان برخورد نمود که بایک پستان به نوزاد خودش شیرمیداد و با پستان دیگر به نوزاد یتیمی که به فرزندی پذیرفته بود غذا میرسانید . فر شته یک قطره از شیر این مادر رابه نزد خداوند برد . این بار نیز جواب شنید که : «گرچه این قطره شیر بسیار گرانبها است ، اما پرارزش ترین چیز جهان نیست . » فرشته برای بار سوم به جهان خاکی فرود آمد . این مرتبه به جوانی برخورد نمود که درشرف کشتن انسان دیگری بود ، ولی به ناگهان با ندای درون به خود آمد و درحالیکه زارزار اشک میریخت ، ازکرده خود پشیمان شد و ازآن محل گریخت . وقتی فر شته قطره‌ای از اشک چشمان این جوان را به دربار خداوند تقدیم نمود ، به او چنین گفته شد : « این حقیقتاً پرارزش ترین چیز جهان است ، زیراکه هیچ کس به اندازه فردی که صمیمانه از خطای خود پشیمان گشته است نزد ما ارزش ندارد ! »

واژه «خطا» که عیناً همان کلمه در زبان عبری میباشد ، به معنای «هدف را درست نشانه نگرفتن » می باشد . در فرهنگ یهود و بخصوص در عرفان یهود ، از هدفی فوق العاده مهم برای زندگی هر انسان بارها و بارها سخن رفته است . اما چون برخلاف سایر موجودات به انسان اراده و اختیار آزاد اعطاگشته است ، ما آدمها دراثر گمراهی و نادانی و خودخواهی رفتار و اعمالی رابرمیگزینیم که مارا از هدف والائی که به خاطر آن آفریده شده‌ایم ، بازمیدارند . این چنین است که انسان خطا میکند . خوشبختانه راه بازگشت (تشووا) همیشه باز است . درکتاب یشعیا (فصل اول) خداوند خطاب به قوم یهود چنین میگوید : «هم اکنون بیائید بایکدیگر صحبت کنیم . اگر خطاهایتان همانند مخملی سرخ فام باشد ، مانند برف سفید خواهد شد . » آگاهی و اعتراف به «خطاکاری» مقدمه تغیر و تحول و تکامل درون است .

تویقین می دان که صد عالم گناه

از تَف یک توبه برخیزد ز راه

هر سال ، ده روز میان روش هشانا ویوم کیپور ، که مقدس ترین روزهای سال برای یهودیان به شمار میایند ، فرصتی گرانبها به همگی ما داده می شود که صادقانه به درون نگری بپردازیم ، و به خطاهای یکسال گذشته آگاهانه اقرار کنیم .

در تورات ، قوم یهود به «عروس خداوند» ملقب گشته است . عروسی که هرچند یکبار به بیراهه میرود و خود فروشی میکند . درطی این ده روز هرسال این عروس الهی اندکی به خود می‌آید ، و میکوشد تا جامه های ننگین و گناه آلوده را از خود بزداید ، و برای دوباره راه یافتن به خلوتگاه عشق الهی خود را آماده کند . تنها جهیزیه او ، گرانبهاترین چیز دنیا ، یعنی اشک ندامت اوست . بیایید در تهیه این جهیزیه گرانبها با هم سهیم بشویم .

میترا مقبوله

کیپور ۱۹۹۳



بهترین و بدترین یهودی کیست ؟

دریکی از حکایات عرفانی آمده است :

«وحی آمد به موسی که بنی ایسرائل را بگوی که بهترین کسان را از میان خود اختیار کنند ... هزارکس انتخاب نمودند . وحی آمد که ازاین هزار ، ده تن بهترین را اختیار کنید ... چنان کردند . وحی آمد که از این ده تن ، بهترین را اختیار کنید . یکی را از ده تن انتخاب کردند . وحی آمد که این بهترین را بگویید تا بدترین بنی ایسرائل را پیش ما بیاورد .

او چهل روز مهلت خواست و همینطور می گشت تا روز چهلم که به کوئی رسید . مردی را بدید که به اعمال ناشایست و فساد معروف شده بود . خواست که اورا ببرد . اندیشه‌ای بدلش آمد که به ظاهر حکم نباید کرد ..... و به این که مردم مرا اختیار کردند که بهتری ، مغرور نتوان شد ..... نزد موسی آمد و گفت : هرچند نگاه کردم ، هیچکس را بدتر از خویش نمی بینم . وحی آمد به موسی که این مرد بهترین ایشان است . نه از آن که طاعت او بیشتر است ، بلکه ازآن که خویشتن را بدترین دانست . »

در ۲۴ ساعت یوم کیپور ، هریهودی می باید خود را بدترین بداند و صمیمانه طلب بخشش نماید . دراین راه ورسم دیرینه چه حکمتی نهفته است ؟

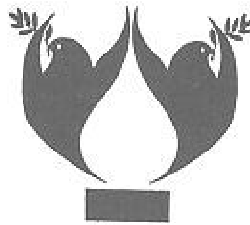
قوم یهود معروف گشته است به قومی که همواره «احساس جرم» میکند . این به چند دلیل است : یکی اینکه پیامبران و رهبران یهود در واکنش نسبت به شکستها و ناکامیهای قوم خود ، هرگز این بلایاراتقصیر یونانیها ، بابلی ها ، رومی ها ، انگلیسی ها ، و غیره و غیره ..... ندانسته‌اند ، و در عوض انگشت روی نارسائی ها و خطاهای یهودیان گذاشته‌اند . دوم اینکه در ده روز روش هشانا و کیپور ، که مهمترین و مقدس ترین روزهای تقویم یهودی است ، هرفرد یهودی موظف است که انگشت جرم را بسوی خود متوجه گرداند ، و در روز کیپور کلیه جماعت ایسرائل یکپارچه سهم خود را در بدیها و پلیدیهای جهان اقرار میکند و خود را مجرم می شناسد . فایده این «انتظارازخود» واین احساس جرم چیست ؟ دانش روانشناسی مدرن بتازگی به ارزش و اهمیت این حکمت چند هزارساله یهود پی برده است . افراد و یا اقوامی که خود را پاک و منزه و بی تقصیر تصور میکنند ، همواره نارسائی های درونی و گناهان خود را بر دیگران منعکس نموده و مرتکب شنیع ترین اعمال ضد انسانی میگردند ، و یا اینکه خود را یک «قربانی بیگناه و مظلوم » فرض کرده و درهمان وضع وحال یک قربانی ضعیف و ناتوان باقی میمانند .

گربرسرنفس خود امیری ، مردی
وگربردگری نکته نگیری ، مردی

نیایش

آوینو ملکینو ، پروردگارا ،

درطی زندگی روزمره ، بارها وبارها باخودپسندی اشتباهات و تقصیرات و عیوب اطرافیانم رابه آنها گوشزد کرده‌ام ، درحالیکه بر نارسائی ها و خطاهای خودم کوچکترین آگاهی نداشته‌ام . به من یاری کن تا براین خود پسندی چیره گردم . آمن .



تعنیت و تفیلا (روزه وعبادت) برچند نوع است ؟

ربای بزرگ شهر ، یک شب کیپور در کنیسا غایب بود . ریش سفیدان کنیسا سراسیمه به جستجوی او پرداختند ، و بالاخره اورا درحالیکه از یک‌بچه بره زخمی شده مراقبت میکرد یافتند .از اوبا حیرت پرسیدند : «ربای ،امشب مقدس ترین شب سال است ، چرادرکنیسانیستی ؟» پاسخ داد:«مگرنمی بینید به چه کاری مشغول هستم ؟» گفتند : «ولی ربای ،این وظیفه تواست که درکنیسامشغول‌به دعاوتفیلاباشی!» جواب داد:«من هم اکنون نیز مشغول تفیلا (دعا) هستم . هر عملی که از روی مهر انجام بدهیم یک تفیلا است .»

خطاهایی که ازبرای آنها روزکیپور بطلب بخشش می کنیم سه گونه است : خطاهای مربوط به رفتار ما نسبت به خداوند ، خطاهای مربوط به رفتار ما نسبت به انسانهای دیگر ، و خطاهای مربوط به رفتار ما نسبت به جانوران دیگر و طبیعت . خطاهای نوع اول خیلی به آسانی در روز کیپور بخشیده میشوند ، اما دونوع خطای دیگر ، یعنی خطاکاری در رابطه با انسانها و طبیعت نیاز به ترمیم و جبران مستقیم دارد . این به دلیل آن است که در فرهنگ یهود ، همه عالم و عالمیان آیات خداوند بشمار آمده و درخور مهر و احترام و شفقت ما میباشند .

به جهان خرم ازآنم که جهان خرم ازاوست

عاشقم برهمه عالم که همه عالم ازاوست

پروردگار یهود بارها به صراحت ابراز داشته است که : «اینست روزه‌ای که مطلوب من است : نان خود را باگرسنگان تقسیم کنید . بینوایان و فقرا را درخانه‌تان مأوا دهید ، و هنگامی که برهنگان را می بینید ، آنهارا پوشش دهید .» (کتاب یشعیا ، فصل ۵۸) .

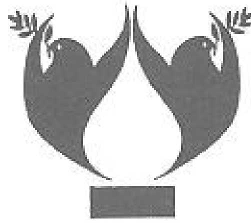
نان دهی ، ازبهرحق نانت دهند

جان دهی ، از بهرحق جانت دهند

درون نگری شخصی و نیایش

پروردگارا ،

اقرار میدارم که آنچنان که درتوانایی من بوده به بندگان تو خدمت نکرده‌ام ، و ازطبیعت زیبایی‌که تو در پیرامونم گسترده‌ای ، آنطور که شایسته است نگاهداری ننموده‌ام . پروردگارا، برای خطاهایی که نسبت به تو مرتکب شده‌ام مرا عفو بدار . به من یاری ده که جلوه تابان ترا درهمه کائنات و مخلوقات ببینم و به یاری گرسنگان و بینوایان وبرهنگان برخیزم . آمن .



چرا ماشیح نمی آید ؟

ثروتمندترین یهودی شهر ورشو ، درخاتمه روز کیپور ، عارف و ربای بزرگ جیکوب اسحاق و شاگردان اورا بهمراه خانواده‌هایشان به منزل قصرمانند خود برای بازکردن تعنیت و صرف شام شاهانه‌ای دعوت کرده بوده از ابتدای ورود مدعوین ، صاحبخانه متمول یک لحظه از فخر فروشی و مباهات فروگذار نکرد ، و کوشش نمود که با به رخ کشیدن منزل عظیم و مال ومنال خود ، همه حضار و بخصوص ربای اسحاق را تحت تاثیر قرار بدهد . پس از گذشت چند دقیقه‌ای ، ربای اسحاق درحالیکه عزم رفتن نموده بود ، با ملاطفت صاحبخانه فخر فروش را مورد خطاب قرار داد وگفت : «فرزندم !حقیقتاًکه سرای زیبا وباعظمتی فراهم ساخته‌ای .اماتوباخود بزرگ بینی‌ات چنان همه جارا پرکرده‌ای که جایی برای دیگران نمانده است !» سپس ربای اسحاق خطاب به تنی چند ازشاگردانش که بهمراه او از آن خانه بیرون آمده بودند چنین گفت : «ما یهودیها از خود مرتب می پرسیم پس ماشیح کو ؟ پس چرانمی آید؟ حقیقت امر این است که ناجی یهودیان همواره آماده ظهور وتجلی در دنیای ما است ، اما آن عده از ماکه به مانند این صاحبخانه به دارایی و ثروت ، و یا به زیبایی ، به دانش ، و یا حتی به فقر و زهد و پارسایی خودمان مباهات و افتخار میکنیم و مست غرور و تکبر هستیم ، بزرگترین موانع را برسر راه تجلی ماشیح برپا میکنیم ، زیراکه انسان متکبر راه «تشووا» (بازگشت به خداوند) راکه مستلزم تواضع میباشد نمی تواند بپذیرد . »

یهودیت فخر و افاده و تکبر را حتی درمیان افراد بسیار پرهیزکار و مذهبی ودانشمند مکروه وناپسند شمرده است . درمناجات روز کیپور فرصت فراوانی به یکایک ما داده میشود که با اقرار به خطاکاریهای فردی و اجتماعی ، زنجیر تکبر و تفاخر را ازقلب وروح خود بگسلیم و با همه کائنات یکرنگ و صمیمی شویم .

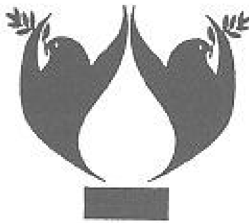
من ازروئیدن خارسردیوار دانستم
که ناکس کس نمیگردد ازاین بالانشینی ها

درون نگری و نیایش

آوینو ملکینو ، پروردگارا ،

وقتی صادقانه به رفتار و حرکات خود مینگرم ، متوجه میشوم که غالباً بجای استفاده مثبت از نعمتها و استعدادها و موفقیت هایی که نصیب من کرده‌ای ، بیشتر سعی نموده‌ام که بانمایش دادن دارائی های مادی و معنوی خود به دیگران فخر بفروشم و برتراز سایرین جلوه کنم و به من یاری بده تا راه تواضع ، مهر و برادری را برگزینم آمن .

«شایعه» دوست چه کسی است؟



نام من «شایعه» است .

من دوست هیچکس نیستم .

به حقیقت کوچکترین اعتنایی ندارم ...

و از شفقت و عدالت بیزارم !

من به روح وروان انسانها ضربه های کشنده میزنم ....

و از شکستن دلها لذت بیمارگونه‌ای میبرم .

هرچه ازاین دهان به آن دهان نقل میشوم ، برقدرتم افزوده میگردد .

من درتمام شئون اجتماعی رخنه میکنم .

قربانیان من بیگناه و بی دفاع هستند ...

کسی را یارای جنگیدن بامن نیست زیراکه درجای ثابتی هرگز مستقر نمیشوم !

هرگاه به نام خوب کسی خدشه‌ای وارد میکنم ، بدنامی او التیام ناپذیر و همیشگی است ...

من دوست هیچکس نیستم .

من حکومتهاراسرنگون میکنم ، خانواده هارااز هم می پاشم ، و دوستی هارابه دشمنی تبدیل میکنم !

من آتیه های درخشان رااز بین میبرم ، و بیخوابی و اضطراب وزخم معده میآفرینم.

من انسانهای بیگناه را شبها درسکوت به گریستن وامیدارم ....

من شایعه هستم . درهمه جا ، درمحیط کار ، درمنازل ، درمیهمانی ها ، ودرپشت تلفن عده کثیری همواره به من میپردازند . این شایعه پردازان درجنایتهای من شریک اند .

من شریک‌جرم بسیار دارم ، اما من دوست هیچکس نیستم !

از ۴۴ خطاهایی که در روزکیپوربطور دسته جمعی به آنها اعتراف میکنم ، ده تای آنها مربوط به گناهانی است که بتوسط زبان مان مرتکب میشویم .

یهودیان در نیایش سحرگاهی هر روز ازخداوند میطلبند که آنهارا از این جذام اخلاقی مصون نگهدارد و دعا میکنند که : «خداوندا ! زبان مرا از پلیدی حفظ کن و لبهایم را ازشایعه پردازی و دروغ باز بدار .»

چه بجاست اگر ما یهودیان همواره به خود گوشزد کنیم که شایعه پردازیهای شنیع هیتلر و سایر ضد یهودیان دیگر موجب شکنجه‌وکشتار میلیونها تن از همکیشان ما در طی تاریخ شد ، و شایسته ما نیست که دراین خطای هولناک کوچکترین سهمی داشته باشیم .

گر خواجه زبهرماخطاگفت

ماچهره زغم نمی خراشیم

*****

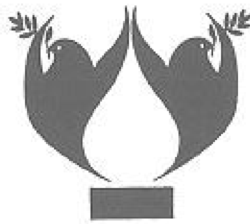
ماغیرنکویی‌اش نگوییم

تاهردو دروغ‌گفته باشیم

درون نگری و نیایش

آوینو ملکینو ، پروردگارا ،

ازبابت هر لطمه‌ای که بوسیله زبانم به فرزندان تو وارد نموده‌ام از تو بخشش می طلبم . به من یاری ده تا ازاین پس هرگززبان به شایعه پردازی و غیبت و بدگویی نگشایم . آمن



آیا تو هرآنچه مینمایی هستی ؟

عارف یهودی ، اِلی لنرِن ، چنین میگفت : «من مطمئنم که در دادگاه الهی وقتی ازمن درمورد زندگی‌ام درجهان خاکی بازخواست بشود ، سربلند و پیروز خواهم‌بود ، زیرا اگر دادگاه الهی ازمن بپرسند : آیا تورا را آنطورکه می باید مطالعه کردی ؟ جواب خواهم داد : خیر ! اگر بپرسند : آیا آنچنان که می باید تفیلا (دعا) خواندی ؟ باز پاسخ خواهم داد : خیر ! اگر بپرسند : آیا آنچنان که می باید میتصواکار(نیکوکار) بودی ؟ دوباره جواب خواهم گفت : خیر ! آنوقت است که دادگاه الهی رأی به تبرئه من خواهد داد ، چون فقط حقیقت را درمورد خود بیان کرده‌ام و درمن کوچکترین دوروئی و تظاهر یافت نشد . »

شاید هیچ عاملی بیش ازتظاهر درمقابل دیگران و روراست نبودن باخود ، سد راه تکامل روحی ما نمیشود . عواقب ویرانگر تظاهر و دوروئی را همه جا در اجتماع براحتی میتوان مشاهده کرد . تظاهر به بودن آنچه نیستیم و به داشتن آنچه نداریم نه تنها موجب میشود که آنچه راکه حقاً می توانیم باشیم و داشته باشیم نیز از دست بدهیم ، بلکه باعث مشکلات خانمان برانداز دیگر نیز میگردد .

درکتب مقدس یهودیان ، تظاهر و ریاکاری بخصوص درمذهب و روحانیت بشدت مورد نکوهش قرار گرفته است . برای مثال ، درکتاب یشعیای نبی (فصل اول) خداوند خطاب به مذهبی نماهای خطاکار چنین میگوید : «قربانی های فراوانتان به چه کار من می آید؟ اعیاد مذهبی و اجتماعات شما که همراه با بی عدالتی و ظلم است دیگر قابل تحمل نیست . اگر تفیلای زیاد هم بخوانید ، چون دستهایتان آغشته به خون است آنرا مورد توجه قرار نخواهم‌داد . »

انسان خطاکاری که به پارسایی وپاکی تظاهر نمیکند و خودرا هرآنطور که هست می نمایاند ، هزارها فرسنگ از آدم متظاهر به آستانه تشووا و بازگشت به هدف نزدیکتر است .

شیخی به زن فاحشه گفتا : مستی
هرلحظه به دام دگری پابستی

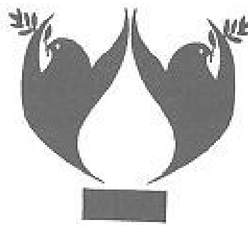
*****

گفت : شیخا، هرآنچه گوئی هستم
اما ، توهرآنچه مینمایی هستی ؟

درون گری و نیایش

آوینو ، ملکینو ، پروردگارا ،

کلیه مکنونات قلبی من ، وحتی کوچکترین اعمال و رفتاری که بارها از روی تظاهر ازمن سرزده ، برتو پوشیده نیست . به من یاری ده تا باطن و ظاهرم را یکی سازم و هرلحظه با صداقت و یکپارچگی و صمیمت با تو وبا بندگان تو روبرو شوم . آمن .



یونس نبی چه گناهی کرده بود؟

صاحب حکمتان یهود ، مطالعه کتاب یونس نبی را برای روز کیپور بسیار ضروری و مقدم برسایر مطالعات دانسته‌اند . داستان نویسی نبی حاوی نکات فوق العاده عمیق وبا ارزشی است که الهام بخش عده کثیری ازنویسندگان و سخنرانان گشته است . درزمان‌زندگی یونس نبی ، شهر نینوا پایتخت کشورآشور بود که دشمن سرسخت ایسرائل بشمار میرفت . بنابراین وقتی خداوند به یونس نبی‌که یک وطن پرست یهودی است دستورمیدهدکه به نینوا برود و برای نجات مردم نینوا آنهارا به سوی خدا بازگرداند ، طبیعی است که یونس قبول نمیکند و به هزار کلک متوسل میشود تا ازاین ماموریت سرباز زند . اما بالاخره ناچار میشود به نینوا برود و با سخنان خود شهروندان‌آشوری رابه بازگشت به راه پروردگار تشویق کند . پس از اینکه شهر نینوااز نابودی حتمی نجات می یابد ، یونس از اینهمه شفقت خداوند نسبت به گناهکارانی‌که دشمنان یهودیان نیزمی باشند ، خشمگین وآزرده خاطر میشود . دراین حال است که یکی اززیباترین مکالمات مندرجه درتورا میان یونس نبی و خداوند صورت میگیرد ، ودرآخرین جملاتش ، خداوند یونس را از خشمی که دردل گرفته شماتت میکند و میگوید : «چطور ممکن است که من نسبت به نینوا این شهر عظیم که درآن صدوبیست هزار انسان که دست چپ را از راست نمی شناسند سکونت دارند ، و همچنین مقدار زیادی گاو وگوسفند درآن موجود می باشند ، شفقت و ترحم نکنم ؟» (کتاب یونس ۱۱ : ۴)

یهودیت درعین آموختن ضرورت دفاع از خود ، همواره ضرورت شفقت نسبت به دشمنان را نیز به ما آموخته است .دریهودیت ، همه انسانها فرزندان پروردگار یکتا بشمار میروند ، و داستان یونس نبی حاکی ازآنست که گرچه خداوند وظایف گوناگونی را به فرزندان خود واگذار میکند ، اما هرگز بین آنها فرق نمیگذارد . و همه را شامل مهر و شفقت و بخشش قرار میدهد .

پاک‌گردان از تعصب جان من
گو مباش این قصه در دیوان من

*****

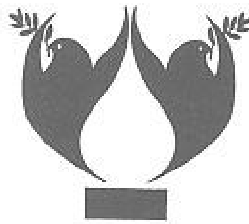
اگر بمُرد عدو ، جای شادمانی نیست
که زندگانی ما نیزجاودانی نیست

عارف بزرگ یهودی ، بِشت (بعل شم طُو ، «صاحب نام نیک») ، درمطابقت با همین روحیه شفقت آمیز یهودیت چنین گفته است : «تا هنگامی‌که یهودیان جهان یاد نگرفته‌اند که حتی نسبت به جنایتکاران و بدکاران اقوام دیگر شفقت داشته باشند ، ماشیح نخواهد آمد !»

درون نگری و نیایش

آوینو ، ملکینو ، پروردگارا ،

اقرار میکنم‌که اکثر اوقات وقتی به سرنوشت اقوام غیر یهودی ، بخصوص آنانکه با ما دشمنی کرده‌اند ، می اندیشم ، اندیشه هایم توأم با خشم و نفرت و تعصب و یا بی تفاوتی است . به من یاری بده تا درحین قوی بودن و شجاعت در دفاع از خود و ملتم ، نور مهر و شفقت ترا از اقوام دیگر ، حتی دشمنان یهود ، دریغ ندارم . باشد که همه دشمنی ها به دوستی بدل گردد . آمن .



آیا دلار و وجدان آشتی ناپذیرند ؟

حکایت کرده‌اند از یک یهودی بسیار مذهبی که کلیه قوانین ومراسم دینی را موبه مو درهمه شئون زندگی رعایت میکرد به غیراز درکسب وکارش ..... و کار او جیب بری بود .

یک روز این آقا به دفتر ربای کنیسا مراجعه کرد وساعت بسیار گرانقیمتی راکه درصحن کنیسا پیدا کرده بود به ربای سپرد تا به صاحبش بازگرداند ربای اورا درآغوش گرفت واز او برای انجام چنین میتصوایی تقدیر نمود . اما وقتی آقای مذهبی جیب بر از دفتر ربای خارج شد ، ربای درکمال تعجب مشاهده کرد که کیف پولش را ازجیبش زده است ! به سرعت به دنبال او دوید وصدایش کرد واز او حقیقت امر را اقرار گرفت . ربای از این مرد پرسید که چگونه میتصوای برگردانیدن ساعت گم شده را با این جیب بری و دزدی وفق میدهد ؟ پاسخ داد : «درتوراه گفته شده که باید یک شیئی گم شده را هرکه یافت به صاحبش باز گرداند . این یک میتصوا است . اما جناب ربای ، جیب بری بیزنس (حرفه) من است و بیزنس بیزنس است و به مذهب ربطی ندارد !»

گرچه ممکن است عده‌ای ازما به مصداق داستان بالا به چنین سوء تفاهمی دچار باشیم ، اما در تنظیم مراسم روزکیپور سعی براین است که این سوء تفاهم کاملا از ذهن وقلب ما پاک شود ، زیرا که همه باهم در قرائت گناهان به خطاهایی که در دادوستد مرتکب شده‌ایم اقرار نموده وطلب گذشت و بخشش مینمائیم . لغزشها و خطاهای ما در زمینه های شغلی و حرفه‌ای اکثراً نه از روی نیاز ، بلکه از روی حرص و آز انجام می پذیرند .

مرد افسونگر زحرص کسب وکار
درنیابد آن زمان افسون مار

گفته میشود یکی ازدلایلی که خوردن گوشت خوک برای یهودیان مکروه و ممنوع اعلام شده ، خصوصیت حرص وآزمندی این حیوان است .
اگر آزمندی را ازخود دور کنیم شاید نه تنها مغایرتی میان دلار و وجدان بوجود نیاید ، بلکه ازحاصل دسترنج خود هزارها بار بیشتر لذت ببریم .

درنهاد هرکسی صد خوک هست
خوک بایدکشت یازناربست

*****

تو زخوک خویش اگرآگه نه‌ای
سخت معذوری که مرد ره نه‌ای

درون نگری و نیایش

آوینو ، ملکینو ، پروردگارا ،

اقرار میکنم که اعمال ورفتار شغلی من همیشه براساس راستی و درستی نبوده ، وگاه وبیگاه جاه طلبی و چشم هم چشمی و حرص مال ومنال ، وجدان مراکور کرده است . به من یاری ده تا به پوچی چنین روشی پی ببرم و صداقت و درستی پیشه کنم . آمن .



چرا صدای شوفار درنمی آید ؟

چند دقیقه‌ای بیشتر به پایان یوم‌کیپور نمانده بود . تعنیت (روزه) و تفیلای (نیایش) روز کیپور نزدیک به آخرین لحظات بود . ربای این کنیسای بخصوص ، درخیرخواهی و خوش قلبی زبانزد خاص وعام بود ، ودرنواختن شوفار (شیپوری که ازشاخ قوچ ساخته شده و درخاتمه روز کیپور درآن می دمند) همتا نداشت . اما این بار وقتی ربای در شوفار دمید ، هیچ صدائی ازشوفاردرنیامد . ربای با تمام قدرت چندین بار دیگر سعی به نواختن شوفار کرد ، اما بیفایده بود . همه حضار با سکوت و حیرت درجای خود میخکوب شده بودند . پس از چند لحظه رئیس کنیسا باسری فروافکنده به جلو جمع آمد و چنین اظهار کرد : «فکر میکنم که شاید بخاطر خطائی که من همین امروز مرتکب شده‌ام ، صدای شوفار درنمی‌آید .» او سپس جریان را اینطور خلاصه کرد که آنروز وقتی عازم‌کنیسا بوده ، بیوه زن بیکسی که بیرون درخانه خود ایستاده بود ، اورا فرا میخواند و به او التماس میکند که چون چندین سال است بخاطر بیماری فرزندانش ازبجا آوردن مراسم کیپور در کنیسا و بخصوص شنیدن صدای شوفار محروم مانده است ، اگر ممکن است رئیس کنیسا از بچه های او فقط چند دقیقه قبل ازنواختن شوفار مواظبت کند تا او به کنیسا برود و اقلا صدای شوفار را بشنود . رئیس‌کنیسا با خودخواهی از قبول خواهش بیوه زن سرباز میزند .

پس ازبازگو کردن این مطالب ، رئیس کنیسا ازربای اجازه خواست که به نزد بیوه‌زن برود واورابه کنیسا بفرستد . به محض اینکه بیوه زن وارد کنیسا شد ، ربای بار دیگر درشوفار دمید ، و این بار چنان نوای آسمانی ازشوفار بیرون آمد که تا شعاع وسیعی همه کائنات را تحت تاثیر قرار داد . پس از خاتمه مراسم کنیسا ، ربای با همان شوفار به منزل زن بیوه رفت و یکبار هم درحضور رئیس‌کنیسا و ازبرای او ، شوفار را به صدا درآورد . سپس ربای درحال روبوسی و تهنیت گوئی به رئیس کنیسا چنین گفت : «وقتی نسبت به نیازهای بندگان خدا بی اعتنا هستیم ، خداوند حتی روز کیپور هم مارا به پیشگاه خود نمی پذیرد . »

حاصل نشود رضای سلطان
تاخاطر بندگان نجوئی

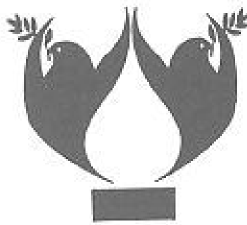
*****

خواهی که خدای برتو بخشد
باخلق خداکن نکوئی

درون نگری و نیایش

آوینو، ملکینو ، پروردگارا ،

میدانم‌که سالهاست که یهودیت من در تعنیت روز کیپور خلاصه شده ، و ازکیپور برای ساکت نمودن وجدانم استفاده کرده‌ام . به من یاری ده تا ازاین پس به وظایف انسانی‌که بعنوان یک یهودی برعهده گرفته‌ام بهتر جامه عمل بپوشانم . آمن .



درتورات ماکافری است رنجیدن ؟

ربای العازار یکروز درکنار ساحل قدم میزد . امواج پر تلاطم اقیانوس بناگهان جسم عریان مردی را به ساحل پرتاب کردند . ربای العازار وچندین یهودی دیگر به دور مرد عریان که رفته رفته هوش خود را بازمی یافت حلقه زدند . او با صدایی لرزان به آنها التماس کرد که چیزی به او بدهند تا خود را بپوشاند ، و تعریف کرد که از اعقاب «عساو» (برادر یعقوب) می باشد و دزدان اورا به چنین حال و روز انداخته‌اند . یهودیانی که این سخن را شنیدند ، همه به غیر از ربای العازار یکصدا وباخشم بر او فریاد زدند که : «اعقاب عساو همیشه با ما یهودیان خصومت و دشمنی کرده‌اند . حق همه شما همین است که این چنین لخت و عریان و بی آبرو و از هستی ساقط شوید ! »

مرد بینوا روی به ربای العازار کرد و ازاو یاری خواست . ربای العازار کت و پیراهن خود را از تن بدر کرد و اورا پوشانید . سپس وی را به منزل خود برد و به او غذا و پوشاک مناسب داد و پس از مدتی استراحت ، با دادن مبلغی خرج سفر ، آن مرد غریبه را بسوی شهر و خانه خودش روانه کرد .

دست برقضا ، سالها بعد ازاین ماجرا ، همین مرد که در زندگی به موفقیت های خارق العاده‌ای نائل آمده‌بود ، جانشین امپراطور وقت میشود و بلافاصله دستور میدهد که تمام یهودیان را قتل عام کنند ! ربای العازار به نزد او می شتابد و واسطه میشود و از او میخواهد که ازکشت و کشتار یهودیان صرفنظر کند . امپراطور جدید ، خطاب به ربای چنین میگوید : «مگر درتورات شما نیامده است که نسبت به ادومی ها (اعقاب عساو) نفرت نورزید ، زیرا آن ها برادران شما هستند و نسبت به مصریها نفرت نورزید ، زیرا شما در سرزمین آنها غریبه بودید ؟ پس‌چرا قوم تو وقتی من ازآنها یاری خواستم این چنین با من خصمانه وبیرحمانه رفتار نمودند ؟ » ربای العازار به او پاسخ داد : « گرچه حق با تو است و این قوم قانون تورات را زیر پا گذاشته است ، با این وجود آنهارا عفوکن ! » پادشاه که‌یکمرتبه ربای العازار را بجا آورده ومهربانی و لطف او بخاطرش آمده بود ، با چهره‌ای بشاش ربای را درآغوش کشید و به او گفت : « بخاطر آنهمه انسانیت و شفقتی که تو در حق من‌روا داشتی ، همه قوم ترا می بخشم ! »

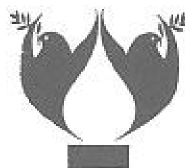
تورات گرچه دفاع ازخود را درمقابل دشمن جایز و ضروری دانسته ، امابارها وبارها کینه‌و نفرت و بخصوص انتقامجوئی را منع کرده وآنرا شایسته یک‌فرد یهودی ندانسته است . درتلمود آمده است که راز عمر طولانی اینست که هرگز با دلی‌پرکینه به خواب نرویم (تلمود ، MEGILLAH 28a) . الی ویزل ، بازمانده هولوکاست و نویسنده نامدار یهودی که بیش از ۳۶ کتاب درمورد هولوکاست ومطالب دیگر نگاشته است ، چنین میگوید : «انتقامجویی همیشه نشانه شکست است . دریک دنیای دیوانه ، ما باید عاقل وبا خرد باشیم ! »

جفابریم وملامت کشیم وخوش باشیم
که درطریقت ماکافری است رنجیدن

درون نگری و نیایش

آوینو ، ملکینو ، پروردگارا ،

بخشودن کسانی که به من یا نزدیکان من ضربه های جسمی ، مالی ، عاطفی و روحی زده‌اند فوق العاده مشکل میباشد . اما میدانم برای اینکه استحقاق بخشش ترا نسبت به خودم داشته باشم باید همگان را ببخشایم . به من یاری ده تا قدرت عفو را درخود بیابم . آمن .



چگونه الفبای گناهان تبدیل به غزل عشق میشود ؟

فیلسوف معاصر یهودی «مارتین بوبر ، که به گنجینه عرفان یهود فوق العاده عشق میورزید ، ازقول یکی ازعرفای یهود چنین نقل میکند : «گناهانی که انسان مرتکب میشود ، بزرگترین جرم او محسوب نمیشوند ، زیراکه‌وسوسه نفس بسیار قوی است و قدرت انسان اندک است . بزرگترین جرم انسان اینست که درهر لحظه امکان «تشووا» (بازگشت ازراه خطا) به او داده شده است ولی تشووا نمیکند ! » یهودیت به موقعیت جسمانی ، روانی ، و روحی انسان بسیار واقع بینانه مینگرد ، و از انسان توقع ندارد که فرشته باشد و هرگزخطا نکند . اما آنچه آئین یهود ناپسندوناروا می شمارد عدم‌آگاهی به گناهان و عدم علاقه به تشووا می باشد . برای تبدیل الفبای گناهان به غزلی عاشقانه ، در روز کیپور این سه قدم را باید برداریم :

قدم اول : شناسائی الفبای گناهان در لوح ضمیر خود :

اسارت و بردگی فکری و پیروی کورکورانه از دیگران .

بی بندوباری در لذت جویی و شهوت رانی.

پرچانگی و اتلاف وقت گرانبهای خود ودیگران .

تعصب و کور ذهنی .

ثروت جویی از روی حرص و آز و بت پرستی های مادی .

جاه طلبی و خود نمایی .

چاپلوسی وچرب زبانی.

حسادت و غبطه خوردن .

خشم و خشونت وپرخاشجویی .

دورویی ، دو رنگی و دروغپردازی .

ذوق به هنر و خلاقیت رادرخود ودیگران کشتن .

رقابت و چشم هم چشمی .

زخم‌زبان و نیش وکنایه زدن .

ژست گیری ، افاده ، تفاخر و نمایش مال ومنال وسایر دارایی های خود .

سوءظن و تهمت به دیگری .

شکایت مداوم اززندگی و حسرت گذشته هارا خوردن .

صدمه زدن به مال و جان و جسم وروح دیگران .

ضدیت و دشمنی با دیگری بخاطر اختلاف مرام و عقیده .

طفره رفتن ازپرورش دانش و خرد یهودیت در خود و اطرافیان .

ظاهر بینی و حفظ آبرو از طریق همرنگ جماعت شدن .

عوام فریبی ، عهد شکنی ، عیب جویی ، و عدم توازن در زندگی .

غیبت وشایعه پردازی .

فضولی و دخالت در زندگی خصوصی دیگران .

قدرت طلبی و بیعدالتی .

کش رفتن عقاید و ایده های دیگران و کلاهبرداریهای مالی .

گدامنشی و خساست .

لاقیدی و لاابالی گری درقبال بدبختیها و مصیبت های بشری و ظلم و ستم به جانداران دیگر .

مقایسه خود با دیگران و احساس برتری یا حقارت نمودن .

نا امیدی و ترس ازآینده و ندامت و احساس جرم بیش ازحد درمورد اشتباهات گذشته .

وقت نشناسی و تاخیر عمدی به مجالس بمنظور جلب توجه و احترام .

هرزگی عاطفی و هم نشینی با هرکس و ناکس صرفاً برای فرار از خود .

یکجانبه به قاضی رفتن .

قدم دوم : درون نگری و اقرار به خطاکاریهای فردی و اجتماعی و درخواست بخشش .

خالقا ،گر نیک وگر بد کرده‌ام

هرچه کردم باتن خود کرده‌ام

*****

عفوکن دون همتی های مرا

محوکن بی حرمتی های مرا

قدم سوم : الفبای عشق را جایگزین الفبای گناه نمودن از طریق اعمال ورفتار آگاهانه ، و عاشقانه زیستن در رابطه با همه هستی .

نعره‌زد عشق که خونین جگری پیداشد

حُسن لرزید که صاحب نظری پیدا شد

*****

فطرت آشفت که ازخاک جهان محجور

خودگری ، خود شکنی ، خود نگری پیداشد

خاتمه سخن

شالوم ! شالوم ! پس کو شالوم ؟!

پایداری معجزه آسای قوم یهود و نبوغ و خلاقیت خارق العاده این قوم ، بسیاری ازبزرگ مردان جهان چون گوته ، تولستوی ، بالزاک و مارک تواین را به تحسین وحیرت واداشته ، و در بسیاری دیگر از مردمان جهان احساس حسرت وحسادت و نفرت را برانگیخته است . اما برای خود ما یهودیان ، مراسم روز کیپور یادآور مسئولیت بی اندازه سنگینی می‌باشد که موقعیت روحانی خاص ما بر روی شانه های ما میگذارد . چه بخواهیم و چه نخواهیم ، پروردگار جهان و جهانیان با معیارهای اخلاقی و روحانی بالاتری به رفتار و اعمال ما مینگرند ، گویی از یهودیان توقع و انتظار بیشتری دارند . قومی که قرار است «عروس خداوند» ، «نمک جهان» ، «سمبل شخینا» و «نوری درمیان اقوام دیگر» باشد ، نمیتواند مثل سایر اقوام رفتار کند و مورد شماتت و تنبیه قرار نگیرد .

باهمه ارزشی که قوم یهود برای «شالوم» یعنی صلح و صفا قائل است ، خوب میدانیم که تاچه حد درتاریخ چهارهزار ساله خود از صلح و صفا بی بی بهره بوده است . یکی ازدلایل اینهمه زجر و مشقت و نا آرامی که قوم یهود «ایوب وار» ناچار به تحمل آن‌بوده است ، مسلماً تست و امتحان و گداخته شدن و به زر ناب تبدیل شدن است . چنانچه خداوند بارها وبارها درتورات بیان داشته است که : «من آنهارامانند نقره پالایش خواهم داد و مانند طلا محک خواهم زد.» (کتاب زکریا فصل ۱۳) .

بهر آنست امتحان نیک وبد

تابجوشد برسر آرد زر ز بد

یهودی بودن‌یعنی خود را آماده چنین مسئولیت خطیری و چنین پالایش و سوختن و گداختنی اعلام داشتن . برای یهودی بودن چنین مسئولیتی را پذیرفتن آدم‌باید قدری دیوانه باشد !

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه فال بنام من دیوانه زدند!

گرچه هروقت حرارت آتش ازطاقت ما فزون میگردد فریاد برمیاوریم که :

ازطلا گشتن پشیمان گشته‌ایم

مرحمت فرموده مارامس کنید !

اما ته قلبمان میدانیم‌که درپس اینهمه رنج و بلا گنجینه‌ای اسرار آمیز وبی همتا نهفته است که به تمام دردهای جهان می ارزد :

سخن رنج مگو ، جز سخن گنج مگو

سخن راه مگو وز سرانجام بگو

پیامبران ما با دلسوزی فراوان همیشه سعی براین داشته‌اند که رفتار و اعمالی راکه خداوند در «عروس» خود (قوم یهود) بهیچوجه نمی پسند و نمی پذیرد ، به یهودیان گوشزد کنند . گرچه سخنان تند وکوبنده آنها به مذاق ما هرگز خوش نیامده است ، بهتراست که دراین روز کیپور یکبار دیگر به ندای آنهاگوش فرا دهیم . درکتاب یرمیای نبی (فصل ۸ و ۹) پروردگار ازکج رویهای قوم یهود چنین شکایت میکند :

« هر رفیقی به دوست خود نارو میزند ، و هیچکدام حقیقت را نمی گویند . زبان هایشان را به دروغگویی عادت داده‌اند و خودشان را با خطا کاریهایشان تباه می سازند .... هریک با همسایه خود به ظاهر محترمانه سخن می‌گوید ، اما در باطن برای او نقشه پلید میکشد . آیا میشودکه من آنهارا برای این رفتار تنبیه نکنم ؟ » بزرگان و رهبران قوم نکوهشهای سخت تری نصیبشان میشود : «ازکوچکترین تا بزرگترین آنها فقط به فکر حرص و سود جویی هستند . ازپیامبر گرفته تاکاهن ، هرکدام‌با دروغ و نادرستی عمل میکنند . اینها بر جراحات قوم من مرهم بی ارزشی می نهند ، گویی چیزمهمی نیست ! اینها میگویند شالوم ! شالوم ! درحالیکه هیچ شالومی وجود ندارد ! »

گربگوئیم بیش ازاین در ره بسی
جمله درخوابید ، کو رهبر کسی؟

*****

هرکه را این حسرت و این درد نیست
خاک برفرقش که این کس مرد نیست !

شفقت و مهر و عشق عمیق خداوند نسبت به عروس خودش ، قوم یهود ، درصورتیکه تشوواکند و به سوی او باز گردد مکرراً در تورات بیان گشته است : «درآن روز شما به من «شوهر یا همسر» خطاب میکنید ، و دیگر هرگز مرا «رئیس یا سرور» نخواهید خواند ...... من شمارا برای همیشه به عقد خود درمی آورم ، عقدی براساس صداقت ، عدالت ، عشق وشفقت .» (هوسیا فصل ۲)

شرایط بازگشت قوم یهود به آغوش خداوند چنین مشخص شده : «روا مدارید که مرد خردمند به خرد خود ببالد . روا مدارید که مرد قدرتمند به قدرت خود ببالد . روا مدارید که مرد ثروتمند به ثروت خود ببالد . بلکه بگذارید افتخار سرافرازی از آن کسی باشد که مرا درک میکند و مرا میشناسد کسی که میداند من خداوند شفقت و عدالت و نیکوکاری می باشم و این چیزها است که مرا خوشنود میسازد !» (یرمیا ، فصل ۹) .

اگرچنانچه این سخنان را باد هوا نپنداریم و به شرایط مندرجه دراین کتوبای عقد الهی عمل نماییم ، ماشیح ، نجات دهنده جهان ، ازوصلت خداوند با عروسش ، قوم یهود ، زاییده خواهد شد ، وشالوم واقعی در سراسر جهان برقرار خواهد گشت . اگر ای ایسرائل ، به سوی من بازگردی .... «شالوم ، شالوم خواهد بود برهمه آنهاکه نزدیک اند و برهمه آنهاکه دوراند...... ومن همه را شفا خواهم داد .» (یشعیا ، فصل ۵۷) .

درشب تعریس پیش آن عروس
یافت جان ایشان دستبوس

*****

عشق وجان هردونهانند وستیر
گرعروسش خوانده‌ام عیبی مگیر

تعنیت تان قبول باشد.



کلاسهای آشنایی مقدماتی

باکبالا

«عرفان یهود وبازشناسی انسان والا»

توسط

دکتر میترا مقبوله

باهتمام

«سازمان سیامک»

نیمه دوم ماه اکتبر ۱۹۹۳

برای آگاهی بیشتر

۸۱۸-۵۰۳-۱۲۷۰



از : ربای اباهیلل سیلور
کتاب قلبها وافکار مدرن

پا به پای اوراهام

درشبهای خلوت **اوراهام** کنارش ایستادم
وسرنوشت قومم رادرستاره ها خواندم

با **اسحق** بودم ، زمانی که قربانگاه را ساخت
زمانی که ایمان و ایثارش دربوته آزمایش قرار گرفت

درکنار **یعقوب** بودم
وقتی سراسر شب رابا فرشته نومیدی کشتی گرفت
وسحرگاه برکت را ازاو به غنیمت گرفت

با **یوسف** رویای خوشه ها و ستارگان را دیدم
و پله کانهای بین قعر دخمه سیاه تا تخت فرمانروائی را باهم پیمودیم

درکنار **مشه** این شاهزاده بیگانه درمیان مردمی اجنبی بودم
وسربلند دربرابر چشم‌انداز صحرادرکنارش ایستادم
وازمیان آتش ، ندایی که او رابرای خدمت می خواند ، شنیدم

در **سینا** بودم وآنجا میثاق جاودانی
بین مردمم وخدایش رابستم
درتمام طول راه بیابان خشک تاسرزمین موعود را
با آنها رنج کشیدم و گرسنگی را تجربه کردم

با **جاشوا** در**جریکو**
وبا **دبورا** درکنار آبهای **مگیدو** بودم
وقتی ستارگان درمسیر خود برعلیه **سیسرا** جنگیدند

درکنار عذاب و تقلای **سامسون** نابینا ایستادم
خروش شجاعت نومیدانه و ناگزیرش را شنیدم
وقتی که ستونهارابرسر فلسطینیان خراب کرد

شنیدم زمانی که **شموئیل** ، مردمش راموعظه میکرد ، که آزاد بمانند
و خدا را به بردگی یک پادشاه نفروشند

به چنگ **داوود** گوش فرا دادم
و تکریمش در برابر خشم ناتان ،
پیش ازآنکه حقیقت دربرابر بهتان آشکار شود را، دیدم

صدای **سلیمان** رادرمعبد شنیدم
روزی که آن را خانه نیایش **همه مردمان** نامید
و از او یاد گرفتم
خدایی که بهشتها وتمامی کائناتش نمی توانند گوشه‌ای از عظمتش باشند
باران رحم و شفقتش برهمه یکسان میبارد
حتی غریبه‌ای که از سرزمینهای بسیار دور میاید

با **پیامبران** بودم
زمانی که بنیاد دنیاهای قدیمی را برانداختند
و طرح دنیای نو را درانداختند

طغیانشان را برعلیه بی عدالتی شنیدم
وباشفقت آنان بخاطر ضعفا گرم شدم
ازآنها آموختم که شعله‌های سرکش و سوزان بطن روح یک فرد
برای یک خدا فرمان انجام نشده ، چگونه می سوزاند

بامردمم درکنار **رود بابل** بودم
وسوگندشان را شنیدم :
اگر ترا فراموش کنم ، ای اورشلیم

درکنیساهای موقتی بابل وارد شدم
درآنجا آموختم ، نیایش وآموزش می تواند هم ارزش
قربانی کردن کاهنان معبد باشد
یا نوای سرود لوی ها

با آنان ، ازاسارت برگشتم
ودیدم‌چگونه مردمی ، برخرابه ها ، آبادی بنا می کند
کنار **خردمندان وکاتبین** نشستم
که صبورانه دنیای خدا راتعبیر می کردند
و آرام ، **تورای شفاهی** را شکل دادند

ازمیان کوههای **یهودا** ،
درکنار پسران شیردل **متیتا** عبور کردم
ودیدم **معجزه** یک کوزه روغن
که معبد خدا را روشنی بخشید

با**هیلل** بودم
زمانی که تمامی تورا رادریک فرمان خلاصه کرد
که «همسایه‌ات راچون خودت دوست بدار»

با **اکیبا** بودم

زمانی که انقلابی را الهام بخشید
و یک امپراطوری را به مبارزه طلبید
و شهید شد

بامردمم - سرگردان سرزمینهای زیادی شدم
جایی که **صلیب** یا **هلال** حکومت میکرد
با آنان تمام شاهراههای جهان را پیمودم

با آنان بودم زمانی که پیاله های تلخ درد ،
تحقیر ، ظلم و نفرت را نوشیدند
دیدم که چگونه درمیان فوج دیوانگی ها ، عاقل ماندند
دیدم چگونه درمیان انبوه وحشیگری ها متمدن ماندند
دیدم که درمیان تاریکی ، شمع میافروزند

سرانجام دیدم‌که پرده شب دمید و سحر نمودار شد
و با آنها دست افشان و پای کوبان بسوی دنیای جدیدی
تبرک یافته ازآزادی و آزادی خواهی رژه رفتم
دیدم‌که زنجیرهاراازدست وپای خودشان فرومیریزند
تابش قلبها وافکارآزادشده‌شان رادیدم
دیدم که هرسرزمینی که به آنها فرصت داد را غنی ترساختند

با آنها بودم وقتی قدم به جزیره **ELLIS** نهادند
و عاشق سرزمینی شدم که پشتیبان آزادی است

بازشب را دیدم‌که دوباره سر بلند می کند
دیدم چنان رنج میبرند که هیچ ملتی تابحال چنین رنج نکشیده است
دیدم سوزانده میشوند وباگاز مسموم میشوند وزیر شکنجه زجرمی کشند

پس ازآن دیدمشان که عنقاواردرسرزمین قدیمی سربلند کردند
دیدمشان که زندگانی جدیدی را
برمبنای تعالیم باستانی عدالت و گذشت ، پی ریختند

دیدمشان که دربیابانها نهال هایشان را میکارند
ونظاره گرشان بودم که صحرا راشکوفان کردند

جنگ شش روزه رادرکنارشان بودم
درکنارشان بودم زمانی که کشور ذیقیمت ، سخت بدست آمده‌شان درخطربود
بالرزیدنشان ، لرزیدم و بادست افشانیشان ، دست افشاندم
درکنار**دیوار** بودم ، **درسینابودم** ودر**بلندیهای گولان**

حالا بایستی ترکشان کنم ؟
آیا می توانم ازاین گروه فناناپذیری که عاشقشان هستم جداشوم ؟
خیلی برایم عزیز وقیمتی‌اند

استخوان های شان ، استخوان هایم هستند
گوشت پیکرم
و روح روانم

قوم منند
آرمانشان ، آرمان من است

درمن زندگی میکنند
و با آنها زندگی خواهم‌کرد

تا ابد

از : ربای ناخمان برتسلاو
کتاب : «تمنیات»

صلح و ترحم

آیا روزی را می بینیم که جنگ وخونریزی پایان یابد
وقتی که صلح بزرگ واعجاب انگیز دنیا را دربر بگیرد
وقتی که یک ملت ، دیگری را تهدید نکند
وما دیگر جنگ راتجربه نکنیم

خداوندا ما رابه صلح متبرک گردان

وقتی سربازان در دوردست در تعقیب یکدیگرند
ماحرص دارایی داریم و در تعقیب سودیم
ملتها در اوج سرمستی جان مردان جوان رابرباد میدهند
حتی **اوراهام** را متوقف کردند و پسرش را قربانی نکرد

پروردگارا کمکمان کن طالب صلح باشیم و بدستش بیاوریم

کودکان گرسنه ، روحمان را از گرسنگی می کشند
کودکان برهنه ، عریانی مارا به نمایش میگذارند
کودکان مثله شده ، امید مارا مثله میکنند
وما درغم والدینشان پست می شویم

شفا ببخش ، خداوندا ـ کمکمان کن به سوی هم روی بیاوریم

مگذار باگرسنگی و ظلم از در آشتی درآئیم
مگذار با نفرت وترس آشتی کنیم
بگذار عشق و عدالت چونان نهری پر قدرت به جریان درآید
بگذار صلح ، دنیا را چون آبهاکه دریا راپر میکنند ، عالم راپرنماید
نفرین و لعنت سال گذشته پایان یابد
و برکت و خجستگی سال نو آغاز گردد

آمن

از : ربای هارولد شول وایز
مقالات : درآینه خدا ـ انعکاسها ونوشتارها

هرگز دیر نیست

آخرین حرف هنوز زده نشده
آخرین جمله هنوز نوشته نشده
آخرین حکم هنوز صادر نشده

هرگز دیرنیست

که فکرم راتغییربدهم یا راهم را عوض کنم
به گذشته بگویم نه به آینده بگویم آری
اظهار ندامت کنم بخشش بطلبم و ببخشم

هرگز دیر نیست

که از نو شروع کنم دوباره احساس داشته باشم عشق بورزم وامیدوارباشم

هرگز دیرنیست

که برناامیدی غلبه کنم غمم را به تصمیم و درد را به اراده تبدیل سازم

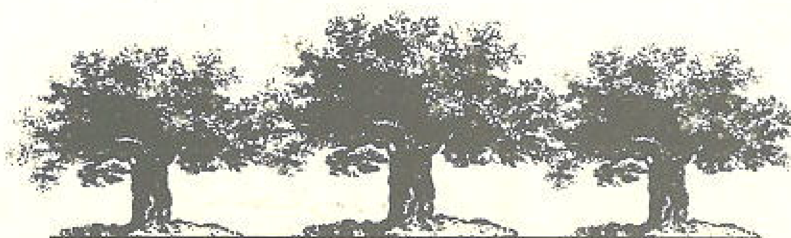
هرگز دیر نیست

که دنیایم راتغییر بدهم نه با شعبده بازی و ورد وجادو نه باتردستی دروق بازی ویاتعبیرستاره‌ها
بلکه با نیروهای شفابخشی که درمن دفن شده‌اند
با انرژیهای پنهان شده بانیروهای درون خودم
دربیماری و در مردن

هرگز دیرنیست

زندگی را یاد میدهم
مردن را یاد میدهم

چگونه با درد وترس روبروشدن را یاد میدهم
دیگران تماشایم میکنند ـ بچه ها ـ بزرگسالان ـ دانشجویان زندگی و مرگ
از تحمل من ـ وضع من و فکرمن یاد میگیرند



از : ماکس اهرمان
درآرزوی خوشبختی

شاید فردا

باز هوا بارونیه
تو خونه ، واسه کمبودهای زندگی - دارم فکر میکنم
تو رقابت های زندگی ، آدم - خودخواه ونامهربون میشه
میبایس کاری کنم کارستون
نمیشه آدمهای زیادی رو عوض کنم
اگه حتی یکی رو عوض کنم غنیمته
میبایس از کسی که از همه بهم نزدیکتره شروع کنم
خودمو عوض کنم
وقتی بارون میاد و توی اتاق کز میکنی
هوس کاری واسه کمبودهای زندگی کردن میزنه توی سرت
بذا فکرکنم - چطوری آروم و دلسوزتر و مهربون بشم ؟
انگا بارون قطع شد
بزنم ازخونه بیرون
چند تاتیر از تو کمون پرت بکنم
برای عوض شدن حوصله‌ای نیست امروز
باشه فردا
اگه بارونی نبود
ونبایس توی خونه کز بکنم و واسه کمبودهای زندگی باز تو فکر برم

مصاحبه‌ای داریم با آقای ژاکوب عبریانی
که عکس روی جلد این شماره از این نقاش برجسته یهودی میباشد .

س . آقای عبریانی پایه های فکری شما راچه کسانی ریخته‌اند و خود را مدیون کی میدانید ؟

ج . پایه من در دبستان و دبیرستانی گذاشته شد که استادانی چون حاخام اوریل ، جناب آقای رحمان پور و آقای زرگری و مرحوم آقای اسحق لاله‌زاری و بسیاری از استادان زحمتکش و دلسوز چون



راب لوی ، انجمن ها و کانون هایی چون آلیانس و JOINT که هنوز فعالند ۳۳ سال پس ازفارغ التحصیل‌شدن ازدوره اول دبیرستان تمام کسانی که درکارشان موفق شدند و باعث افتخار جامعه امروز ما هستند خوب میدانند موفقیت خود را مدیون چه کسانی هستند چقدر باعث افتخار من است که دربین جامعه‌ای زندگی میکنم که افتخار آفرینند .

س . درمورد کار هنری چی ؟

ج . زمانی‌که من دوران اول دبیرستانی را میگذراندم تشویق های استادانی مثل جناب آقای اسحق مرغزار که یکی از خوشنویسان جامعه امروزما هستند و استادانی‌چون آقای رافائل نوریل از نقاشان شناخته شده مقیم لندن که سالهای بسیاری از عمر خویش را برای پرورش ذوق هنری و روح و احساس من دریغ نکردند .

کسانی که ما مدیون آنها هستیم میدانند که فراموششان نمی کنم .

س . برای نسل جوانتر چه نظری دارید ؟

ج . و اما امروز که فرزندان ما درجامعه‌ای زندگی می کنند که اولیای

آنها بسیار نگران آینده آنها هستند ، فرزندانی که استعدادهای آنها نهفته مانده در تمدنی که هر لحظه خطر ریزش و شکست روحی آنها را تهدید میکنند من با جرأت انگشت خود را بسوی کسانی که گرفتار و درگیر مشکلات زندگی آمریکایی هستند نشانه می گیرم ، چیزی که ازشما باقی میماند همان فرزندان موفق ونا موفق شما هستند. ومیدانیدکه شما بتنهایی نمیتوانید کمکی شایسته برای فرزندان خویش باشید اما بصورت گروهی و کانونی با مرکزیت صحیح نه فقط موفق خواهید شد بلکه سرمشق خوبی برای جامعه پس فردای شما خواهد شد .

من ۱۵ ساله بودم که دریکی از همین کانونهای تربیتی وآموزشی اولین کار هنری را بنمایش گذاشتم .کانونی که جای محکمی برای جوانان جستجوگر بود . خوشبختانه تب تلویزیون درآن موقع وجود نداشت ولی متاسفانه دراین‌زمان نه فقط وجود دارد بلکه ازاین کانونها کمیابند .

س . چه پیشنهادی دراین مورد دارید ؟

ج . هدف وآرزوی من آن است که افراد موفق جامعه ما بامن دست بدست بدهند تا بتوانم بکمک آنها کانونی راکه برای جوانان و نوجوانان درسر میپرورانم براه انداخته و باعث کشف و رشد هنرها و استعداد های نهفته آنها باشیم .کانونی که در محیط آزاد آنها حرفهای خودشان را زده و به ابتکارات کارهای جدید بپردازند

س . کار این کانون فقط محدود به نقاشی خواهد بود ؟

ج . دراین کانون کسانی که علاقمند به همکاری هستند میتوانند برای کلاسهای تقویتی ورود به دانشگاه و کلاسهای تقویتی کلاسهای متوسطه :

کلاسهای هنری ، علمی ، ورزش های علمی و فکری ، فیزیکی ، مسافرتهای آموزشی ، پیش آهنگی ، تاتر ، موسیقی ، نقاشی ، فیلمبرداری و به صحنه آوردن آنها .

دربرنامه تلویزیونی جوانان خودشان برنامه‌های سرگرم کننده و هشدار دهنده با سرپرستی استادان و علاقمندان دلسوز همکاری کنند .

چشم انداز با تشکر ازوقتی که بما دادید . جامعه ما به افرادی هنرمند و دلسوز چون شما افتخار میکند .

از : جوئیش تایمز
برگردان : سونیا فریور

شرح حال خانم روت بیدر گینزبرگ (RUTH BADER GINSBURG)



اولین خانم یهودی که به سمت قاضی کل دیوان عالی رسیده است . درسال ۱۹۸۱ خانم گینزبرگ در باره مشقتهایی که جهت پیداکردن کار پس ازفارغ التحصیلی او درسال ۱۹۵۴ از دانشکده حقوق می نویسد . «باوجود اینکه ازشاگردان برجسته کلاس بشمار میرفتم بعداز فارغ التحصیلی از اکثر دفاتر حقوقی تقاضای کار کردم و متاسفانه قادر به اخذ پیشنهاد کار از هیچکدام از دفاتر حقوقی نشدم بدلیل اینکه زن یهودی ومادر بودن غیرقابل قبول بود » درعین حال یهودی بودن برای خانم گینزبرگ بسیار مهم بوده است .

به گفته پیروان خانم گینزبرگ او تجربه‌زندگی یک انسان را به دیوان عالی خواهد آورد که درزندگی طعم تلخ لطمه های کاری را چشیده است . اوکاندیدای بسیار خوبی است برای دیوان عالی زیرا که سابقه او نشان میدهد که حقوق افراد یهودی و زنان در زندگی حرفه‌ای او بسیار مهم بوده است حدود ۲۵ سال از استعفای آقای فورتزآخرین فرد یهودی دیوان دادگستری میگذرد وخانم گینزبرگ اولین زن یهودی میباشد که به این مقام رسیده است .او ۶۰ سال دارد . زاده شهر نیویورک است . درسال ۱۹۸۰ ازطرف کارتر رئیس‌جمهور وقت به درجه قاضی عالی شهر واشنگتن انتخاب شد او دوره کالج را دردانشگاه یئل تمام کردو پس ازآن به دانشگاه هاروارد برای ادامه تحصیل دررشته حقوق رفت . او از اولین کسانی است که ازحقوق زنان از طریق قانون دفاع کرده است . رابطه او با موسسه های یهودی ازطریق حرفه او بوده است . او درکمیته قضات یهودی درسطح آمریکا و همچنین در سطح بین المللی فعال بوده است . درسال ۱۹۷۰ در سمینارهائی که درمورد مقایسه قوانین مذهبی اسرائیل و قوانین حقوقی آمریکا در اسرائیل تشکیل شد شرکت کرد .

خانم گینزبرگ و شوهرش آقای دیوید گینزبرگ که از وکلای برجسته واشنگتن میباشد هیچکدام مذهبی نمی باشند .

دراوایل کار حقوقی‌اش خانم گینزبرگ تبعیض نژادی برضد یهودیان و زنان را از نقطه نظر حقوقی باهم مقایسه میکند . به دلیل فعالیتهای او بنفع زنان و یهودیان او فرد فوق العاده موثری در دیوان

عالی برای این هردو گروه خواهد بود .

درسمت خود بعنوان قاضی عالی شهر واشنگتن او شهرت بسیار خوبی به عنوان یک قاضی باهوش ، تیزبین و درعین حال میانه‌رو بدست آورد . درسال ۱۹۸۴ درمورد پرونده معروفی که درآن نیروی هوایی آمریکا اجازه برسر گذاشتن کیپا (KIPPAH) به یکی ازافسران یهودی را نداده بود به این عنوان‌که کیپا با نظم نیروی هوایی مغایرت دارد خانم گینزبرگ در دادگاه شرکت کرده شدیداً با نیروی هوایی مخالفت نمود .

همچنین درمورد محکومیت جاسوسی آقای پولارد برای کشور اسرائیل که درسال ۱۹۹۱ در دادگاه مطرح بود ، خانم گینزبرگ تقاضای بیگناهی پولارد را رد کرد این پرونده در روزدوم روش هشانا در دادگاه بررسی شد و بسیاری از وکلای یهودی این کشور خانم گینزبرگ را بخاطر کارکردن در روز روش هشانا مورد انتقاد قرار دادند .

اعتقاد براین است که خانم گینزبرگ تاحدی میتواند بُعد مذهبی به دیوان عالی اضافه کند واین امر به تمام اقلیت های مذهبی کمک خواهد کرد . اونه تنها دریک خانواده یهودی بزرگ شده بلکه دارای فعالیتهای حرفه‌ای مذهبی زیادی نیز میباشد .

تعداد بسیاری ازگروههای یهودی از انتخاب خانم گینزبرگ ابراز خوشنودی‌کرده‌اند او درحالیکه موافق حق انتخاب زن درمورد سقط جنین است ، ابراز نگرانی درکاملا آزاد گذاشتن این مسئله نیز میکند

سناتور BOB DOLE ، سناتور جمهوریخواه پرنفوذ و معروف کانزاس میگوید خانم گینزبرگ تجربه و سواد فوق العاده لازم برای دیوان عالی را دربر دارد .

ازسال ۱۹۱۶ تا سال ۱۹۶۴ در دیوان عالی حداقل یک‌قاضی یهودی داشته است . خانم گینزبرگ «صندلی» یهودی راکه درعرض ۲۴ سال گذشته خالی بوده ، پرخواهد کرد .

قضات یهودی در دیوان عالی به ترتیب عبارتند از :

۱ - قاضی BRANDEIS سال ۱۹۳۹ - ۱۹۱۶ که از رهبران صیونیست امریکایی بود تا وقتی که رئیس جمهوروقت آقای ویلسون اورا برای دیوان عالی انتخاب کرد .

۲ - قاضی CARDOZA سال ۱۹۳۸ - ۱۹۳۲ یک‌آزادی خواه که تاهنگام مرگش در دیوان عالی فعالیت کرد .

۳ - قاضی فرانکفورتر سال ۱۹۶۲ - ۱۹۳۹ از رهبران صیونیست بود تا وقتی که به این سمت انتخاب شد . جالب اینکه خانم گینزبرگ در دوره کار او درسال ۱۹۳۹ ازآقای فرانکفورتر تقاضای کار کرده بود و او درجواب گفته بود «من هنوز آمادگی استخدام یک‌زن را ندارم» !

۴ - قاضی GOLDBERG سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۲ قاضی حقوق کارگران بود تا وقتی که جان کندی رئیس‌جمهور وقت اورا دعوت به دیوان عالی کرد .

۵ - قاضی FORTAS سال ۱۹۶۹ - ۱۹۶۵ اوسه سال در دیوان عالی فعالیت کرد و بعد ازآن بدلیل مخالفت جمهوری خواهان ریاست دیوان عالی را نپذیرفت . او بعد ازسه سال بعلت تهمت رفتار غیر شرعی ازدیوان استعفا کرد .

یادگار و خاطرات فرهنگ یهودیت را باخودش حمل نمیکند ، ازبین خواهد رفت . انسان نمیتواند یک یهودی واقعی باشد تازمانیکه نداند معنای یهودیت چیست .»

الی ویزل صحبتش را با اشاره به عدم تکذیب خویش ازروش اسرائیل به پایان میرساند . او میگوید که «**من حق انتقاد از دولت اسرائیل را ندارم و نمیتوانم به آنها بگویم که چه بایدبکنند . من تمام دینی که نسبت به مردم یهودی جهان دارم همانطور نسبت به مملکت اسرائیل هم دارم . اگرچه درآنجا زندگی نمیکنم ولی نسبت به آن وظایفی دارم** حتی اگر با برخی روش هایش موافق نباشم . من درمورد تماس و گوشزد به رهبران اسرائیل راه خودم را دارم ولی البته این مطلبی نیست که صلاح باشدآنرا در روزنامه نیویورک تایمز منتشرکنم .»

٭ یادداشت مترجم :

با خواندن کتاب NIGHT

سئوالات من درمورد چگونگی طرز فکر یهودیان اروپایی و ناباوری هایشان که به امکان انجام این اتفاق هولناک تاریخی کمک کرده ، بوضوح جواب داده شد . خواندن این کتاب را به آنها که مایلند با وقایع هالاکاست ، ازدیدگاه قربانیان آن آشنا شوند ، قویاً توصیه میکنم .

نینا مرادی

هالوکاست را بیادم بیاور

هالوکاست رابیادم بیاور، نترس که پریشانم‌کنی وقلبم را بشکنی - بگذار شجاعت باور حقیقت را داشته باشم . عمق فاجعه فراموشی نمی طلبد . یاد گذشته‌ای کهنه و دور نیست ، رد آتش گرفتن من و توست ، غم عجین شدن استخوان من و کودک بی گناه من است که درآغوش هم سوخته و جان داده بودیم و جدائی پذیر نشدیم . درد دوری ازیارانی است که لحظه‌ای بعد از ترک آنها دودشان را درآسمان میدیدیم ، مگذار باورکنم بخاطر مهر و عاطفه بود که به آسمان میرفت تا هرگز چهره پاکش را به ماتمکده زمین برنگرداند . بگو دود غلیظ و تیره خودخواهی و ناجوانمردی بود که میرفت تا برای همیشه محو ونابود شود . از هالوکاست حرف بزن ... دیوانه‌ام مپندار ، از مشتهای گره کرده‌ام پیروی مکن - آنهارا برای ضربه‌زدن انتقام بهم نمی فشارم درپنجه های بسته‌ام خاکسترم را پنهان کرده‌ام - خاکستر تو آشنا را و همه آنهایی راکه عاشقانه می پرستیدم ، میخواهم گرمی ذرات وجودتان را حس کنم و با باوری عمیق بگوییم مابرگشته‌ایم - برگشته‌ایم تا از برق خانمانسوز نفرت گشتاپو حرف بزنیم . برگشته‌ایم تا یاد تلخ روزهای تیره‌ای راکه در آشویتس بما گذشت بازگو کنیم و شاید آرام بگیریم . برگشته‌ایم تا یاد مردان بزرگی راکه معجزه وکار نجات یافته و انسانیت را ازیاد نبرده‌اند ، گرامی بداریم . یاد الی ویزل را با جایزه صلح جهانی . یاد دکتر ویکتورفرانکل راکه بعد ازآزادی میرنجید حتی اگر همراهش سبزه‌ای را لگد میکرد که می دانست خود ما هم سبزه‌ای بیش نیستیم ، مردی راکه میگوید غم‌من بیداد افسر نازی نبود ، ظلم همکیشی بود که برادر را زیر پا میگذاشت و شادیم رویای رهایی نبود ، مهربانی زندانبانی بود که خدای خود را در نگاهش می دیدم . مردی راکه میگوید در دنیا دو نژاد بیشتر وجود ندارد ، نژاد زرد وسرخ و سفید و سیاه افسانه‌ای بیش نیست ، دردنیا دو نژاد وجود دارد - نژادی که عشق را باور میکند و نژادی که با نفرت زنده است ، ازهالوکاست حرف بزن و بگذار تا درنهایت خشم و نفرت تا بقیمت آتش گرفتن همه وجودم عشق را برگزینم . از هالوکاست حرف بزن.........

از : شکوه درویش

زنان یهودی بسیاری از مراسم مذهبی را با آنکه قانوناً اجازه اجرایشان را دارند ، عملا انجام نمیدهند مثلا اگرچه قانون یهودیت در تئوری اجازه ذبح مذهبی (شحیتا) را به زن میدهد ولی برحسب سنت این یک شغل مردانه میباشد . وزنهارا ازداشتن این شغل منصرف کرده‌اند . این سنت درمورد ختنه کردن توسط زنها نیز صدق میکند . قوانین یهودی به یک‌زن یهودی اجازه میدهد ، بعنوان یک MOHEL عمل کند . (موهل کسی است که عمل ختنه را انجام میدهد) . سنت آنرا یک شغل صحیح زنانه نمیداند برای اینکه ممکن است به احساسات جامعه توهین شود . باوجود اینکه در دوران اولیه یهودیت (سفرخروج ۲۵ : ۴) ، **سپورا** زن حضرت موسی پسر خود راختنه کرد .

چرا درموقع گفتن دعابرای بهبودی مریض اسم مادربجای اسم پدرگفته میشود ؟

طبق قانون هر شخصی بوسیله اسم پدر شناسایی میشود . «اسم اول پسر» بعد اسم اول پدر» یا «اسم اول دختر ، بعد اسم اول پدر» . گفته میشود بدین نحو شخصی که به خواندن تورا دعوت میشود ، مشخص میگردد . به همین ترتیب اسامی عروس و داماد در قرارداد ازدواج (کتوبا) نوشته میشود فقط در مواقع مریضی موقعی که دعا برای بهبودی گفته میشود ، هویت اشخاص به نوع دیگری عنوان می شود . درآن موقع برای هر شخصی اسم اول او و سپس اسم اول مادر گفته میشود . استفاده ازاسم اول مادر در زمان بیماری در عصر تلمود نیزرایج بود . درقرن چهارم ، دانشمند تلمود ABAYE **ابایه** میگوید «مادرم بمن گفته که تمام دعاهای بهبودی باید شامل اسم مادر باشد» .

زوهر درقسمت تورا (آفرینش ۱۷ : ۱۲) یک نکته مشابه دارد که میگوید در تمام درخواستهای ماوراء طبیعت باید از اسم مادر استفاده شود .

برای توجیه توراثی استفاده ازنام مادر ، علما اشاره به این آیه دارند که «من بنده تو هستم پسر **مستخدمه** تو هستم ..... تو مرا از اسارت نجات دادی (مزامیر داود ۱۶ : ۱۱۶) » .

استنباط از لغت مستخدمه دراین آیه این است که درمواقع اضطراری وقتی کسی دعا برای نجات میخواند باید از اسم مادر بجای اسم پدر استفاده شود .

از : رسانه های پزشکی
گردآوری : دکترنیسان بامداد

«تازه های پزشکی»

داروی جـــدید بـــرای کـنترل بیمـاری صـرع (EPILEPSY)

اخیراً سازمان FDA دارویی را بنام FELBAMATE تصویب کرد که برای کنترل حمله های صرع مفید میباشد . ۲/۵ میلیون آمریکایی از این بیماری رنج میبرند و اختلالات عصبی درآنها باعث بروز حمله‌های غش میشود . دربیش از نیمی ازاین عده بامصرف دارو حمله های غش تحت کنترل درمی‌آید ولی در ۷۵۰ هزار نفر از بیماران کنترل حمله های غش با داروهای معمولی میسر نمیباشد .

FELBAMATE داروی ساخته شده جدید برای آن دسته که تاکنون حمله های غش درآنها قابل کنترل نبود آینده بهتری را پیش بینی میکند . این دارو توسط کارخانجات داروسازی WALLACE درنیوجرسی ساخته میشود و بصورت قرص یا مایع وجود دارد که برپایه گزارش FDA داروی موثری میباشد .

در ۱۵ سال گذشته این اولین دارویی است که برای کنترل حمله های غش در بیماری صرع ساخته شده است .

افسردگی یا DEPRESSION

علت افسردگی بهم خوردن تعادل بیوشیمی درمغز میباشد که با تجویز داروهای مخصوص برطرف میشود . درحدود ۸۰ درصد بیماران مبتلا به افسردگی با مصرف دارو در عرض چند هفته بهبودی نسبی می یابند . هرشخصی در اثر اتفاقات روزمره ممکن است افسردگی پیدا کند ولی بعد ازبرطرف شدن عامل افسردگی این ناراحتی برطرف میشود ولی دراشخاص مبتلا به افسردگی این ناراحتی بصورت مزمن ودائمی درمیاید و بدون هیچگونه علت و یا بروز حادثه‌ای افسرده میباشند .

زنها دوبرابر مردها افسردگی پیدا میکنند ولی موارد خودکشی

درزنها کمتراست . شاید بعلت اینکه زنها مشکلات خود را با دیگران درمیان میگذارند ولی مردها کمتر این کار را میکنند .

ارتباط کلسترول و انواع بادام ها

خوردن گردو وبادام و انواع پسته ها ممکن است میزان کلسترول خون راپایین بیاورد . مطالعات تازه‌ای که درکالیفرنیا انجام شده‌است به این نتیجه رسیده است که گردو وبادام های مختلف (NUTS) اگر بطور منظم خورده شود میزان کلسترول خون راپایین آورده و تاحد زیادی ازاین راه از بیماریهای قلبی جلوگیری میکند . نتیجه این مطالعات در نشریه نیوانگلند جورنال منتشر شده است .
مطالعه روی ۳۱۲۰۸ نفر ازگروه ادونتیست ها انجام شده است . روی برنامه غذایی این گروه طبق پرسشنامه‌ای که بعمل آمده است ۶۵ نوع غذای مصرفی مورد مطالعه قرار گرفته است . باکمال تعجب نتیجه این مطالعات نشان داده است که آنهایی که حداقل ۵ دفعه درهفته گردو یا بادام هارا مصرف کرده‌اند ۵۰ درصد کمتر به بیماریهای کشنده قلبی مبتلا شده‌اند . وآنهایی که فقط هفته‌ای یک دفعه از این تنقلات مصرف کرده‌اند تعداد مرگ و میرشان ازبیماریهای قلبی دوبرابر دسته‌ای بوده‌است که هفته‌ای ۵ دفعه این مواد را خورده‌اند .
مطالعه بالا دانشمندان را تشویق کرد که به تجسس خود ادامه دهند برای این کار ۱۸ نفر شخص سالم را انتخاب کرده و دو نوع رژیم غذایی را به آنها اختصاص دادند که برای مدت دوماه با دقت ادامه دهند . به یک گروه یک‌رژیم‌معمولی غذایی با مقدار کلسترول پایین اختصاص داده شد و به دسته دیگر یک رژیم غذایی که از لحاظ ارزش غذایی مشابه گروه اول بود ولی ۲۰ درصد کالری حاصله از مصرف سه اونس گردو در روز بدست می‌آورد .
نتیجه مطالعات بشرح زیر بود :
درگروهی که با غذای خودگردو مصرف نکرده بود میزان کلسترول خون فقط ۶ درصد پایین آمد . و وقتی این گروه از رژیم غذایی با گردو استفاده کرد میزان کلسترول ۱۲ درصد کاهش یافت . درکلیه کسانی که ازرژیم غذایی سه اونس گردو در روز استفاده کرده بودند کلسترول خون از ۱۸۲ به ۱۶۰ پایین افتاد .
تاکنون‌روش اثر گردوها درپایین افتادن کلسترول خون معلوم نشده است .

آب مروارید یاکاتاراکت

قسمت رنگی چشم که دراشخاص به رنگ های مختلف سیاه ، خرمایی ، آبی یا سبز می باشد قرنیه نامیده میشود . درپشت مرکز قرنیه سوراخی وجود دارد که کار دیافراگم را انجام میدهد و آنرا عنبیه می نامند . در پشت عنبیه ، عدسی چشم قرار دارد که شفاف بوده و تصویر اجسام را به ته چشم منعکس نموده و شبکیه که صفحه حساس چشم می باشد تصویر را از راه عصب چشمی به مغز میرساند و ما جسم را می بینیم .
عدسی درکپسولی شفاف جا دارد . با بالا رفتن سن ممکن است عدسی شفافیت خود را از دست بدهد و درقسمتی یا تماماً تیره شود این عارضه را آب مروارید یاکاتاراکت مینامند . کهن سالان بین سن ۶۵ و ۷۵ سالگی ۵۰ درصد شانس عارضه کاتاراکت دارند و وقتی سن به ۷۵ یا بالاتر برسد ۷۰ درصد شانس این عارضه وجوددارد .
درابتدای این عارضه خود شخص ممکن است هیچگونه اختلالی دردید ملاحظه نکند ولی پزشک متخصص چشم به آسانی عارضه را تشخیص میدهد .
کورشدن عدسی چشم ممکن است محدود بماند و پیشرفت نکند و شخص زندگی وکار عادی خود رادنبال کند . ولی اگر کورشدن عدسی پیشرفت کند و قسمت زیادی از عدسی و بخصوص مرکز آنرا فراگیرد شخص رفته رفته اختلالی در دید خود و تشخیص رنگ ملاحظه میکند . دراشخاصی که کارهای بسیار دقیق اجراء میکنند مثل ساعت سازها و نقاشها این اختلال ایجاب میکند که کاتاراکت زودتر عمل شود .
درمان کاتاراکت : فقط یک‌راه حل وجود دارد و آنهم جراحی است . باپیشرفت علم پزشکی عمل کاتاراکت بصورت یک عمل عادی درآمده است و مراکزی وجود دارد که کارشان فقط عمل کردن‌کاتاراکت است . اگر کاتاراکت عمل نشود و یا دیرتر عمل شود هیچ عارضه‌ای بوجودنمی‌آید بهمین دلیل صاحب نظران چشم‌پزشکی توصیه میکنند که کاتاراکت فقط موقعی عمل شود که شخص قادر نباشد کار وزندگی عادی خود رادنبال کند یعنی اختلال دید بقدری شدید باشد که درکیفیت کار وزندگی شخص اثر

نامطلوب بگذارد .

دراشخاصی که مبتلا به گلوکوم میباشند توصیه میشود که حتماً کاتاراکت عمل شود . چه وجود کاتاراکت مانع میشود که ته چشم شخص بوسیله پزشک به راحتی معاینه شود . ولی در اشخاصی که عارضه‌ای درته چشم ندارند عمل کاتاراکت موکول میشود به درخواست خود شخص .

عمل کاتاراکت ساده است . شکافی بالای قرنیه بوسیله جراح داده میشود . عدسی را ازکپسول خارج کرده و یک عدسی مصنوعی از جنس پلاستیک که کاملا شبیه به عدسی چشم باشد وارد کپسول مینمایند . این عدسی مصنوعی کار عدسی طبیعی چشم را انجام خواهد داد .

عمل جراحی کاتاراکت معمولا خطری ندارد درموارد بسیار نادر عوارضی از قبیل خونریزی و عفونت چشم مشاهده شده که منجر به کوری شده‌است عمل جراحی در بیمارستان انجام میشود ولی شخص همان روز به خانه باز میگردد . در ۵۰ درصد موارد ، مدتی بعد از عمل دوباره اختلالی در دید ظاهر میشود که بعلت کدرشدن کپسول میباشد . این عارضه را با لیزر برطرف میکنند و دید تصحیح میشود و غبار از بین میرود .

اگر علائم‌زیر در دید خود مشاهده کردید به چشم پزشک مراجعه و موضوع را با اودرمیان گذارید :

- درموقع رانندگی نور آفتاب ویا نور اتوموبیل ها ایجاد غبار درچشم‌میکند .
- برای انجام‌کارعادی دیدکافی و واضح وجود ندارد .
- کارهای خانه به ظرافت وراحتی سابق انجام نمیشود زیرا خوب نمی بینید .
- خواندن ، تماشای تلویزیون ، دوختن ، بازی با کارت و غیره مشکل میشود .
- هنگام راه رفتن ممکن است یک‌چاله یا برجستگی بموقع مشاهده نشود .
- شخص آزادی و حس بی نیازی را از دست میدهد و نیاز به کمک پیدا میکند .
- عینک طبی هم به دید بطورکافی کمک نمی کند .
- چشم ناراحت است .
- هنگام رانندگی تابلوها و علائم رابه روشنی نمی بینید .

ضمناً ممکن است خود شما علائم دیگری راملاحظه کنید که ناشی از وجود کاتاراکت باشد .

پیش گیری : راهی برای پیش گیری وجود ندارد . عقیده براین است که نور ماوراء بنفش آنرا تشدید میکند . مصرف الکل نیز مضر است . کمبود ویتامین C و E نیزباعث کاتاراکت میشود .

لرزش اتفاقی دست و یاسر

بعضی اشخاص بطور اتفاقی در دست های خودلرزش مختصری مشاهده میکنند که اگرشدیدتر شود ناراحت کننده می باشد . مثلا نگهداری یک فنجان چای مشکل میشود وگاهی این رزش در سر و یا چانه و درصدا ممکن است ظاهر شود . این عارضه معمولا ارثی و خانوادگی می باشد و در افراد یک خانواده ممکن است مشاهده شود . ممکن است با نوشیدن الکل بطور موقت این عارضه ازبین برود ولی بعداً لرزش شدیدتر میشود . دراین عارضه معمولا بیماری عضوی وجود ندارد . عصبی شدن ، نوشیدن قهوه زیاد یا الکل لرزش را تشدید میکند . درمان این عارضه با داروهای آرام بخش بوده وگاهی فیزیوتراپی نیز موثر میباشد . اینگونه لرزش اتفاقی وفامیلی را نباید با لرزش اعضاء در بیماری پارکینسون اشتباه کرد . لرزش در بیماری پارکینسون همراه با انقباض ماهیچه ها میباشد ، حرکات مشکل میشود ، صحبت کردن اشکال پیدا میکند و بعلت انقباض ماهیچه های صورت ، قیافه تغییر پیدا میکند .

میدارند . ادامه راه از بیروت به ناحیه (داحیه) درجنوب و ازآنجا به نوار امنیتی که بیشتر محل تجمع شیعیان میباشد خواهدبود . سلاح های ارسالی حتی از نوع سنگین آنان با مراقبت مستقیم مقامات سوریه از راه بندانهای ارتش لبنان که بمنظور بازرسی و ممانعت از ورود اسلحه به جنوب کشور برپا گردیده‌اند به آسانی رد گردیده و جرأت مقاومتی ازجانب مقامات لبنانی درمقابل مامورین سوری نیست .

بارها مقامات اورشلیم به آمریکائیها درمورد کمکهای دولت سوریه که بظاهر هم اکنون در مذاکرات صلح خاورمیانه شرکت کرده به حزب اله تذکرداده‌اند ونقش ویرانگرآن کشور را در لبنان یادآوری نموده‌اند و ازآنان خواسته‌اندکه اگردمشق بخواهد میتواند با یک حرکت دست این جریانات ایران وحزب اله لبنان را متوقف سازد و لیکن معلوم نیست چرا دراین مورد اقدامی نگردیده .

بنظر مقامات با صلاحیت ، سوریه جرأت آنرا ندارد که دست مزبور را بحرکت درآورد چون صرفنظر از کمهای اقتصادی و مالی ایران به آنکشور که بی چون وچرا و سخاوتمندانه انجام میگیرد و به آن خاطر ممکن است قطع گردد دلیل دیگر آن ماری راکه خود در آستین پرورانده ممکن است برضد آنان بحرکت درآید و این بار این دمشق میباشد که میبایست شاهد بمب گذاریها ، عملیات انتحاری وچاقوکشی های ناجوانمردانه در خیابانهای خود توسط حزب اله باشد .

پایان

رویدادهای سازمان سیامک

سمینار بازرگانی و مالیات

کمیته جوانان شاغل و تحصیلکرده سازمان سیامک ، سمیناری در رابطه با ثبت شرکتها و مسائل و محدودیتهای مالیاتی را ، روز یکشنبه اول آگوست ۱۹۹۳ درمحل هتل شرایتون سانتامونیکا ترتیب دادند .

دراین سمینار خانم **سوزان فورمن** درباره تشکیل شرکتها و ثبت آن درکالیفرنیا ، ادغام و خرید شرکتها سخن راند. **شاهرخ مختارزاده** از دفتر وکالت شاهرخ مختارزاده و عضو انجمن وکیلای کالیفرنیا درمورد تجارت فردی - چند شریکی و شرکتها - مقایسه کمبودها - مدیریت وکنترل سخنرانی نمود .

درقسمت مالیاتی دوسخنران برجسته ، آقای **بیژن اخوان** ، حسابدار قسم خورده در باره امور مالیاتی تجارت های فردی وچند شریکی‌سخن راند و آقای **حمیدفانی** ، حسابدار قسم خورده ، درمورد دیون مالیاتی وراههای جلوگیری آنان در کمپانیهای گوناگون نظراتش را با شرکت کنندگان درمیان گذارد .

دراین جلسه بحث و گفتگو انجام شد و شرکت کنندگان با یکدیگر راههای تجارت با یکدیگر را بررسی نمودند . از میهمانان در پایان برنامه پذیرایی بعمل آمد .

سلسله سمینارهای تجزیه وتحلیل مسائل اجتماعی

سلسله سمینارهایی برای تجزیه وتحلیل مسائل اجتماعی ، عنوان برنامه مشترک **هیلل ایرانیان دانشگاه یو سی ال ای و سازمان سیامک** میباشد که در ٦ جلسه برگزار میگردد .

برنامه اول این سمینارها یکشنبه ۲۲ آگوست ۱۹۹۳ مخصوص جوانان تا ۳۹ سال وبرنامه دوم‌یکشنبه ۲۹ آگوست ۱۹۹۳ مخصوص والدین و جوانان خواهد بود .

این جلسات در محل کنیسای یونیورسیتی UNIVERSITY SYNAGOGUE ، ۱۱۹٦۰ خیابان سان ست در برنت وود رأس ساعت ۵ / ۲ بعدازظهر برگزار میگردد .

دراین جلسات بحث و گفتگو درباره :

- **تطبیق خود با فرهنگ آمریکایی و حفظ فرهنگ ایرانی همراه با هویت یهودی**
- **روابط خانوادگی و پرورش هویت شخصی**
- **مشکل ارتباطات مابین والدین و فرزندان**
- **معاشرت و ازدواج**

انجام میگردد.

هیلل ایرانیان و سازمان سیامک دراین سلسله گردهمائیها از افراد با تجربه و صلاحیتدار دعوت نموده تا نظرات خود را با شما درمیان بگذارند . شرکت کنندگان دراین برنامه عبارتند از :

دکتر ژوزف حکیمی - خانم هما سرشار - ربای داوید شوفط - آقای داریوش فاخری - دکتر نهضت فرنودی - دکتر دانش فروغی - خانم نورا قدسیان - آقای مایک‌کروبیان - خانم‌زهره میزراحی - آقای فرشاد یادگار.

ورودیه برای عموم ۳ دلار - و برای دانشجویان با ارائه کارت دانشجویی رایگان خواهد بود .

از مدعوین با چای و شیرینی پذیرایی خواهد شد .

اطلاعات بیشتر ۵۸٦۲ - ۹۰۷ (۸۱۸)

صبحانه ، ناهار با شامپاین

کمیته جوانان شاغل و تحصیلکرده سازمان سیامک روزیکشنبه ۲۹ آگوست را برای یک گردهمایی و صرف صبحانه - ناهار BRUNCH برگزیده‌اند .

دراین برنامه که برای آشنایی و تبادل خدمات تجاری اعضاء به یکدیگر برگزار میگردد ، یک برنامه سخنرانی - موزیک‌زنده و پذیرایی با شامپاین تهیه دیده شده‌است . شروع برنامه ۵ / ۱۰ صبح تا ۲ بعدازظهر درمحل کنیسای ویلبر (مجتمع فرهنگی ارتص) میباشد . غذاگلت کاشر سرو خواهد شد .

تلفن اطلاعات ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸)

کلاسهای کبالا

دوره دوم آشنایی با مقدمات علم کبالا با هدایت خانم دکتر میترا مقبوله شروع گردید.
کلاسهای دوره اول برای کسانیکه موفق نشده‌اند در کلاسهای قبل شرکت نمایند از نیمه دوم اکتبر شروع خواهد شد. کلیه علاقمندان می توانند با تلفن دفتر سازمان سیامک ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸) تماس حاصل نمایند.

ازگوشه وکنار

بنیاد یوسف کهن

بنیاد شادروان **یوسف کهن** جلسه معارفه‌ای برای معرفی و فروش کتاب گزارش و خاطرات وی روز یکشنبه ۱۵ آگوست ۱۹۹۳ درکنیسای نصح ایسرائل برگزار نمود.

دراین جلسه پروفسور نتصر - ربای دیوید شوفط - آقای مسعود هارونیان وآقای جورج هارونیان درمورد این شخصیت استثنایی یهودیان معاصر ایرانی صحبت نمودند. در این جلسه نواری از سخنان آن زنده یاد بسمع حاضرین رسید.

بنیاد فرهنگی امنون نتصر

روز سه شنبه ۱۷ آگوست بنیاد فرهنگی **پروفسور امنون نتصر**، رئیس بخش ایرانشناسی دانشگاه عبری اورشلیم که متشکل از عده‌ای ازدوستداران فرهنگ و تاریخ یهودیان ایرانی است درمحل کنیسای نصح ایسرائل ترتیب جلسه‌ای را داد. دراین جلسه راهها و برنامه‌هایی برای تحقق تشکیل این بنیاد مورد بحث قرار گرفت که درشماره های آینده درجریان کامل آن قرار خواهید گرفت.

نقش یهودیان درتحولات جهان

از ورود افراد ناخواسته که حامل کارتهای جعلی میباشند جلوگیری شود.

● تحقیق

محققین در موسسه علوم وایزمن، در اسرائیل نشان داده‌اند که تحلیل رفتن سیستم مصونیت در اشخاص مسن که عوام معتقدند با لرزش غده THYMUS دراثر بالا رفتن سن پدید میاید، میتواند ازپرشدن سلولهای مغز استخوان سرچشمه بگیرد. این تحقیقات کمک موثری به پیداکردن روشهای جدید برای حفظ قدرت مصونیت دراشخاص مسن میباشد.

● سیب زمینی پر قدرت

محققین درموسسه علوم وایزمن اسرائیل نوع جدیدی ازسیب زمینی پرورش داده‌اند که دارای مواد غذائی بیشتری از دیگر سبزیجات میباشد. این سیب زمینی هاکه با تغییراتی در فرمول ژنتیکی سیب زمینی ایجاد شده دارای امینو اسید AMINO ACID فراوان میباشد.

● یهودیان تایلند

بیش از ۳۰۰ یهودی در تایلند زندگی میکنند که اکثرآشامل کارمندانی میباشد که برای شرکتهای چند ملیتی مشغول بکار هستند.

برای پاسخ دادن به نیازهای دینی این یهودیان درسال ۱۹۶۴ انجمنی تشکیل شد. دربانکوک درحال حاضر دوکنیسا و یک رستوران کاشر و یک‌سلاخ خانه کاشروجود دارد.

● جایزه

پادشاه مراکش به شخصی یهودی موسوم ROHERT ASSOROF بخاطر خدمتی که این تاجر یهودی در طول سی سال گذشته به کشورش، مراکش‌کرده نشان لیاقت داده است. یهودیان مراکش که تا قبل از استقلال آن کشور جمعیتشان حدود ۲۷۵۰۰۰ نفر میشد اکنون‌بالغ بر ۸۰۰۰ نفر میشود.

● تعطیل کلاس

یهودیان مقیم کوستاریکا اخیراً تظاهراتی برعلیه دانشکده علوم اجتماعی بخاطر احداث کلاس جدیدی بنام «یهودیان، قدرتمندان مطلق در کوستاریکا» به پا کردند. مقامات دانشگاهی اعلام کردند که این کلاس را حذف میکنند

● یهودیان مکزیک

جامعه یهودیان «واترلو» درمکزیک اخیراً سومین سالگردش را جشن گرفت. این گروه توسط دونفر مهاجر از اهالی فرانسه و انگلستان تشکیل یافت. اولین‌کنیسای این گروه در باشگاه تنیس، با کتابهای مقدسی از انگلستان آورده شده بود تشکیل شد.



לשנה טובה תכתבו

International Judea Foundation

«اطلاعیه»

انتخابات هیات مدیره سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا(سیامک)

سازمان سیامک بدین وسیله برگزاری انتخابات دوره جدید خود راکه درتاریخ یکشنبه ۵ دسامبر ۱۹۹۳ برگزار خواهد گردید به اطلاع اعضاء و دوستداران خود میرساند. دوره جدید هیات مدیره از اول ژانویه ۱۹۹۴ آغاز خواهد شد و شرط شرکت درانتخابات (رای دادن ویا دریافت رای) «عضویت» درسازمان می باشد . دوستداران می توانند باپرکردن درخواست نامه عضویت و ارسال آن همراه حق عضویت ، عضو سازمان گردند و مستقیماً درامور سازمان خود مشارکت نمایند . آخرین مهلت برای اعلام نامزدی ازطریق «کمیته برگزاری انتخابات» دوشنبه ۲۵ اکتبر ۱۹۹۳ تا پنج بعدازظهر می باشد .

درمدت زمان میان مهلت اعلام نامزدی و روز برگزاری انتخابات سازمان جلسه یا جلساتی برای آشنایی بیشتر اعضاء با نظریات و اهداف کاندیداها برگزار خواهد نمود .

برای اطلاع بیشتر لطفاً ازطریق دفتر سازمان با «کمیته برگزاری انتخابات» ارتباط برقرار نمائید .

مرامنامه سازمان سیامک بشرح زیراست :

۱ ـ روشن نمودن عقاید عمومی به مسائل مربوط به یهودیت .

۲ ـ مخالفت با تعصبات نژادی و حمایت ازحقوق بشر.

۳ ـ اشاعه فرهنگ ، علائق و پیشرفتهای یهودیان در سراسر دنیا.

۴ ـ کمک به هدفهای انسانی و همکاری با سازمانهای فرهنگی ، اجتماعی برای بهبود وضع بشریت .

۵ ـ آشنا نمودن یهودیان مهاجر ازایران به مسائل ونقش آمریکا و همکاری سازنده و فعال درآنها .

۶ ـ نگاهداری سنت های خوب و ارزنده فرهنگ ایرانی ، دورنگاهداشتن مسائل خانمان برانداز فرهنگ نو و گذشته ، تلفیق ارزشهای خوب فرهنگ یهودی ـ ایرانی ـ آمریکایی برای سازندگی نسلی سازنده با فرهنگی انسان دوستانه .

۷ ـ روشن نمودن صیونیزم (به مثابه عشق و امید به سرزمین صیون وبازسازی آن) و نگاهداری میراث های با ارزش یهودی برای نسل جوان یهودی آمریکایی که پیشینه ایرانی دارند .

۸ ـ همکاری سازنده ودائمی برای تلفیق غیرقابل اجتناب نسل نو با سازمانهای یهودی امریکایی موجود .

۹ ـ شناخت و گسترش تفاهم ورابطه بهترین علائق مشترک کشورهای آمریکا ، اسرائیل و ایران .

۱۰ ـ وجود سازمان کاتالیزری است برای ایجاد رابطه بهتر بین نسل نو و نسل قدیم .

کمیته برگزاری انتخابات

تلفن: ۱۲۷۰ ـ ۵۰۳(۸۱۸)



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES



MEMBERSHIP APPLICATION درخواست نامه عضویت

LAST NAME/ نام خانوادگی　　FIRST NAME/نام　　M.I./ نام دوم

MAILING ADDRESS / نشانی

CITY / شهر　　STATE/ایالت　　ZIP CODE/کدپستی

TELEPHONE:RESIDENCE/منزل　　WORK/محل کار

DATE Of BIRTH/تاریخ تولد　　PLACE Of BIRTH/محل تولد

Type Of Membership : Family ☐ Individual ☐　　نوع عضویت : خانوادگی ☐ فردی ☐

Highest Education Degree　　بالاترین مدرک تحصیلی :

Area Of Interest :　　چه اموری مورد علاقه شماست :

Cultural ☐ Religious ☐ Fundraising ☐ Youth ☐　　فرهنگی ☐ مذهبی ☐ جمع آوری اعانات ☐ جوانان ☐

Another Spring ☐ Young Professionals ☐ Publications ☐　　بهاری دیگر ☐ شاغلین جوان ☐ انتشارات ☐

Other (Please Explain)　　دیگر (لطفاً توضیح دهید)

What Other Jewish Organizations Are You Involved With ?　　آیا علاقمند به همکاری درامور سازمان میباشید ؟ بله ☐ خیر ☐

باکدام سازمان یهودی دیگر همکاری دارید؟

Minimum Annual membership Dues (Please Enclose Check　　حداقل حق عضویت سالیانه (لطفاً چک خود را همراه درخواست نامه بفرستید

Family $ 40.00 ☐ Individual $ 25.00 ☐　　خانوادگی ۴۰ دلار ☐ فردی ۲۵ دلار ☐

I, ________________ Would like to be
Please Write Your Name
a member of International Judea Foundation

من ________ درخواست عضویت درسازمان
نام خود را دراین محل بنویسید
سیامک را دارم.

Signature/محل امضاء　　Date/تاریخ

P.O.Box 3074 Beverly Hills, CA 90212





آیا هیچگاه به این مسائل اندیشیده‌اید؟

۱ ـ برقراری ارتباط جهت رفع مشکل زبان بین والدین وفرزندان

۲ ـ آیا احساس میکنید که هدف شمابطور صحیح درک نشده‌است و متهم به گفتن حرفی شده‌اید که منظور اصلی شما نبوده‌است.

۳ ـ آیا برای شما ابراز «دوستت دارم» و «معذرت میخواهم» مشکل ترین چیزی است که میتوان به زبان آورد.

لطفاً باشرکت خود دراین گردهمائی که مشترکاً توسط سازمان هیلل ایرانیان و سازمان سیامک برقرار میشود مارا در راهی که گام برداشته‌ایم یاری دهید.

سخنرانان:

آقای مایک کروبیان روانشناس خانواده

دکتر دانش فروغی روانشناس

خانم نورا قدسیان روانشناس

آقای فرشاد یادگار

مکان ـ یونیورسیتی سیناگوک ۱۱۹۶۰ سانست بلوار ـ برنت وود

زمان ـ اولین گردهمائی درتاریخ ۱۹ سپتامبر فقط برای جوانان تاسن ۳۹ سال

دومین گردهمائی در تاریخ ۲۶ سپتامبر برای عموم

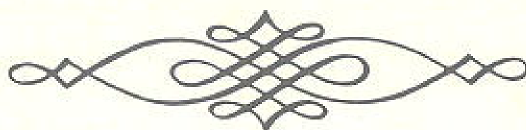
شروع برنامه ـ راس ساعت ۵ / ۳ بعدازظهر

چای و شیرینی ازساعت ۵ / ۲ تا ۵ / ۳ سرو خواهد شد

ورودیه ـ ۳ دلار ـ دانشجویان با ارائه کارت دانشجوئی رایگان

برای آگاهی بیشتر با شماره‌های ۵۸۶۲ ـ ۹۰۷ ـ (۸۱۸) و ۳۳۰۰ ـ ۸۲۴ (۳۱۰) تماس بگیرید





آیا فکر می کنید سازمانها و افرادی که برای جشنهای یهودی که به منظور آشنایی جوانان یهود با یکدیگر برگزار میشود، بایستی در رسانه و مطبوعات همگانی ایرانی تبلیغ کنند؟

یادی از گذشته ها



عکسی را که مشاهده میفرمائید از مراسم سلیحوت (که از روز دوم ماه الول هر سال تا کیپور) در سال ۵۶۷۱ (مطابق با ۲۳ آگوست ۱۹۱۱) در بهشتیه سابق تهران برداشته شده است .

سلیحوت در حقیقت طلب بخشایش از خداوند به خاطر گناهانی است که در طی سال مرتکب شده‌ایم .

باعرض تشکر از آقای رحیم بن حئیم از پنسیلوانیا که این عکس تاریخی را برای ما ارسال داشته‌اند .

از خوانندگان عزیز تقاضا داریم ، در صورت داشتن عکس های تاریخی ، آن ها را در اختیار ما بگذارند تا پس از چاپ بازگشت داده شود.

אריאל שרון

רשיון להרוג

מותם הטרגי של הלוחמים הישראליים ברצועת הביטחון בדרום לבנון אתמול נובע, בין השאר, מהרגשת המחבלים ותומכיהם בדמשק, שיש להם רשיון להרוג בחיילינו ובאנשי צד"ל, בשעה שהם התחייבו, כביכול, להימנע מירי קטיושות על יישובינו בצפון.

מובן, שאיש בממשלת ישראל ובמטכ"ל לא העניק רשיון כזה במודע למחבלים השיעיים והפלשתיניים, ובוודאי שלא לממשלות סוריה ולבנון.

אבל עובדה היא, שזו הפעם הראשונה שממשלה בישראל הסכימה, במודע, למתוח קו בין מעשי טרור נגד יישובי גבול הצפון לבין מבצעי פיגוע נגד חיילי צה"ל וצד"ל באיזור הביטחון.

ה"הבנות", שבהן התפארו שרי ישראל ומצביאי צבאה מעל כל במה, אמרו בעצם למחבלים, שבעוד ישראל "לא תסבול ירי קטיושות על יישובים, מותר להם לתקוף באיזור הביטחון את חיילי צה"ל וצד"ל.

ואת הרשיון למעשה הזה ניצלו כמובן המחבלים אתמול כשהרגו שוב בחיילינו.

לא היה זה האירוע הראשון מאז סיום מבצע "דין וחשבון". 11 פעולות עוינות בוצעו על־ידי אירגוני הטרור מאז. (8 מקרים של הנחת מטענים ו־3 מקרים של תקיפת מוצבים). בכולם, למזלנו, נמנעו אבדות. צה"ל לא הגיב כדי לא לפגוע בשטיפת המוח השקרית, כאילו השלום הנה בא. ואז קרה האסון הכבד של אתמול.

"יש לנו יסוד להניח שההבנות יישמרו", אמר הרמטכ"ל במסיבת עיתונאים עם סיום המבצע. אסד הוגדר על־ידי הרמטכ"ל כ"מנהיג רציני מאוד, מוכשר מאוד, אחראי מאוד, מיומן מאוד", ודמשק צוינה לשבח כמי שהסדר הרשג ב"השפעתה". כל זאת כדי להצדיק עשיית ויתורים נוספים לסוריה ברמת־הגולן ללא שלום.

ה"הבנות", למרבה האסון, אכן יושמו. אסד, הדיקטטור הסורי, עמד בינתיים בהבטחתו – שחיילינו ייהרגו רק באיזור הביטחון.

מרבית שנותיי שירתתי במערכות הביטחון, וקשה לי להיזכר בממשלה בישראל, שהסכימה ל"הבנות", שבהן חיילינו מותרים מראש כמטרות לאויב. בנושאים כאלה אין עורכים שום הסכמים עם אויב, ובוודאי שלא עם רוצחי החיזבאללה ואש"ף.

במדינה נורמלית, שחיי אנשיה אינם הפקר, לממשלה שכזו אין זכות קיום, ולו ליום אחד נוסף.

במקביל לכל היערכות צבאית־ישראלית מול הטרור בדרום לבנון חייבת הממשלה להודיע מייד לחאפז אל־אסד, שהיא מפסיקה עימו כל מו"מ עד אשר יעשה ויודיע, שהוא מונע כל פעילות של החיזבאללה בדרום לבנון.

אם הממשלה תמשיך לנהל עימו את המו"מ הנוכחי, כאילו לא אירע דבר, היא לא רק שתסכן את הגליל כולו בשלב ראשון – אלא תוביל לטרור ולבסוף למלחמה שתאיים על ישראל כולה.

רופאים מישראל הדגימו ניתוח קיסרי חדשני בשווייץ

– מאת מיכל גולדברג, כתבת "ידיעות אחרונות" –

צוות רופאי מבית־החולים ליולדות "משגב לדך" בירושלים הדגים בשווייץ ניתוח קיסרי בשיטה חדשנית, שפותחה בבית־החולים.

בראש הצוות עמד מנהל בית־החולים, ד"ר מיכאל שטרק, שגם ביצע את הניתוח.

בשיטה זו, שפותחה על־פי תורתו של הגינקולוג, פרופ' יואל כהן, מבצעים סגירה טבעית של קרומים בבטן ללא התערבות כירורגית.

ניתוח ההדגמה בוצע בגופה של אשה אנגליה, שבאה במיוחד כדי ללדת בשווייץ.

אחרי הניתוח הירצו רופאי "משגב לדך" על הניתוח ועל שיטת ההרדמה ההולמת אותו.

רופאי "משגב לדך", ששבו שלשום ארצה, כבר הוזמנו לשוב לשווייץ בחודש מארס הקרוב כדי להשתתף בסמינר בבאזל, שם ירצו על השיטה החדשה בפני 250 גינקולוגים שווייצים.

"ישו" וחברו יגורשו מהארץ

השניים – תמהוניים מגרמניה ומארה"ב – קפצו מסיפון אונייה בנמל חיפה ונימשו בידי שוטרים

– מאת אריה קיזל, כתב "ידיעות אחרונות" –

בלשי משטרת נמל חיפה מנעו אתמול את כניסתם לארץ של "ישו" ושל חברו - שני תיירים תמהוניים. השניים זינקו למים מאונייה, שעגנה בנמל חיפה, נימשו בידי בלשים, נעצרו - ונראה שהיום יגורשו מהארץ.

אתמול בבוקר ביקש התייר הגרמני ארנו סיגל (28) אישור ירידה לחוף מהאונייה "סי הרמוני". משלא הצליחו בביקורת הגבולות לברר את יעד ביקורו בארץ ומהם אמצעי־המחיה שבידיו, קיבל תשובה שלילית. בתגובה קפץ מסיפון האונייה למימי מפרץ חיפה.

משנמשה מהמים טען התייר, כי הוא ישו, וכי נשלח לעולם כדי "להציל את המין האנושי" ו"לשמור על השלום במזרח־התיכון". הוא הועבר לתא־המעצר של משטרת מרחב חיפה.

חלפו מספר שניות, ותייר אחר, רודולף בראר בן 21 מסינסינטי שבאוהיו, זינק לים מסיפון אותה האונייה, לאחר שבקשתו להיכנס לישראל נדחתה אף היא.

השב"כ חושף:

מחשב הסודות של החמאס



מאת חיים ברוידא, כתב „ידיעות אחרונות"

זה היה אחד הסודות השמורים ביותר של תנועת החמאס ביהודה ושומרון.

ארכיון ממוחשב, שהכיל את שמותיהם של פעילי האירגון, פיגועים שביצעו, כמות כלי־הנשק שבידיהם, כספים שהגיעו מחו"ל, אימונים צבאיים שעברו. המאגר כלל גם מידע על שיטות החקירה הנהוגות בשב"כ וכיצד ניתן לעמוד בהן.

המחשב והדיסקטים, שהכילו את כל המידע הזה נתפסו בידי אנשי שירות־הביטחון הכללי.

זהו אחד המימצאים החשובים שנפל לידיהם של אנשי השב"כ, בעקבות מעצרו של עבד אל־רחמן פתחי זידאן (23) מכפר דיר־אל־עסון בשומרון. זידאן הוגדר „קצין המבצעים והמודיעין של ארגון החמאס באזור יהודה ושומרון". חשיפת המחשב ובו מאגר הנתונים לא הותר עד כה לפרסום, והדבר נחשף רק עם הגשתו של כתב אישום נגד זידאן לבית־המשפט הצבאי בשכם.

בקבצים נמצאו מספרי טלפון ופאקס מוצפנים, ומסמך הכולל שיטות כיצד לעמוד בחקירות השב"כ

ברשותו של זידאן נמצא גם תרשים, המפרט את המבנה האירגוני של תנועת החמאס בשטחים, תחומי האחריות של כל חוליה וחוליה וההיררכיה של הפיקוד על־פי סדר החשיבות. העתק של התרשים הוברח למפקדת הארגון בירדן.

זידאן היה המתאם בין החוליות בשטח לבין המפקדה בירדן, היה קשור לשני הפיגועים באמצעות מכוניות תופת – ברמת־אפעל ובמחולה ועמד בקשר ישיר עם החוליה שרצחה את איש משמר־הגבול נסים טולדנו ואת שני השוטרים רני חוות ומוטי ישראל בחדרה. גם כספים, שקיבל האירגון, היו עוברים תחת ידיו של זידאן, והוא, על־פי שיקול דעתו, חילקם לחוליות ולמבוקשים שנמצאו במקומות מסתור.

בכתב אישום, המשתרע על־פני שבעה עמודים, מגלה התובעת הצבאית סגן ורד מורוגבי־רישוולי, כי הנאשם גוייס לחמאס עוד בשנת 1990, בעת שביקר ברבת עמון. שם קיבל את הכינוי „ע'אנם".

הקשר בינו ובין מפקדות הארגון בשטחים ובירדן נשמר באמצעות אשגרים (פתקים קטנים, ובהם הוראות והנחיות) שהוצפנו בכמוסות. שליח של הארגון היה בולע את הכמוסה, וכך עובר עם החומר לירדן ובחזרה. בשיטה זו הועבר פעמיים בחודש מידע דו־צדדי שכלל שמות של פעילים מרכזיים, אפשרויות לרכישת אמצעי לחימה, כספים, אימונים צבאיים וקשר בין החוליות.

לפני שנעצר ב־7 ביוני השנה, קיבל זידאן הנחיה להכין מכונית תופת ולהניחה בתחום ישראל, כנקמה על הסגר בשטחים. ההוראה לביצוע הפיגוע הועברה על־ידי הנאשם לאחת החוליות, אולם היא לא יצאה אל הפועל, מאחר שכוחות הביטחון עצרו קודם לכן כמה מחברי החוליה.

באחד המסרים, שקיבל הנאשם מראשי הארגון בירדן, הם מציינים במפורש, כי החמאס נכנס „לעידן חדש" בתחום הפיגועים, תוך דגש על הטמנת מכוניות תופת. הסיבה: „כיוון שתוצאות הפיגועים הינן אפקטיביות יותר", נאמר באשגר. „ואין נדרשת מיומנות גבוהה יתר על המידה או עלות גבוהה להכנתן של מכוניות תופת".

עיקר כתב האישום מתייחס לתפיסתו של מחשב ו־18 דיסקטים (1.2 מגה) ששימשו כמאגר מידע על פעילות אירגון החמאס בשטחים. המחשב הוסתר במחסן סודי, ובכל פעם, שהיה חשש כי המקום עומד להחשף, העבירו את המחשב למסתור אחר.

מכתב־האישום עולה, כי הנאשם נהג להחביא את האשגרים שקיבל מירדן בתוך קופסאות ריקות של סרטי צילום. אחר־כך העלה את כל הנתונים על גבי דיסקטים של מחשב אישי וכך יצר ארכיון בעל חשיבות עליונה.

במאגר נרשמו מספר החברים הפעילים בחוליות השונות וכינוייהם. צויינו שמות של

וירוס פלשתיני

חשיפת הארכיון הממוחשב של החמאס אינה הגילוי הראשון בקשר שבין מחשבים והתנועה הפלשתינית. לפני כמה חודשים פירסם „ידיעות אחרונות", כי בין וירוסי המחשב החדשים, נמצא גם ה„וירוס הפלשתיני"

וירוס מחשב היא תוכנה קטנה, „המושתלת" ו„מתחבאת" בכונן קשיח או בדיסקט, והיא מתחילה לפעול לאחר כמה שעות עבודה במחשב. עתים, הווירוס סתם מציג משחק פינג־פונג על צג המחשב, ועתים הוא מזיק למידע שבמחשב.

הווירוס הפלשתיני מציג – תוך כדי כתיבה במחשב אישי – סיסמה: „נשחרר את ירושלים הכבושה". הווירוס הזה נכתב, כנראה, בידי נער פלשתיני, 'פריק' מחשבים. מה שברור הוא, שאותו צעיר אינו שולט באנגלית, וזאת מאחר שאת המלה ירושלים הוא כתב בשתי שגיאות־כתיב (באנגלית).

דודי גולדמן

זה היה אחד הסודות השמורים ביותר של החמאס ביהודה ושומרון — 18 דיסקטים של ארכיון ממוחשב — כל מה שהשב"כ רצה לדעת • לכידת קצין המודיען של התנועה הביאה לחשיפת המחשב • המחבל, עבד אל־רחמן פחמי זידאן, היה איש הקשר בין המפקדה בירדן לאנשי החמאס בשטחים

חברים „רדומים", כאלה שפעלו בעבר בארגון ויש צורך לחדש עימם את הקשר ולהפעילם שנית. תחת הכותרת „מאותרים" נרשמו שמותיהם של צעירים מקומיים בעלי פוטנציאל לגיוס לארגון. במצאו בקבצי־המחשב מספרי טלפון ופאקס מוצפנים של משרדי הארגון בשטחים, בירדן ובגרמניה.

זידאן רשם גם את מאגר כלי הנשק שהיה ברשות הפעילים, ופירט באילו כלי־נשק התאמן כל אחד מהפעילים. הדיסקטים כללו מידע על כל חוליה ופיגועיה. דווח שם על שמות הפעילים שנלכדו על־ידי השב"כ.

כמו בטבלאות ריכוז של הנהלת חשבונות נרשמו סכומי הכסף שהגיעו מחו"ל לטובת הארגון ולמי מהפעילים הועברו.

גם על שיטות החקירה בשב"כ נמצא סעיף מיוחד בדיסקטים. מדובר במסמך, שחולק לכל מגויס לאירגון, ובו דרכים „לעמוד בחקירות השונות". על חלוקתו של מסמך זה לכל מגוייס הוחלט בעקבות מעצרו של מחבל שהפליל בחקירתו רבים מחברי האירגון.

ירושלים מכחישה הצעה להחזיר את הגולן לסוריה תוך שש שנים

עתון לבנוני דיווח, כי השליח האמריקני, דניס רוס, דן בדמשק בהצהרת עקרונות שלפיה ישראל וסוריה יתחייבו פומבית ל"שלום צודק וקבוע" ■ דמשק תתחייב שלא לפתוח או להשתתף במלחמה נגד ישראל ■ הסדר הנסיגה יתבצע בארבעה שלבים תוך כינון הסדרי בטחון

מאת שמעון שיפר, כתבנו המדיני –

מקורות מדיניים בירושלים הכחישו בתוקף ידיעה שהתפרסמה אתמול בעתון הלבנוני „נידא אל וואטאן", שלפיה מציעה ארה"ב לישראל ולסוריה להגיע להסכמה על מסמך עקרונות, כי רמת הגולן תימסר לסורים בתוך שש שנים.

על פי הפרסום בעתון הלבנוני, דן דניס רוס, עוזרו הקרוב של מזכיר המדינה האמריקני כריסטפר, במהלך ביקורו בדמשק, בעניין מסמך הצהרת עקרונות בין סוריה לישראל.

על פי המסמך שצוטט בעתון הלבנוני, יתחייבו ישראל וסוריה באופן פומבי לכונן שלום צודק וקבוע, על פי החלטת מועצת הבטחון 242. ההסכם יבוצע בתוך פרק זמן של שש שנים, שלאחריו תימסר רמת הגולן בשלמותה לסוריה. אל המסמך, על פי הפרסום, צורפה מפת נסיגה מרמת הגולן בארבעה שלבים.

לדברי מקורות רמי דרג בירושלים, האמריקנים לא הניחו לפני ראש הממשלה רבין שום מסמך להצעת עקרונות לשלום בין ישראל וסוריה. כך גם לא הונחה מפה של שלבי הנסיגה מרמת הגולן.

עם זאת יצויין, כי בשיחות שהיו לראש הממשלה עם מזכיר המדינה כריסטופר, אכן דנו השניים כתרחישים שונים לגבי עתיד ההסדר בין ישראל לסוריה.

מקורות שונים אישרו, כי סוריה הביעה את הסכמתה לנסיגה הדרגתית של ישראל מרמת הגולן, נסיגה שתימשך לאורך מספר שנים, וזאת אחרי שישראל תביע את הסכמתה להכיר בריבונותה של סוריה על כל רמת הגולן ונכונות להשיב לסוריה את השטח הזה בתמורה לשלום מלא בין שתי המדינות.

העתון מוסר כי במסמך עוד מספר עקרונות:

- סוריה תמשיך לסגור את גבולה עם ישראל בפני הפלשתינים ותתחייב שלא לפתוח במלחמה נגד ישראל, או להשתתף במלחמה שמדינה אחרת תפתח נגדה.
- על גבעות בנטל (ג'באל בנטאל) יוצבו כוחות של משקיפים ותחנות לאתראה מוקדמת. ואילו באזורים שמהם תיסוג ישראל – יוצב כוח משמר סורי.

לדברי המקורות הערביים, הציעה מצרים במהלך ההתייעצויות עם סוריה וישראל מספר תיקונים במסמך האמריקני:

שהנסיגה מהגולן תבוצע בשלושה שלבים במקום ארבעה; שהנסיגה תתבצע תוך חמש שנים במקום שש שנים – בד בבד עם תקופת המעבר של המימשל העצמי הפלשתיני; להחיל את המתכונת שיושמה בסיני על רמת הגולן, וחלוקתה לשלושה אזורי בטחון, כאשר באיזור הסמוך לגבול הישראלי יוצב כוח משקיפים אמריקני ורוסי.

לשנה טובה תכתבו

لیست مدارس یهودی لوس آنجلس

سازمان سیامک که همواره در راه گسترش آموزش یهودیت کوشا بوده است برای آگاهی هرچه بیشتر والدین در مورد مدارس یهودی با همکاری BUREAU OF JEWISH EDUCATION لیست مدارس یهودی را در دسترس شما خوانندگان عزیز خود قرار می دهد .

1992-1993 BJE YESHIVA / DAY SCHOOL LIST

LOS ANGELES / BEVERLY HILLS METRO REGION

Name	Address	Tel.	Grade	Affilation
Bais Yaakov School for Girls	461 N. La Brea, Los Angeles, CA 90036	(213) 938-3231	9-12	Orth.
Temple Emanuel Community Day School	8844 Burton Way, Beverly Hills, CA 90211	(310) 288-3737	K8	Ref.
Etz Jacob Hebrew Academy	1067 S. Fairfax Ave. , L.A., CA 90019	(213) 937-9951/52	K-6	Orth.
Herzl School	1317 N. Cres. Hghts. Blvd. L.A., CA 90046	(213) 654-8872	"7-12"	Comm.
Hillel Hebrew Academy	9120 W. Olympic Blvd., Beverly Hills, CA 90212	(213) 272-1934	"K-8"	Orth.
Temple Isaiah Day School	10345 W. Pico Blvd. L.A., CA 90064	(213) 277-1041	K-4	Ref.
Temple Israel Community Academy	7300 Hollywood Blvd. L.A., CA 90046	(213) 876-8330	K-3	Ref.
Maimonides Academy of Los Angeles	310 N. Huntley, L.A., CA 90048	(310) 659-2456	K-8	Orth.
Pressman Academy Day School	1039 S. La Cienega Blvd., L.A., CA 90035	(310)652-2002	K-6	Cons.
Shalhevet	5870 West Olympic Blvd. L.A., CA 90036	(213) 550-1950	"9"	Orth.
Sinai Akiba Academy	10400 Wilshire Blvd. L.A., CA 90024	(310) 475-6401	K-8	Cons.
Torat Hayim Hebrew Academy	1210 S. La Cienega Blvd., L.A., CA 90035	(310) 652-8349	K-6	Orth.
Yavneh Hebrew Academy	7353 Beverly Blvd. L.A., CA 90036	(213) 938-2636	K-8	Orth.
Yeshiva Gedola of Los Angeles (Boys)	5822 W. Third St., L.A., CA 90036	(213) 938-2071	"9-12 Dm."	Orth.
Yeshiva Ohr Elchonon Chabad (Boys)	7215 Waring Ave., L.A., CA 90046	(213) 937-3763	K-8	Orth.
Yeshiva Ohr Elchonon Chabad High School (B)	7215 Waring Ave., L.A., CA 90046	(213) 937-3763	"9-12 Dm"	Orth.
Yeshiva Ohr Elchonon Chabad Bais Chaya Mushka	9017 W. Pico Blvd., L.A., CA 90035	(310) 859-8840	K-8	Orth.
Yeshiva Rav Isacsohn	540 N. La Brea Ave., L.A., CA 90036	(213) 938-8147	K-8	Orth.
Yeshiva University of Los Angeles (Boys)	9760 W. Pico Blvd. L.A., CA 90035	(310) 553-1575	"9-12"	Orth.
Yeshiva University of Los Angeles (Girls)	1619 S. Robertson Blvd., L.A., CA 90035	(310) 203-0755	"9-12"	Orth.

SAN FERNANDO VALLEY REGION

Name	Address	Tel.	Grade	Affilation
Abraham J. Heschel Day School	17701 Devonshire St., Northridge, CA 91325	(818) 366-5781	"K-9"	Comm.
Adat Ari-El Day School	12020 Burbank Blvd., North Hollywood, CA 91607	(818) 766-4992	"K-6"	Cons.
Emek Hebrew Academy	12732 Chandler Blvd., North Hollywood, CA 91607	(818) 980-0155	"K-5"	Orth.
Emek Hebrew Academy Jr. High	15365 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403	(818) 783-3663	"6-8"	Orth.
Kadima Hebrew Academy	5717 Rudnick Ave., Woodland Hills, CA 91367	(818) 346-0849	"K-6"	Cons.
Stephen S. Wise Temple Day School	15500 Stephen S. Wise Dr., L.A., CA 90077	(310) 476-8561	"K-6"	Ref.
Stephen S. Wise Community High School	15500 Stephen S. Wise Dr., L.A., CA 90077	(310) 471-8320	"7-12"	Comm.
Valley Beth Shalom Day School	15739 Ventura Blvd., Encino, CA 91436	(818) 788-2199	"K-6"	Cons.
Valley Torah High School (Boys)	12003 Riverside Dr., North Hollywood, CA 91607	(818) 984-1805	"9-12"	Orth.
Valley Torah High School (Girls)	12326 Riverside Dr., North Hollywood, CA 91607	(818) 762-6611	"9-12"	Orth.
West Valley Hebrew Academy	5850 Fallbrook Ave., Woodland Hills, CA 91367	(818) 999-2059	"K-6"	Orth.

PASADENA/SAN GABRIEL VALLEY - EASTERN REGION

Name	Address	Tel.	Grade	Affilation
Atid Hebrew Academy	3508 E. Temple Way, West Covina, CA 91791	(818) 967-3881	"K-6"	Comm.
Chaim Weizmann Day School	1434 N. Altadena Dr. Pasadena, CA 91107	(818) 797-0204	"K-6"	Comm.

VENICE/SANTA MONICA - WESTERN REGION

The Streisand School Yeshiva Ohr Eliyahu	720 Rose Ave., Venice, CA 90291	(310) 399-0303	"K-6"	Orth.

SOUTHERN BEACH AREAS/SAN PEDRO/PALOS VERDES - SOUTHERN REGION

Maimonides Torah Academy	24412 Narbonne Ave. Lomita, CA 90277	(310) 326-8234	"K-6"	Orth.

SUPPLEMENTARY SCHOOL LIST

LOS ANGELES/BEVERLY HILLS - METRO REGION

Ami School	5870 West Olympic Blvd., L.A., CA 90036	(818) 783-3152	Comm.
Temple Emanuel	8844 Burton Way, Beverly Hills, CA 90211	(310) 288-3737	Ref.
Etz Jacob Congregation	7659 Beverly Blvd., L.A., CA 90036	(213) 938-2619	Orth.
Hollywood Temple Beth El	1317 N. Cres. Heights Blvd., Los Angeles, CA 90046	(213) 656-3150	Cons.
Temple Isaiah	10345 W. Pico Blvd., L.A., CA 90064	(310) 277-2772	Ref.
Temple Israel of Hollywood	7300 Hollywood Blvd., L.A., CA 90046	(213) 876-8330	Ref.
Knesset Israel Congregation	1260 N. Vermont Ave., L.A., CA 90029	(213) 665-5171	Cons.
L.A. Hebrew High School	14937 Ventura Blvd. #201, Sherman Oaks, CA 91403	(818) 789-7637	
Pressman Academy Religious School	1027 S. La Cienega Blvd., L.A., CA 90035	(310) 652-7353	
Sephardic Temple Tifereth Israel	10500 Wilshire Blvd., L.A., CA 90024	(310) 475-7311	Seph.
Sinai Temple School	10400 Wilshire Blvd., L.A., CA 90024	(310) 474-1518	Cons.
Union Hebrew High School	6300 Wilshire Blvd., #1475, L.A., CA 90048	(213) 653-9962	Ref.
Vista Del Mar (Dormitory)	3200 Motor Ave., L.A., CA 90034	(310) 836-1223	Comm.
Wilshire Blvd. Temple	3663 Wilshire Blvd., L.A., CA 90010	(213) 388-2401	Ref.

SAN FERNANDO VALLEY REGION

Adat Ari-El Religious School	12020 Burbank Blvd., North Hollywood, CA 91607	(818) 766-4992	Cons.
Ami School	5870 West Olympic Blvd. L.A., CA 90036	(213) 783-3152	Comm.
Temple Adat Elohim	2420 E. Hillcrest Dr., Thousand Oaks, CA 91360	(805) 497-7101	Ref.
Temple Ahavat Shalom	18200 Rinaldi, Northridge, CA 91326	(818) 360-6349	Ref.
Temple Aliyah	24400 Aliyah Way, Woodland Hills, CA 91367	(818) 346-3545	Cons.
Temple Beth Ami	18449 Kittridge St., Reseda, CA 91335	(818) 343-4624	Cons.
Temple Beth Emet	600 N. Buena Vista St., Burbank, CA 91505	(818) 843-4787	Ref.
Temple Beth Haverim	5126 Clareton Dr. #140, Agoura Hills, CA 91301	(818) 991-7111	Cons.
Temple Beth Hillel	12326 Riverside Dr., North Hollywood, CA 91607	(818) 763-9148	Ref.
Congregation Beth Kodesh	7401 Shoup Ave., Canoga Park, CA 91307	(818) 346-0811	Cons.
Congregation Beth Shalom	23045 Lyons Ave., Newhall, CA 91321	(805) 254-2411	Cons.
Temple Beth Solomon of the Deaf	13580 Osborne St., Arleta, CA 91331	(818) 899-2202(Voice)/896-8621(TDD)	Ref.
Temple Beth Torah of the SFV	16651 Rinaldi, Granada Hills, CA 91344	(818) 831-0835	Ref.
Temple B'nai Hayim	4302 Van Nuys Blvd., Sherman Oaks, CA 91403	(818) 788-4664	Cons.
Burbank Temple Emanuel	1302 N. Glenoaks Blvd., Burbank, CA 91504	(818) 845-1734	Cons.
Chabad of the Valley	18141 Burbank Blvd., Tarzana, CA 91356	(818) 784-9985	Orth.
Temple Emet	20400 Ventura Blvd., Woodland Hills, CA 91364	(818) 348-0670	Ref.
Etz Chaim torah School	1080 Janss Rd., Thousand Oaks, CA 91360	(805) 494-8174	Cons.
Temple Judea	5429 Lindley Ave., Tarzana, CA 91403	(818) 342-3177	Ref.
L.A. Hebrew High School	14937 Ventura Blvd. #201, Sherman Oaks, CA 91403	(818) 789-7637	Cons.
Ner Maarav	5180 Yarmouth, Encino, CA 91316	(818) 345-7833	Cons.
Shir Chadash/New Reform Congregation	17000 Ventura Blvd. #100, Encino, CA 91316	(818) 986-6102	Ref.

Temple Solael	6601 Valley Circle Blvd., Canoga Park, CA 91307	(818) 348-3885	Ref.
Stephen S. Wise Temple	15500 Stephen S. Wise Dr., L.A., CA 90077	(310) 476-8561	Ref.
Union Hebrew High School	6300 Wilshire Blvd. #1475 L.A., CA 90048	(213) 653-9962	Ref.
Valley Beth Israel	13060 Roscoe Blvd., Sun Valley, CA 91352	(818) 782-2281	Cons.
Valley Beth shalom	15739 Ventura Blvd., Encino, CA 91436	(818) 788-3584	Cons.

BRENTWOOD/CULVER CITY/MALIBU/PACIFIC PALISADES/SANTA MONICA-WESTERN REGION

Temple Adat Shalom	3030 Westwood Blvd., L.A., CA 90034	(310) 475-4985	Cons.
Temple Akiba	5249 Sepulveda Blvd., Culver City, CA 90230	(310) 398-5783	Ref.
Beth shir shalom	1827 California Ave., Santa Monica, CA 90403	(310) 453-3361	Ref.
B'Nai Tikvah Congregation	5820 Manchester Ave., L.A., CA 90045	(310) 645-6262	Cons.
Kehillath Israel	16019 Sunset Blvd., Pacific Palisades, CA 90272	(213) 459-2328	Recons.
Kehillat Maarav	1715 21st St., Santa Monica, CA 90404	(310) 829-0566	Cons.
Leo Baeck Temple	1300 N. Sepulveda Blvd., L.A., CA 90049	(310) 476-2861	Ref.
Malibu Jewish Center & Synagogue	3504 Winter Canyon Rd., Malibu, CA 90265	(310) 456-2296	Recons.
Midrasha	(8th-12th) Western Region	(310) 453-4276	Comm.
Temple Mishkon Tephilo	201 Hampton Ave., Venice, CA 90291	(310) 392-3029	Cons.
Nessah Israel Hebrew Academy	1537 Franklin Ave., Santa Monica, CA 90404	(310) 453-2218	Orth.
Sha'Arei Am	1448 18th St., Santa Monica, CA 90404	(310) 453-4276	Ref.
University Synagogue	11960 Sunset Blvd., L.A., CA 90049	(310) 472-1255	Ref.

GLENDALE/PASADENA/SAN GABRIEL VALLEY - EASTERN REGION

Temple Beth Ami	3508 E. Temple Way, West Covina, CA 91791	(818) 331-0515	Cons.
temple Beth David	9677 Longden Ave., Temple City, CA 91780	(818) 287-9994	Ref.
Temple Beth Israel	3033 N. Towne Ave., Pomona, CA 91767	(714) 626-1277	Ref.
Temple Beth Ohr	15721 E. Rosecrans, La Mirada, CA 90638	(714) 521-66765	Ref.
Temple Beth Shalom	14564 E. Hawes St., Whittier, CA 90604	(213) 941-8744	Cons.
Temple Beth Torah	225 S. Atlantic Blvd., Alhambra, CA 91801	(213) 283-2035/(818) 284-0296	
Temple B'Nai Emet	482 N. Garfield Ave., Montebello, CA 90640	(213) 723-2978	Cons.
Midrasha (8th-10th)	Eastern Region	(818) 798-1164	Comm.
Temple Ner Tamid	10629 Lakewood Blvd., Downey, CA 90241	(310) 861-9276	Ref.
Pasadena Jewish Temple & Center	1434 N. Altadena Dr., Pasadena, CA 91107	(818) 798-1164	Cons.
Shaarei Tikvah Religious School	550 S. Second Ave., Arcadia, CA 91006	(818) 445-0810	Cons.
Temple Shalom	1912 W. Merced, West Covina, CA 91790	(818) 337-6500	Ref.
Temple Sholom	963 W. Sixth St. Ontario, CA 91762	(714) 983-9661	Cons.
Temple Sinai of Glendale	1212 N. Pacific Ave., Glendale, CA 91202	(818) 246-8101	Ref.

SOUTHERN BEACH AREAS - SAN PEDRO/PALOS VERDES - SOUTHERN REGIONS

Temple Beth El	1434 W. 7th St., San Pedro, CA 90732	(310) 833-2467	Ref.
Chabad of south Bay	24412 Narbonne Ave., Lomita, CA 90717	(310) 326-8234	Orth.
Temple Menorah	1101 Camino Real, Redondo Beach, CA 90277	(310) 316-8444	Ref.
Ner Tamid of south Bay	5721 Crestridge Rd., Rancho Palos Verdes, CA 90274	(310) 377-6986	Cons.
Congregation Tefereth Jacob	2617 Bell Ave., Manhattan Beach, CA 90266	(310) 546-3667	Cons.

شرکت در انتخابات سیامک،

شرکت در پیشبرد امور جامعه است.

PERSIAN HILLEL & INTERNATONAL JUDEA FOUNDATION
PRESENT

HAVE YOU EVER THOUGHT ABOUT COMMUNICATION AND LANGUAGE BARRIERS?.

- Have you ever listened to others without simultaneously judging them in your mind?
- Do you often feel misunderstood or accused of saying what you have not meant to say?
- Have you often experienced the constant struggle in shifting from one language to another and still being misunderstood?
- Are " *I love you* " and " *apologize* " the most difficult things for you to say to your parents or children?

Please join Persian Hillel and International Judea Foundation for a unique discussion with :

- Dr. Danesh Foroughi, Ph.D.
- Mr. Mike Karubian, M.F.C.C.
- Ms. Nora Ghodsian, L.C.S.W.
- Mr. Farshad Yadegar

LOCATION: University Synagogue (310) 472-1255

ADDRESS: 11960 Sunset Blvd., Brentwood

DATE: Sunday, September 19th (For Young adults16-39 years of age)
Sunday, September 26th (For the general public)

TIME: Seminar starts promptly at **3:30 P.M.** and it is scheduled to continue until approximately 6:00 P.M.

Coffee, Tea, and Pastry will be served from 2:30 P.M. to 3:15 P.M. In order to avoid inconveniences and/or interruptions, please be on time.

FEE: Students with ID: Free Others: $3.00

For additional information, please call:
(310) 824-3300 or (818) 907-5862

make independent judgements about issues. Most people, however, liked solid laws and the boundaries which it provided. Reform was chaotic. The old ways provided order.

Reformers had applied reason to destroy long accepted (if not chosen) traditions and customs. The Jews needed a new structure, a new definition and a new identity. The reformers had reduced the lifestyle, the culture, the language, the history of a nation of people into just religion. They had opened the pandora's box and could not close it anymore. That's why I say modernity is a one way odyssey from the "traditional" to the "modern." They had managed to convince many that 18 centuries worth of tradition was unuseful and irrational.

One tends to get over critical of the movement of Reform Judaism. Now only in retrospect do we see what Reform Judaism led to in Germany. Now we know that many of those who accepted reform Judaism later converted. Back then the reformers had no idea these would be the results. reform Judaism had provided continuity with tradition, too.

German Reform rabbis continued to justify their reforms by making references to rabbinic sources. Early on, Jacobson and his followers had no intention of breaking with tradition. On the contrary, they were trying to use a few aesthetics to make Judaism more appealing to the Jews who were living their faith in great numbers. Their attempt to keep Jews Jewish reflects the greatest continuity in Jewish tradition. Change has allowed Judaism to transform to meet the needs of its age. Jewish spiritual leaders had always tried to make compromises in order to satisfy their people. Geiger believed, "the role played by tradition enabled Judaism to adapt itself constantly." Besides some radical reformers like Holdheim, many reformers believed "change in Judaism had always been organic and not revolutionary. Their changes were to develop out of the past, and not present a revolutionary break." (Encyclopedia Judaica) Reform Judaism was one response to modernity. Unfortunately, it could not provide all the answers to the Jews but neither did the other movements.

Modernity gave Jews choices. But it is hard to choose. Reason doesn't answer every question. It doesn't fulfill individuals spiritual needs. Reformers by applying reason destroyed many beliefs but failed to replace them with new ones. They left a hole. The Jews felt lost, they now had to look for new definition and meaning and new identities. the problem with rationality or existentialist theory is that it destroys a core of beliefs but gives no replacement. Thus, the Jews felt alienated and lost.

What emerged after the decline of the reform movement in the age of modernity was according to Hannah Arendt,"... a transformation of an unselfconscious and public membership in a common tradition into a tortured and futile effort at redefinition." In an age "where everything solid melts into air," according to Karl Marx (an assimilated Jew), the Jews had lost their peace of mind. Reform Judaism, based on post-modernist social theory, had failed as a social imaginary signifier to show Jews a sense of purpose. It had not showed the lost Jews of Germany the way "home."

Pooya Dayanim is a staff writer for Javanan Weekly Magazine. He has published over 150 articles, interviews, pieces and essays. This article "Reform Judaism" was awarded the highest honors in by the ARSA (American Religious Studies Association. It was funded by a generous grant from the CSUN Foundation.



sides that if they make some alterations they can easily accommodate each other and live in harmony. Obviously it was the Jews (the minority) who had to take the first step to prove to Germans (i.e. Christians) their "Germanness" and "sameness."

Israel Jacobson's changes were mostly in the ceremonious aspect of Judaism. He only made minor changes in its content. there were bells, clerical robes, silence and decorum, a Torah procession with alter boys and candles, there was decorum and the Torah was read both in Hebrew and in German, there was a chorus and an organ. Israel Jacobson had managed to make the services "civilized." His action in 1810 before the time of emancipation was truly unique. One marvels over the opening day of this temple as we read W. gunther Plaut's The Rise of Reform Judaism. Plaut presents us with the observations of an eye-witness as he asks, ""where would one have seen a similar day on which Jews and Christians celebrated together in a common service in the presence of more than forty clergymen of both religions, and then sat down to eat and rejoice together in intimate company?

It was the next generation of reformers who developed an ideological justification for reform. I would place this next period of reform from 1840 to 18880. This new age of reformers didn't just want to make Judaism look good but they wanted it to make it rational. These Jewish reformers like Montaigne wanted to reject everything that was not readily apparent to their reason . So what if a certain tradition had been a paart of Jewish life for centuries and centuries? Just because it was tradition that didn't mean it was rational. Just like the traditional Rabbi Sofer who was saying "everything new is forbidden" some reformers agreed with Samuel Holdheim as he vocalized, "In the Talmudic Age, the Talmud was right. In my age, I am right." This, one must not forget, was the beginning of Utilitarianism all over Europe as well. All that the Reform movement was doing was to make Judaism more useful, more modern, more up to date. Continuity of old traditions seemed plain irrational. If a tradition was deemed rational, then it should continue.

What was the rationale of Reform Judaism for change? They argued that Judaism had always evolved through history. History proved that Judaism had evolved and must continue to evolve. They argued that the laws and changes had been made by human beings. thus, if laws and customs have changed throughout history that meant, according to the reformers, that they could change Judaism as well. Torah which was given in Sinai would be preserved. But Oral law which consisted of old responses to old problems were to be discarded with since they provided no new solution to new problems. Leopold Stein believed, "the Talmud is not for us in any respect a credal book or a basic source of divine communication." The reformers called circumcision a savage act. (I guess they wanted their private part to be the same as their other fellow Germans.) They took out of the prayer books any reference to Jewish nationalism or messianism. Talking of a homeland to go back to was preposterous Jews were Germans and Germany was their home. some reformers wanted to move the Sabbath to Sunday and also wanted to read the prayers mostly in German. And this is where a break up occurred. This was only natural. Once people are given choices not all choose the same thing. Once everything is based in reason not all reach the same conclusion. Oliver Wendell Holmes once wrote, "Reasonable man can reasonably come to reasonably different conclusions."

The Reform Judaism split apart after the Frankfurt synod of 1845. The conservatives like Frankel didn't want to get rid of Hebrew from the liturgy. The radical reformers had gone stray. They had lost their popularity amongst the people. Those Jews who were tired of Judaism had simply converted. Other although they were few stayed traditional. some chose Frankel's path of moderate reform. Reform Judaism grew because it was suppose to make Judaism and staying Jewish convenient. It was suppose to help enlightened Jews avoid wearing their Jewishness on their slates. But slowly after the division of 1845 Reform slowly lost its popularity in Western Europe. It was later transplanted in America, where large waves of Jews were moving to, and where Reform Judaism became very popular and where it continued to grow. The reformers never came up with solid decisions about issues. They failed to reach consensus on various issues. Before emancipation there was one law and one tradition that everyone followed but now the Jews didn't know who to listen to. Many just stopped listening. Consensus couldn't be reached on most issues which was fine for it allowed individuals to

Reform Judaism:

The Religion of Transitional Jews

by Pooya Dayanim

In this article Reform Judaism is examined as an ideological response to modernity. Reform Judaism is solely discussed as it evolved in Germany and how this ideological response reflects continuity with Jewish tradition and how it accommodated to modernity. It is suggested from the word "reform" that it involves some accommodation and some continuity. It will also try to look at the history of Europe to analyze the various forces which led to the rise of Reform Judaism. But first an approach towards modernity is formulated.

All global cultures are condemned to modernity" according to Octavio Paz. Modernity, thus, is not a cultural option but a one-way odyssey from the "traditional" to the "modern." Octavio Paz's notion forces us to take a dialectic approach to modernity. In early 19th century there was, on one hand, socioeconomic modernity which was the "fate" of all Jews as they integrated into the nation-state system and the internationnal trade market (mercantilism), but on the other hand, there must be a realization that although this integration was "fate" in a structural sense it was also an odyssey made by relatively free and independent Jews who realized the benefits and possibilities of emancipation and modernity. Most enlightened Jews saw a possibility for social mobility and self—development. They had been hungry for it all their lives. Thus, one concludes, this dialectic approach of self-development, on the one hand, and socioeconomic structures, on other hand, comprehends cultural processes as involving complex cultural choices made by people even though not in conditions they would choose themselves.

Regardless of the Jews' desire to have or not have emancipation they got it. Now they had a "choice" to decide how they wanted to assimilate. And without question many Jews wanted to assimilate. for centuries they had been the "other." Now they had the opportunity to show their full potential. Many felt tied down by their religion. Judaism hindered their development. The many different laws and traditions bothered them. This religion simply asked for too much. They couldn't eat what they wanted, they couldn't marry who they wanted, and they couldn't work when they wanted. These laws and practices constantly highlighted their "differentness" while the Jews wanted to show their "sameness" to other Germans. Thus, accommodation to modernity for a majority of Jews was inevitable. It was indeed cultural "fate." Reform Judaism offered a solution. Reform Judaism created a religion that was acceptable to the "enlightened" "rational" "modern" Jew. But it didn't provide all the answers. It didn't solve all of the problems of these liminal Jews.

The reform movement in Germany was peculiar in that it first took the actions and made the reforms it felt was necessary and then only later on came up with an ideology to justify the alterations it had made. It provided what in legal language is called Ex-post Facto (after the fact) justification. A person like Israel Jacobson was no ideologue. When Israel Jacobson built what can be called the first reform synagogue he wasn't trying to start a religious movement. What he wanted to do was to make Judaism and its rituals more aesthetically pleasing. He wanted to bring the Jews and Christians closer together. He wanted to show both groups their commonality. He wanted to demonstrate to both

(religious and Zionist), all of which are self-defined in terms that resort to history, rejecting the traditional form of experiential memory (historiosophy) that connected preceding generations to their past.

Thus, traditional notions about God, revelation, humanity, and Israel's role in the world are beyond belief for most modern Jews.

A salient product of the rupture is the emergence of the professionnal Jewish historian, whose advocacy of pure scholarship in understanding the Jewish past can be seen as a metaphor for the secularization of Jewish history.

The historicizing of Judaism cannot restore the autonomy of the Jewish past; it can only offer an assessment of why the authority of Jewish tradition was abandoned and can never again be the same.

Modern Jewish historiography maintains that a) Judaism cannot be defined b y a priori definitions; b) categories of historical change affect Jews as they do others; and c) the Jewish historian is wrongly seen as restorer of past Jewish glory since he/she is neither the innovator of the system nor the cause of its malady.

In the words of Moritz Steinschneider (1816-1907), the great Jewish bibliographer who showed conclusively how much Western culture owed to Jewish translators of the Middle Ages: "We have one task left: to give the remains of Judaism a decent burial."

the present moment speaks more of the fumes of cyanide than the fire from Sinai. The breakdown of classical Jewish values, the growing rate of intermarriage, the low Jewish birthrate, rising anti-Semitism and anti-Zionism both overt and covert, the attraction to non-Jewish secular and religious cultures, the lack of love between Jew and Jew, the increasing rate of suicide, divorce, and single Jewish parenthood, and other issues are contributing to the important question, "Can Jews and Judaism survive Jewishly in the 21st century?"

Regrettably, it is questionable whether models of Jewish significance and commitment can restore Jewish identity for a substantial amount of Western Jews who lack faith and history. Academic discussions of Jewish identity can report and analyze processes and changes, but they cannot innovate or eliminate components of assimilation.

There is, however, an obligation upon every declared Jew to justify his/her decision to remain a Jew. Ultimately, Jewish survival lies in the activity of Jews of memory who, through the historical study of Judaism, recognize its worth in the past, present, and future.

However one defines a Jew (race, nationality, religion, ethnic, fact of birth or choice), the connective link is memory and exercise thereof. This is the true mortar which mystifyingly brings together ('im) the people ('am) of Israel.

Persian Jews

merchants that rose to prominence at this time. This was the Ferdowsi St. carpet cartel which numbered some fifty shops at its apex. This group was made up almost exclusively of recently arrived Isfahani Jews who developed a thriving business, not so much in the export trade, but rather in retailing carpets to Tehranis, tourists and the burgeoning population of foreigners working in Iran at this time.

I by no means want to give the impression that the Jewish carpet merchants were more than just one part of the tremendously successful phenomenon of the Iranian carpet industry, but I thought it important and interesting to relate the significant role they did play in helping the industry to evolve, and to make Iran and themselves prosper to the extent that they have.

The subject of "the blood of the saintly martyrs," which demands justice and cries for mercy? In rabbinic times, the sagacious guardians of Torah. In medieval times, holy children. In recent centuries, the countless innocent and righteous victims of massacres, pogroms, and shoah (Holocaust).

Judaism in history is seen by its luminaries as outside of history. From Moses to Moses to Moses, Judaism affirmed neither past nor future. Rather it taught passionate awareness of personal and group contingency and freedom. This is accomplished by stressing existence (historiosophy) and not essence (historiography) of historical events.

- - Moses Maimonides (1140-1205), the greatest medieval Jewish sage, synthesized the revealed teaching with aristotelianism. He snubbed history.

- - Moses Mendelsohn (1729-1786), the father of the Jewish Enlightenment in Germany, perceived the Teaching as a divine legislation of ceremonial laws, in consonance with judgments of reason. He saw foolishness in history.

Running through their thought is a Judaism defined in metahistorical or ahistorical categories. However, Judaism's shifting position on history took place in the late medieval period.

The emergence of Jewish historical writing began in the sixteenth century, written by sephardic Jews in the decades following the Spanish expulsion.

In the spring of 1492, Ferdinand and Isabella spain expelled all the Jews from their lands, the pretext being that Jews in their Jewishness discouraged Marranos in pursuing and practicing their new religion, Christianity. In reality, the expulsion of Spain's Jews was due to royal greed; intensified nationalism (the successful expulsion of the Moslem Moors had just ended); and the religious zeal of the Church, the Queen, and the masses.

Spanish Jewry, the largest and most influential Jewish community in Europe, turned to historical writing in the sixteenth century with the need to make sense of the unfathomable. The need to fathom how Jewish life might continue after 1492 forced Jews to look at history as they had never done before.

Some relied on traditional categories and messianic language, others boldly rejected those answers. In his Shevet Yehudah, Solomon Ibn Verga spoke of natural causes that explained the expulsion. Going even further towards the development of historical consciousness, azariah de Rossi (Me'or Einayim) questioned the accuracy of the universally accepted "chain of tradition."

The dynamics of enlightenment and emancipation, however, brought crises to Tradition, and became the linchpin for historical awareness and writing.

The granting of civil equality to the Jews of France and elsewhere was more of an exchange than a gift — Jews were expected to give up much of their distinctiveness as a people. Thus enlightened, westernized Jews sought to pave the way for the integration of the Jews by interpreting Jewish history in western categories.

Beginning in the early nineteenth century, a plethora of such monographs, books, and articles about Jewish culture were published in German and other European tongues — guided solely by the rule of reason and the canons of literary criticism. Judaism had to prove its validity to history; history's usefulness to Judaism went unquestioned.

The encounter of modernism and tradition seeded a major dilemma in the history of Judaism. It produced modern varieties of Judaism

After 70 C.E. Jews lived between the glories of the past and the messianic restoration to come. Contemporary events were noteworthy only insofar as they were foretold by past generations and/or gave clues about the coming redemption. In this context, Maimonides attitude towards history (Commentary to Mishnah, Sanhedrin 10:1) is typical: occupation with history is "a useless waste of time."

Jewish memory in the medieval world was transmitted not by historians but by talmudists, exegetes, codifiers, philosophers, and kabbalists. In fact, the only Jewish sources for the history of this period are related to Jewish martyrdom - selihot (penitential prayers), memorbucher, "Second Purims," and fast days.

Jewish liturgical and mystical traditions are non-historical in foundations and orientation. Take the Yom Kippur piyyut Eleh Ezkerah "These (martyrs) I well remember," for example.

This alphabetical acrostic prayer describes the torture and death suffered by 10 sages, including the distinguished Rabbi Akiba, in the reign of Hadrian (second century) for having defied a royal decree not to teach Torah. The story, which serves as the basis for this prayer, is found in an early collection of Jewish mysticism. Hekhalot Rabbati.

According to this work, a circle of mystics in Jerusalem, led by Rabbi Nehunia ben ha-Kanah, heard that Rome planned to execute 10 of the greatest sages in order to atone for 10 unpunished brothers of Joseph, who sold him to a band of Ishmaelites. They wished to know if the decree was providentially designed or the whim of an evil emperor. Rabbi Nehunia then asked his "youngest disciple, "Rabbi Ishmael be Elisha, to ascend to the heavenly realm and determine the origin of this edict.

Rabbi Ishmael purified himself ritually, pronounced the Name, and ascended to Heaven. There he learned from one robed in linen, who said: "submit, beloved saints, for I have heard from behind the curtain (the heavenly Judge) that this would be your fate.

There is no question that Jewish sages suffered martyrdom under Rome. But were Rabbi akiba, Rabbi Ishmael, Rabbi Simeon, and others, executed on one and the same day (history)? And is not the reason for the execution similar to the Christian apology for the crucifixion of Jesus (theology)?

The message of vicarious atonement is anathema to the Jewish mind. Deuteronomy 24:16 states: "The fathers shall not be put to death for the children, neither shall the children be put to death for the fathers; every man shall be put to death for his own sin" (cf. also Exodus 32:33, and Ezekiel 18).

How then to explain poor history and dangerous theology? Only one way, the prayer and the narrative are not presented as historical or theological events. Rather, they are a paradigmatic message which proclaims that the sacrifices made by the righteous contributed to the fall of Rome.

Subsequent generations read into the "Ten Martyrs" (popular name for the Eleh Ezkerah) their own martyrdom. Preferably then having their children raised in the religion of "the hanged one," many medieval Jewish parents sacrificed their own children by their own hand:

This has befallen us; we narrate it with a heart full of grief. Thou who art in heaven, need our supplication; thou, O Lord, art a merciful and gracious God. Gracious one, look down from heaven; see the blood of the saintly martyrs, and remove all stains of guilt. O God, thou art the King who does sit on the throne of mercy.

We have sinned against thee, our god; forgive us, O our Creator.

(From the Musaf service for Yom Kippur)

Judaism as Historiosophy

By Zev Garber

As the liturgy of Rosh Hashanah and Yom Kippur suggest, memory is an essential function of the Jewish consciousness. Yet, we often make the mistake of assuming that our stress on commemoration entails a commitment to the craft of the historian.

In recovering the past, Jewish memory has not traditionally been interested in history, as that term is currently defined. Since inception until modern times, Jews did not interest themselves in historiography.

THEY DID not encourage techniques, theories, nor encourage principles of historical research and presentation; nor support methods of historical scholarship.

THE NARRATIVE presentation of history based on a critical examination, evaluation, and selection of material from primary and secondary sources and subject to scholarly criteria are absent from Jewish classics.

In a sentence, Jews, participants in history, wrote no "official" history. The one possible exception is Josephus, who lived in the first century, but as a Jewish apologist before Rome, he wrote not for Jews but on behalf of Jews. Jews in pre-modern eras did not look backwards with the aim of discovering facts. They sought rather to derive paradigms from the the sacred events of the past by which they could then interpret and respond to contemporary events. Paradigmatic and not pragmatic concern was the issue and emphasis. Jews dabbled in historiosophy (a philosophy of history) and not historiography. The biblical authors discuss life, liberation, deliverance, and the Jewish People's continuous relationship with God. Running through this experience is an element of mystery stemming from God's penetration into history, limiting human knowledge and ethical conduct.

The right and ethical life is to be attained by following creeds, rites, rituals, and appointed times - all of which enables each generation to reenact the pivotal moments in the life of the Jewish People.

The ambiguity of contemporary vicissitudes is illumined with reference to the paradigmatic categories of the past. Remembering the Exodus, for example, is not to ask which Pharoah, how many Israelites, and how a sea can split, but to think constructively and imaginatively about Freedom in the present and in the future.

Responding to the destruction of Jerusalem and the dispersion of the Jewish People, the Rabbis salvaged Judaism by placing it beyond time and history. They elevated Jewish values, practices, and thought beyond the daily course of events - determined by Gentiles - to a timeless plane.

class. They traded effectively with the sizeable Jewish population in Herat, Samarkand, Bokhara, Merv and Khiva. They excelled as go-betweens with the Sunni Turkestanis on one hand and the Shia Iranians on the other.

In other cities most Jewish communities remained poor up until recent times. There were a few wealthy merchants who dealt in gold, antiquities, silk and precious stones, but it wasn't until the 1950's that many Jewish merchants prospered tremendously in the business of dealing carpets.

Iranian Jews can take credit for being instrumental in the development of export markets for carpets. As mentioned before, Meshadi Jews were exporting carpets in central Asia one hundred years ago. When the soviet union closed its borders to them in the 1920's, a number of them moved their base of operation to Karachi in India. There they acted as commission agents bringing carpets from Khorassan and other parts of Iran through Zahedan to be transported on to carpet merchants in London. Partly because of this connection, London was at this time the leading carpet center in the west. One of the original European carpet trading companies, O.C.M., was started as a partnership between Meshadi Jews and English merchants. There were as many carpets reaching Europe through this conduant as were arriving overland through Turkey from Tehran and Tabriz.

In 1898 the Isrealite Universelle, the French philanthropical agency, opened their first schools in Tehran and elsewhere in Iran. The Jewish students were instructed in French and Farsi and were to a certain extent westernized with European ideals. The Judeo-Persian dialects began to disappear and most Jews moved out of the mahalle to the khiabun, where they integrated more readily with the Muslim population. From the beginning, the policy of the Alliance was to foster contact with the non-Jewish world. This played an important role in the social development of the Iranian Jews vis a vis the Iranian Muslims and Europe as well.

In the 1930's and 40's Jewish antiquities dealers in Tehran, who sold mostly to the diplomatic community, began to get involved with carpets as well. As more and more carpets were being exported abroad, Tehrani Jews took advantage of their relationships in the west to develop more trading contacts in Europe.

When the west, as a carpet market, developed to the extent that it did, the somewhat cosmopolitanized Iranian Jews were ready to interact commercially. Many travelled to France, England, Germany and Italy to set up agencies to import Persian carpets and distribute them throughout Europe and on to America.

By the 1950's Tehran was booming economically. Iranians and especially Jews were migrating in large numbers to the capital city to participate in the new opportunities. India had gained its independence and Meshad had become even more provincial, so most of the Meshadi Jewish carpet dealers moved there also. They, and to a lesser extent those dealers already working out of Tehran, formed the core of the large scale Iranian carpet exporters of the 1960s and 70's. Seven or eight of these Jewish firms were exporting goods in excess of eighty million dollars annually and another half a dozen were exporting in the range of thirty to forty million dollars annually.

In addition to this group there was another important group of Jewish carpet

Continued page 104

the rise of the Safavids in the 16th century and Iran's increased political and commercial contact with Europe that their circumstances began to change - and that change became recorded in history.

Iran's main export at this time was woven silk products and to a much lesser extent, carpets. These export commodities were traded to the European in ports on the gulf, and the commerce was controlled from the capital in Isfahan. The Jews throughout Persian history have tended to concentrate in the capital, and in Isfahan they were well-represented in commerce and society.

Their economic status began to deteriorate when Armenian merchants, many of whom had also recently relocated to Isfahan, began taking control of foreign trade. The Jews' social status also began to deteriorate because of an inability to remain integrated with the newly reoriented Shia regime and the changing nature of Iranian society.

Most Jews were reduced to types of employment unwanted by the Muslims. Very few were financially well-off. A few did well as physicians and gold traders, but most were employed as tailors, weavers, dyers, peddlers, musicians, wine sellers and antiquities dealers.

Most western travelers' accounts through the nineteenth century described Iranian Jewish communities as living in depressed conditions. They inhabited their own quarter of the cities, called Mahalle, and lived under a set of rules that distinguished them from the rest of the population. In each location the Jews spoke a different dialect of Judeo-Persian which was for the most part unintelligible to the Persians or to Persian Jews from other regions. This distinct language also served to cut Persian Jews off from Jews in other areas of the middle east.

It was in the beginning of this century that the social-economic situation of the Jews, as well as for the rest of the Iranian population, began to improve. This was primarily because of an increasing participation by Iran in a worldwide trading ecoonomy, the coalescence of an increasingly more important bazaar class, and the development of Persian carpets as an industry and an export commodity. Throughout this century as the Persian carpet industry evolved and expanded, Iranians, and the Jews in particular, used this economic resurgence as a vehicle for financial and social betterment. The Jews rode the crest of the carpet business expansion to positions of wealth and mobility.

The most successful example of this is found in the experience of the Meshadi Jews. In the mid-eighteenth century the Jewish population in Meshad was increased by Nadir Shah's relocation of some fifty families from Qazvin. This community of Jews prospered over the years, relative to those elsewhere in Iran. It is supposed that this was a direct result of their forced mass conversion to Islam in 1839. Although they secretly maintained their religious practices (like the Moranos in Spain and elsewhere had done before), they were more able to integrate, as new Muslims, into the community on the whole, as well as into the bazaar. (Even today Meshadi Jews have Islamic names.) They were able to thrive commercially and gain acceptance and wealth. They engaged in domestic trade with Tehran, Isfahan and Shiraz and in external trade with Afghanistan and Turkestan. Those dealing in carpets and karakul lamb skins became rich, while others joined the middle

sors continued his policy of toleration for Jews as well as for other peoples in the empire.

Under the Parthians, conditions for Jewish life were also very favorable. Jewish traders worked throughout the empire, but the center of Jewish life in the Persian world remained in Mesopotamia. It was here that Judaism evolved into the religion as we know it today - with a notable Zoroastrian influence. Due to persecution under the Greeks and Romans, Jews continued to emmigrate from Palestine to Persia where they could find a more compatible situation. The Sassanian king, Shapur I, encouraged that all peoples, Jews as well as Christians, be free to practice their own religion. The Sassanians, like the Parthians before them, continued the traditional hostilities between Persia and Rome, and realized that Middle Eastern Jews and Christians would be good allies.

The development of Jews as an international people stems from this era. Living in both the Greco-Roman and Persian worlds, Jews developed and maintained social and economic ties between the two. This tradition of contacts between east and west gave the Jews an economic advantage which contributed, as we will see later, to their recent success as exporters and importers in Iran.

Jews in the Sassanian era began migrating in large numbers eastward to urban areas such as Hamadan and Isfahan. Although a small number became active in agriculture and settled in Kurdistan, the trend for Persian Jews has been toward urbanization. Many became involved in banking and international trade with widespread connections extending from Turkey and the Levant to India and Central Asia. A Jewish business letter dated 718 which has been found in Khotan demonstrates the extent of these contacts.

With the advent of Islam, the Jews and Christians lived under the Covenant of Umar, a comprehensive code governing their activities, which they agreed to abide by in exchange for protection from the Muslim state. In addition, an annual poll tax, or jizyah, was levied. The Persian Jews prospered under this condition and the trend of urbanization continued. Most lived in separate quarters in the cities, but interacted with the general populace in the bazaar.

The Abbasid revolt, which started in Khorassan, benefited all non-Arab peoples of the empire, including the Jews. The Mesopotamian Jews were particularly fortunate that the capital shifted from Damascus to Baghdad for this enhanced their economic position. Although Mesopotamia was once more the center of a great empire, the Persian Jews did not remain concentrated in that area. For some time trade had been attracting them to cities in the east, and this continued after 750. Many settled in the cities of Khorasson, Afghanistan, and Turkestan.

The Jewish experience in the Islamic world has often been contrasted favorably to that in Christian Europe. Persian Jews of this period were encouraged to help expand international trade and often rose to positions of great wealth and power. However, little detail was known about Jewish life until the time of the Safavids when European travelers began to record their encounters with Jews in the cities they visited. During the era of Turkish and Mongol domination the lives of most Jews remained relatively unchanged. It was with

Persian Jews In The Oriental Rug Business

By Bob Gibson

Editor's Note:
The following article is written by Robert Gibson, an oriental rug trader and enthusiast based in Tuscon, Arizona. The significance of this article is not only the fact that it is one of the few research pieces done on this subject, but that it was delivered last June (1992) during the International Conference on Oriental Carpets held in Tehran...

Although researchers of Iranian Jewish history may object to the accuracy of some of the information presented, such as the treatment of Jews under the Safavid dynasty or the level of Jewish representation in commerce and society in that period, we found this article particularly interesting and informative for the younger generation of the community and our English speaking readers.

I originally became interested in the history of the Iranian Jews in the carpet business when I first got involved in the business myself - fourteen years ago. It intrigued me that so many of the Iranian carpet dealers that I came into contact with were Jews when I realized that they represented such a small minority of the Iranian population. They have at no time exceeded more than half of one percent.

My first contact with them was on Ferdosi St. in Tehran where, with a few exceptions, the merchants were Jewish. Then in the early 1980's upon returning to the United States, I discovered to my surprise that most of the dealers in Los Angeles and New York were recently arrived Iranian Jews. Upon investigating this phenomenon further, I learned that in the history of the Iranian carpet business, the Iranian Jews have truly played an important role.

I didn't seriously begin to research this history until earlier this year when I decided it might make an interesting topic for a paper at this conference. Unfortunately there is little if anything written about the history of Iranian Jews in the carpet business. My main source of information has been from the interviews I've had with these people recently in the U.S. and Germany. Fortunately everyone's been enthusiastic in relating their stories to me.

There are several good books and articles that have been written in the U.S. and Israel on the history of the Jews in the Middle East, and in Iran in particular. They provide a good general background of the Jews' experience as a minority in this region.

The history of Jews in Iran began some 2,500 years ago with the defeat of the Babylonians by Cyrus the Great. Cyrus had a policy of religious toleration which probably insured the survival of the Jews as a people. The situation for the Jews appeared so promising at this point that Isaiah referred to Cyrus as the Messiah. Cyrus's succes-

WARNING

Japanese Foreign Ministry official Yoshiji Nogami has published an article condemning the reemergence of anti-Semitic literature in Japan.

In the article Nogami says: "The popularity of anti-Semitic literature is nothing more than the reflection of the ignorance of some Japanese people and not an issue of good or bad, however shameful it is."

SYRIAN OPPRESSION

According to a report by the National Academy of Science, Syria has been and may well still be, the country with the highest number of scientists, engineers and health professionals detained for political reasons.

Some of the detainees have been held without charge or trial for more than 11 years.

PERSIAN POISON

Anti-Semitism has been on the rise in Iran since the beginning of 1993, expressed both by official sources and in the media, and it has the support of public opinion which is brainwashed by daily doses of anti-Israeli and anti-Jewish propaganda.

Of note is the fact that during the Khomeini era, the authorities lent their support only to attacks against the State of Israel, differentiating between the Jews (The "People of the Book") and the State of Israel (The "Hand of the Devil").

CONGRESSIONAL CALL

Rep. Eliot Engel, a New York Democrat who is a member of the House Foreign Affairs Committee, has introduced a resolution in Congress calling for the Vatican to grant official recognition and establish relations with the State of Israel.

"By establishing relations with Israel, the Vatican would recognize the common heritage shared by Christians and Jews, as well as send a meaningful message of acceptance and tolerance to the entire world community," Mr. Engel said.

STOCKHOLM OUTRAGE

Vandals have overturned 121 tombstones at the Jewish cemetery of Stockholm, Sweden.

The local Jewish community issued a statement expressing concern over the recent rise of anti-Semitic attacks in the country.

RESTORATION

The former Rotterdam headquarters of the Holland America Line (HAL), one of Europe's grand old shipping companies, has been turned into a luxury hotel.

From the 1880s until the latter half of the 20th century thousands of Jewish emigrants, fleeing poverty and persecution in Europe, passed through the HAL terminals on their way to America.

HOAX

British police are investigating an anti-Semitic hoax in the form of a letter requesting donations to a fictitious Jewish organization, which was sent to non-Jewish community members.

The letter was accompanied by a leaflet whose front cover bears a picture of the notorious Russian Tsarist forgery, *The Protocols of the Elders of Zion*.

COSSACKS

The order of the Volga Cossacks, dating back to 1571, has been re-established at a congress of Volga Cossacks held in Samara, Ukraine.

The Cossacks were Ukrainian horsemen who under their leader, Bogdan Chmielnicki, perpetrated the notorious pogroms of 1648 and 1649, during which thousands of Jews were slaughtered.

HUNGARIAN HERO

A memorial plaque has been unveiled in Budapest to Tivadar Homonnay, who as mayor of Budapest from 1942-44 gave asylum to Polish and Hungarian Jewish children during the World War II rule of the Nazis and Arrow Cross collaborators.

Entire refugee families and Jewish orphans were hidden in his home.

SAMARA JEWS

A National Jewish Center has been created in Samara, a city on the Volga River with a Jewish population of 50,000.

The center has a children's school and a publication titled *Tarbut* (Culture).

CHASHM ANDAAZ
Published by:
International Judea Foundation
(Non-Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish Federation Council
of Greater Los Angeles
P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. (818) 503-1270
Fax (818) 503-9707
Editor
Dariush Fakheri
Associate Editors
Asher Aramnia
George Haroonian
Shahram Siman
Hebrew Section Editor
David Fakheri

There are two synagogues in Bangkok as well as a kosher restaurant and a permanent *shochet* (kosher slaughterer), but there is no rabbi.

NORTH AMERICA

SCROLL TOUR

The Dead Sea Scrolls, considered one of the great manuscript finds of the 20th century, will be exhibited at several museums in the United States through May 1994.

The major scroll fragments and related artifacts, which give a glimpse of life 2,000 years ago in ancient Israel, will be on display in turn at the Library of Congress in Washington, the New York Public Library and at the M.H. de Young Memorial Museum in San Francisco.

MOLDING YOUTH

According to a recent study, extending Jewish education in childhood creates more active, self-identified and charity-giving American Jewish adults.

According to the servey, there is a direct relationship between intensive Jewish education and Jewish philanthropic efforts, synagogue attendance membership in Jewish organizations and ritual observance.

SCIENCE & TECHNOLOGY

LIGHTNING

The Israeli weapons development manufacturer, Rafael, has developed what it says is the most advanced navigational and guidance system for fighter planes.

The new system called "Lightning," particularly effective in low-level night flights and in controlling firing systems, will cost about one-third of similar systems produced in the U.S.

MIG MODIFICATION

The Israeli electronics firm, Elbit, has signed a $300 million contract with the Romanian government to upgrade 100 of the country's Soviet-made MIG-21 fighter jets.

The upgrading will include new avionics, radar and navigation systems and sophisticated computer and fire control equipment.

AGRITECH

Agritech '93, Israel's triennial cultural technology show, attracted record crowds to its Tel Aviv exhibition grounds this year – including representatives from Saudi Arabia and Morocco.

Among the exhibits were a newly developed seedless watermelon, tomatoes which keep fresh for more than a month and a machine which can milk up to 200 cows an hour.

NEW TECHNIQUE

Recent research at Israel's Hadassah Hospital has shown that a computerized CT scan of a corpse performed within six hours of death can yield 75% of the information found by performing autopsies.

The news can be of significance to Orthodox Jews whose tradition forbids post-mortem autopsies.

PLASTIC PROTECTION

The Israeli company "Pitkeet" is negotiating with the C.I.A. on a project to produce innovative plastic code cards printed with computer-activating invisible ink which cannot be forged.

The C.I.A. wants the cards for public gatherings where President Clinton appears to prevent undesirable people from attending using forged cards.

AGE RESEARCH

Researchers at Israel's Weizmann Institute of Science have shown that immune system deterioration in the elderly, commonly believed to be a function of thymus gland shriveling with age, is linked to aging bone marrow cells as well.

The finding may advance the ongoing search for techniques to bolster immunity in the elderly.

POTATO POWER

Researchers at Israel's Weizmann Institute of Science have developed a new variety of potato which provides more nutrition than existing types of the vegetable.

The new strain is genetically engineered to be high in amino acids.

AROUND & ABOUT

VOLOS

About 135 Jews live in Volos, Greece. Although the community has no rabbi, Friday night services are held in the local synagogue.

Tombstone inscriptions indicate that Jews lived in the region as early as the first century.

AFRICAN ZIONISTS

The Zimbabwe monthly Jewish publication *Central African Zionist Digest* is celebrating 35 years of continuous publication.

Presently, 1,200 copies of each edition are printed and distributed in Zimbabwe and Zambia. There are 85 Jews living in Zambia, and 1,200 in Zimbabwe.

AZERI JEWS

Because of political and religious uncertainties in Azerbaijan, 46% of the Jewish population has emigrated and the exodus to Israel is continuing at the rate of about 500 per month.

Recorded Jewish life in Azerbaijan goes back to the 12th century, with the arrival of Jews from Persia.

LOST AND FOUND

Russian archaeologists say they have located the capital of Khazaria, a vanished medieval empire that once controlled most of the Caucasus, the Crimea and much of what is now southern Russia and the Ukraine, in the fifth to the tenth centuries.

The eighth century conversion to Judaism by the king of the Khazars was used as the literary framework for *The Book of the Kuzari,* an important work by the 12th century Jewish poet and philosopher Rabbi Yehudah Halevi.

ISRAEL

PRAYER LINE

Christians worldwide can now call the Holy Land for prayers with the inauguration of a new telephone service, the "Jerusalem Christian Prayer Line," a joint venture between Bezek, Israel's national telecommunications company, and the newspaper *Jerusalem Christian Review.*

The lines will be staffed by volunteers active in ministry work.

NEW ZOO

The new Jerusalem Biblical Zoo, recently opened, features numerous biblical and near-extinct animals and the largest bird sanctuary in Israel.

Its popularity is such that during the Passover holidays more visitors came to the zoo (30,000 on one peak day) than visited the Western Wall.

COOPERATION

Environmentalists in Israel, Egypt and Jordan have launched a joint effort to save the Gulf of Eilat, site of a major coral reef seriously threatened by pollution.

In the last eight years, dozens of species of fish have disappeared from the gulf, once home to more than 1,000 species, and a third of the reef has been destroyed by oil spills, sewage dumping and tourism.

ISRAELI CARTOONS

The newly formed Israeli Cartoonist Association recently held its first exhibition, "Shpitz (Point) '93," in the Jerusalem Artists House.

Although the cartoonists were free to choose works from any phase of their work, the overwhelming majority chose to exhibit recent political cartoons – a sign of the omnipresence of politics in Israeli life.

OLD NECESSITY

Toilet paper in the form of a cotton-woven fabric, the oldest such indication of its existence, has been found at Nahal Omer in the Negev during excavations.

The rag was found in a village garbage heap dating back to the seventh or eighth century.

BOUNTIFUL BOOKS

More than 100,000 books from 40 countries were on sale at the recent 16th International Book Fair in Jerusalem.

For the first time this year China, India and Thailand participated in the fair.

ASIA-PACIFIC

TAHITI JEWS

The Jewish community of Papeete, Tahiti, made up of about 30 families mostly Sephardim, is planning the inauguration of a new synagogue building in August and is looking for a Hebrew teacher for its children.

Currently, a rabbi is brought in from Australia for the High Holidays, and kosher food is imported from France. A *mohel* comes from the U.S. to perform circumcisions.

VIDEO VISA

The Australian Film Censorship Board has approved the screening and sale of video-taped speeches by Holocaust revisionist David Irving.

Irving's Australian publisher announced plans for public screenings in four cities, saying that Irving, having been denied a visa to Australia for his views denying the Holocaust, would lecture via video.

HATE DOWN UNDER

A surge in activity by right-wing groups across Australia has alarmed Jewish and anti-racist groups and sparked calls for a quick introduction of federal anti-racism laws.

Synagogues in Perth and Brisbane were recently daubed with anti-Semitic graffiti, while right-wing organizations and political parties have been stepping up public activities in Melbourne, Darwin and in rural Queensland.

JEWISH THAIS

There are about 300 Jews living in Thailand, mostly individuals working for large multinational corporations. Although there is no homogeneity among them, an association was formed in 1964 to cater to religious needs.

DATELINE WORLD JEWRY

FOCUS: EUROPE

■ IMPORTED HATE
German undercover agents have infiltrated neo-Nazi groups and prevented some extremist attacks on foreigners, according to Eckhart Werthebach, head of Germany's Office for the Protection of the Constitution.

Werthebach says that the most important supplier of Fascist propaganda to German neo-Nazis is Gary Lauck of Lincoln, Nebraska – dubbed the "Farm Belt Fuehrer" – an extremist whose right to print and mail hate literature is protected by the American Constitution.

■ SYNAGOGUE SURVEY
Sacred architecture in modern times was the theme of the recent "Biennale" in Venice, which exhibited religious architecture from around the world with a focus on synagogues.

Among the exhibits were the Semper Synagogue of Dresden, destroyed by the Nazis during the Holocaust, Robert Stern's post-modern synagogue in Brooklyn and Michael Gold's Reform synagogue in London.

■ QUESTIONABLE CLAIM
A Danish newspaper, citing official documents, claims that Swedish wartime diplomat Raoul Wallenberg was executed on the orders of the Soviet dictator Josef Stalin on July 17, 1947.

The fate of Wallenberg, who disappeared into the Soviet Gulag after saving thousands of Hungarian Jews from Nazi death camps, has been one of the most enduring mysteries of World War II.

■ PETAIN POLL
Only 38% of the French population believe that World War II collaborationist leader Philippe Petain was a traitor, according to a recent opinion poll conducted for the Catholic weekly *Pelerin*.

Petain, who acted as a puppet for the occupying Nazis and headed a government which tracked down resistance fighters and rounded up Jews, was sentenced to death for high treason in 1945. His sentence was commuted to life imprisonment.

■ PRISON POLL
There are 209 Jewish prisoners registered in Britain's prisons, according to an annual government survey.

A total of 194 prisoners were registered as Jewish in 1991.

■ SHABBAT SHAME
An employment appeals tribunal in London has rejected a claim of religious discrimination by a woman who was denied the chance of a job because of her wish to observe Sabbath by leaving work early on Fridays in winter.

The tribunal backed a 1991 decision, ruling that since only a small proportion of Jews were strictly observant, the cases did not qualify as racial discrimination.

■ RADIO RACISM
A local radio station in Stoke-on-Trent in England has removed a stereotypical Jewish character from a morning show, after one broadcast received numerous complaints.

EASTERN EUROPE

■ FASCIST CEREMONY
Several hundred Romanians honored the memory of Romania's World War II Fascist dictator Ion Antonescu on the 47th anniversary of his execution for war crimes. About 500 people, mainly elderly, attended a religious service performed by an Orthodox priest in a central Bucharest church.

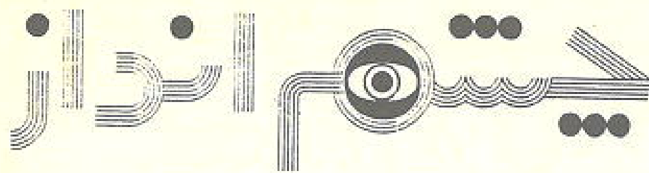
Antonescu's Romania fought on the side of Nazi Germany until the last year of World War II.

■ CALL FOR ACTION
Jewish leaders in Russia are urging President Boris Yeltsin to take action against what they regard as the rising tide of anti-Semitism.

The call followed the recent violent May Day demonstration during which Communist and nationalist protestors openly blamed Jews for the country's problems.

■ ANTI-SEMITE
Romania's opposition Democratic Party (DPNSF) has asked Parliament to take disciplinary action against an anti-Semitic politician accused of ordering the assault of one of its members.

Corneliiu Vadim Tudor, leader of the anti-Semitic and ultra-nationalist Great Romania Party, told his bodyguards to beat Aristide Dragomir after Dragomir objected to a speech in which Tudor insulted a party member of Jewish origin.



CHASHM ANDAAZ

نامه سرگشاده

به دوستداران وخوانندگان

چشم انداز

دوستان عزیز

نزدیک به سه سال از انتشارنشریه چشم اندازمی گذرد . چشم اندازکه با تیراژی انـدک و درقـطع روزنامه آغاز به کارکرد اکنون با تیراژی نزدیک به شش هزار شماره ماهیانه برای شما ارسال مـی گردد.

تلفن ها و نامه های حاکی از قدردانی شما پشت گرمی مادرهرچه بهتر عرضه دادن این نشریه است مقالات سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - پزشکی و .... همواره مورد توجه شما دوستان عزیز بوده است . هدف از انتشار این نشریه بالا بردن سطح آگاهی عمومی درکلیه امور اعم ازسیاسی - فرهنگی - مذهبی و ارتقاء هویت یهودی ایرانی است . دراین راه ما ازحمایت ارزنده ترین نویسندگـان - پژوهشگران و ادیبان جامعه خود برخوردار بوده‌ایم . اعضای هیات تحریریه چشم انداز هـمواره چشم براه دریافت پیشنهادات - نظریات و انتقادهای شما هستند .

این نشریه به طور رایگان دراختیار همگی شما دوستان عزیز قرار می گیرد ، ولی متاسفانه بـه عـلت بالابودن هزینه های مختلف نظیر چاپ و پست و غیره آگهی های موجود در مجله کفاف مخارج آنرا نمی نمایند . بدین جهت از شما دوستان عزیز تقاضا می کنیم که با ارسال وجه اشتراک مارادرهرچه بهترکردن این نشریه یاری دهید.

کمک های شما هرچندکوچک ، می توانند آینده ساز جامعه ما باشد .

باسپاس

هیئت تحریریه چشم انداز



صفحه ازدواج

نشریه چشم انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم راکاملا" پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد وکلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهنده باشند ، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک** ، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی ها جواب می دهند ، نخواهد داشت . درج آگهی ها رایگان می باشد.

تلفن ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸)

P.O. BOX 3074, BEVERLY HILLS, CA 90212

آگهی دهنده

نام ....نام خانوادگی ....قد ....

سن .... میزان تحصیلات .... شغل................درآمد ....

آیا قبلا" ازدواج کرده اید ؟ بله ☐ نه ☐ اگربله ، تعداد فرزند ....

نشـــــانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

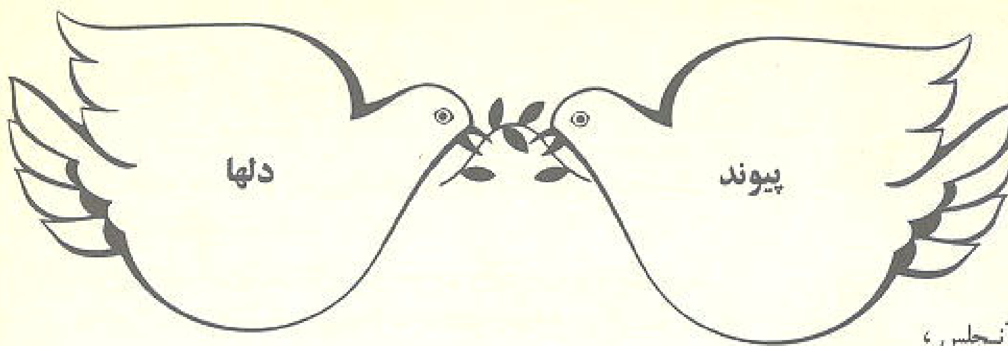
خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

همسر مورد علاقه

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

در آمد .... مجرد ☐ قبلا" متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید.



برای تماس با افراد زیر با تلفن
(۸۱۸)۵۰۳-۱۲۷۰
تماس حاصل نمائید

دختر خانمی ۳۲ ساله ساکن لس‌آنجلس ، لیسانس کامپیوتر و درآمد ۲۰۰۰ دلار در ماه جذاب ، مهربان ، اجتماعی ، احساساتی ، اهل خانواده و ازدواج ، شیک پوش و امروزی ، علاقمند به تنیس ، شنا و پیانو
مایل به ازدواج با آقائی ۴۰ - ۳۵ ساله ، قد متوسط ، تحصیلات دانشگاهی و موفق در رشته شغلی خود با درآمد ۳۰۰۰ دلار به بالا مجرد و یا قبلا متاهل که مهربان ، روراست ، امروزی ، خوش قیافه ، اهل خانواده و ازدواج باهوش ، گرم و دست و دلباز باشد.

کد ۶۶۳

دختری ۲۴ ساله ساکن لس آنجلس ، قد ۲ / ۵ ، سکرتر با درآمد ۶۰۰ دلار ، علاقمند به شنا ، پیاده روی ، مهربان ، رو راست ، پای بند خانواده ، علاقمند به موزیک و خونگرم
مایل به ازدواج با مردی ۳۰ - ۲۷ ساله ، قد ۱ / ۶ ، دیپلمه ، شغل مهم نیست ولی برای زندگی آماده خصوصیاتی تقریباً شبیه من و پای بند اصول اخلاقی و خانواده باشد .

کد ۳۵۹

پخته مردی ۵۳ ساله ، شغل آزاد و درآمد مکفی ، اهل دل ، خوش مشرب و خوش بیان ، علاقمند به مسافرت و گردش ، در انتظار زندگی با همسری صادق و همفکر و خانه دار باحدود سنی ۴۲ - ۳۶ ساله می باشم .

کد ۰۷۹

آقائی ۳۳ ساله ، فوق لیسانس مدیریت با درآمد مکفی ، ساکن سان دیه گو ، مسافرت کرده ، خوش برخورد ، شوخ طبع مقیم کالیفرنیا از ۱۹۷۹ ، پر انرژی ، خود ساخته
مایل به ازدواج با دختری ۲۸ - ۲۴ ساله ، دانشجو یا لیسانس ، شاغل ، که شوخ طبع ، تحصیل کرده اجتماعی ، با وقار ، قابلیت تطبیق با ناگواریها ، آگاه ازوقایع روزمره دنیا (نه شایعات در کنیسا).

کد ۷۰۳

خانمی ۴۰ ساله دارای دو فرزند ، مهربان ، زیبا و باگذشت که ازرفاه کامل برخوردار میباشند مایل به ازدواج با آقایی بین ۴۵ تا ۵۰ ساله دارای درجه لیسانس ، قبلا متاهل ، باشخصیت ، از خانواده محترم ، سالم ، راستگو و قابل اعتماد میباشند .

کد ۹۸۲

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانسیه ، فروشنده نقره با درآمد ۲۸۰۰۰ دلار در سال ، خوش اخلاق ، مهربان ، صادق ، درستکار و پای بند اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۰ ساله دارای شغل آبرومند ، درآمد کافی زندگی ، مجرد یا قبلا متاهل ، خانواده دوست مهربان ، شریف ، بااحساس مسئولیت اهل تفریح و ورزش .

کد ۲۶۲

خانمی ۴۷ ساله ، دیپلمه ، با شغل آزاد ودرآمدکافی دارای دو فرزند که مستقل زندگی میکنند ، خوش اخلاق ، مهربان ، با شخصیت و اصالت مایل به ازدواج با آقایی ۵۰ تا ۶۰ ساله با شغل آبرومند ، درآمد کافی قبلا متاهل ، مهربان ، خوش اخلاق ، معاشرتی باشخصیت وکمی خوش بر رو.

کد ۶۰۵

خانم دکتری ۳۵ ساله ساکن لس آنجلس ، زیبا خوش برخورد ، با اصالت ، ازخانواده‌ای محترم و معتقد و پای بند اصول اخلاقی‌و انسانی - مایل به آشنایی با آقایی با حقیقت و با اصالت به منظور ازدواج و تشکیل خانواده می باشم .

کد ۸۰۴

آقایی ۴۲ ساله دارای فوق لیسانس مدیریت ساکن لاهویا باکارشخصی و درآمد ۴۵۰۰۰ دلار درسال تحصیلکرده ، باگذشت ، وفادار ، خانواده دوست و بدون تعصب مایل به آشنایی با خانمی زیر ۳۰ سال ، تحصیلکرده دانشگاه ، مجرد یا قبلا متاهل ، جذاب ، باگذشت ، مهربان که دنبال مادیات نباشد میباشم . درآمد ایشان مهم نیست .

کد ۶۶۱

خانمی ۳۰ ساله ساکن لس آنجلس فوق لیسانس حسابداری ، درجستجوی کار - سیگار نمی کشم ، مشروب نمی خورم ، تحصیلاتم در آمریکا وکالیفرنیا را خیلی دوست دارم ، تنها آرزوی برآورده نشده‌ام ازدواج و بچه داشتن می باشد ، حافظه‌ام خوب و خوبیهای مردم را فراموش نمی کنم .
همسر مورد علاقه - سن بین ۴۵ - ۴۰ سال از ۵ فوت و ۵ اینچ بلند تر با تحصیلات لیسانس که در رشته خودش کار بکند مجرد یا قبلا ازدواج کرده مهم نیست درآمدش حداقل بتواند اجاره را بپردازد .میخواهم دونفری باهم کاربکنیم از بچه‌هایش نمی توانم مواظبت کنم زیرا کار مانع می شود.

کد ۷۰۱

آقای ۳۴ ساله ساکن لس‌آنجلس با قد ۵/۴ فوت ، تحصیلات دانشگاهی با شغل حسابداری و درآمد ۳۰ هزار دلار درسال ، شوخ طبع ، هنردوست ، علاقمند به گردش ، ویولونیست ، تسلط به انگلیسی و عبری ، آگاهی در علم جدید کبالا ، علاقمند به تشکیل خانواده و به مادیات بی توجه .
علاقمند به همسری بالای ۲۰ سال با تحصیلات حداقل متوسطه ، درآمد مهم نیست مجرد ، باوفا ، خوش خلق ومهربان ، باصفای باطن و علاقمند به تشکیل خانواده .

کد ٦۵۵

آقایی ساکن انسینو ٦۰ ساله دارای یک فرزند در جستجوی همسری بین ۵۰ - ۴۵ سال با قد متوسط ، حداقل دارای دیپلم‌که پای بند به اصول روابط خانوادگی و فرهنگ ایرانی .

کد ۹۲۳

خانمی ۳٦ ساله ساکن انسینو ، با تحصیلات دانشگاهی ، همکار یک وکیل با درآمد متغیر ، مجرد ، امین ، مهربان ، باهوش ، خوش قلب ، جذاب ، شوخ طبع .
همسر مورد علاقه بین ۵۰ - ۴۰ سال باهوش و شاغل بادرآمد مکفی ، مجرد یا قبلا متاهل ، درستکار ، تحصیلکرده ، شوخ ، جذاب .

کد ۳۵۱

خانمی ۳۸ ساله ساکن تارزانا ، با فوق لیسانس پرستاری ، شغل آزاد و درآمد ۵۰۰۰ دلار درماه ، دارای ۲ فرزند ، با خصوصیات اهل زندگی ، مهربان ، تحصیلکرده ، رمانتیک ، با احساس ، پای بند اصول اخلاقی ، زیبا ، باگذشت .
علاقمند به یافتن همسری بین ۴۵ - ۴۰ ساله با قد متوسط ، لیسانسیه ، شاغل با درآمد مناسب مجرد یا قبلا متاهل ، باگذشت ، مهربان ، اهل زندگی ، رمانتیک ، باوفا ، فهمیده ، نسبتاً خوش قیافه ، موقعیت مالی زیاد مطرح نیست .

کد ۸۲۴

دخترخانمی ۲۸ساله باقد ۵/۳ فوت ، لیسانس حسابدار با درآمد ۲۵۰۰۰ دلار درسال ، مجرد ، جذاب ، باهوش ، باشخصیت واحساس و تحصیلکرده ، مهربان ، نظربلند ، با معرفت ، خوش سلیقه ، ازخانواده بسیار خوب و درستکار علاقمند به ازدواج با آقایی بین ۲۸ - ۳۰ سال قد ٦ - ۵ / ۵ فوت ، دیپلم به بالا با شغلی آبرومند ودرآمدی در سطح رفاه ازدواج نکرده - مهربان ، با شخصیت ، دست و دلباز ، نظر بلند ، خوش اخلاق ، با قیافه‌ای در سطح قابل تحمل ، قدرشناس .

کد ۵۳۹

آقایی ۳۸ ساله ساکن سانتامونیکا ، فوق لیسانس ، شغل آرشیتکت با درآمد بالای ۴۰۰۰۰ دلار در سال دارای ۲ فرزند با خصوصیت یک‌آقای به تمام معنی بودن مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۵ ساله ، قد ٦ / ۵ فوت ،لیسانس‌با هرنوع شغل ودرآمد که با فهم باشد .

کد ۰۲۰

دوشیزه‌ای ۳۴ ساله ساکن انسینو قد ۵ فوت ، دیپلمه ، خوش قیافه با چشمانی سبز ، سفید رو مهربان ، خونگرم دارای اشکال فیزیکی در پا ، با تحرک
همسر مورد علاقه آقایی زیر ۴۷ سال ، تحصیلات مهم نیست ، با شغل درحدود امکانات مالی ، مجرد یا قبلا ازدواج کرده ، خوش اخلاق و بچه دوست .

کد ۴۲۱

آقایی ۳٦ ساله ، قد بلند ، متخصص کامپیوتر ، شغل حسابداری ، چاق ، خوش قیافه ، اجتماعی از خانواده خوب وبا درآمد خیلی زیاد تحت مداوا برای تعادل ، ساکن نیویورک مایل به ازدواج با خانمی ۳۲ ساله قد بلند ، تحصیلات متوسطه ، درآمد متوسط مثل خودم اگر چاق باشد مانعی ندارد که مرا دوست بدارد و منهم اورا ، برای یک عمرزندگی و تربیت دو بچه خوب .

کد ۲۳۱

خانمی ۳۱ ساله ، دیپلمه با شغل آزاد و درآمد ۷۰۰ دلار درماه ، قبلا متاهل بدون فرزند ، خوش برخوردو اخلاق ، آرام ، جذاب

مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۵ ساله با شغلی آبرومند ، مجرد یا قبلا متاهل ، قد متوسط ، درآمد مناسب ، اهل زندگی ، رمانتیک و باوفا و قدرشناس

کد ۰۲۶

آقایی مجرد ۳۴ ساله با تحصیلات کالج ودر آمد زیاد ، آشنایی کامل به زبان عبری - انگلیسی و فارسی - غیر مذهبی علاقمند به موزیک اسرائیلی و رقص - جنتلمن
علاقمند به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۹ - ۲۲ ساله آشنا به زبان عبری - غیر مذهبی - جذاب و خانواده دوست میباشد .

کد ۹۸۰

آقایی قبلا متاهل دارای چهارفرزند که زندگی مستقل دارند ، ۶۰ ساله ، قد ۷۰ / ۱ بادرآمد بالای ۷۵۰۰۰ دلار با سلامتی کامل بدون اعتیاد
خواهان ازدواج با خانمی ۵۰ - ۴۵ ساله مجرد یا قبلا متاهل - سالم - وفادار و سفید پوست میباشند.

کد ۹۰۹

خانمی ۴۲ ساله - دیپلمه - آرایشگر با درآمد محفوظ بدون‌فرزند ساکن سن هوزه ، زیبا ، خوش اندام ، مهربان ، خوش سلیقه ، وفادار با اصالت و علاقمند به پیاده روی و مناطق خوش آب و هوا و دیدنی خواهان ازدواج با آقایی قبلا متاهل با شغل‌آبرومند - دیپلمه و درآمد در سطح رفاه که خوش اخلاق - مهربان -صادق و روشنفکر بدون اعتیاد که بچه درخانه نداشته باشد میباشند .

کد ۵۱۱

آقایی ۳۷ ساله قد ۱۱ / ۵ فوت لیسانسیه ، شغل‌بیمه با درآمد ۷۵۰۰۰ دلار مجرد ،بسیار تحصیلکرده ، روشنفکر،علاقمندبه مسافرت، موزیک و زندگی خوب
خواهان ازدواج با دوشیزه‌ای بین ۳۰ - ۲۵ ساله با تحصیلات عالیه و درآمد مهم نیست با روح عالی شاد - واقع بین - خانواده دوست و علاقمند به مسافرت میباشند .

کد ۸۰۰

آقایی ۳۶ ساله ، لیسانس طراحی ، مجرد ، خوش تیپ و برخورد ، با عاطفه ، خانواده دوست با مسئولیت ، راستگو ، ورزش کار و از خانواده محترم
علاقمند به ازدواج با دوشیزه یا خانمی تا ۳۵ ساله ، دوست ، باوفا ، راستگو ، زیبا ، اجتماعی خوش اخلاق و مهربان ، اهل زندگی و همدم میباشند .

کد ۳۷۵

دوشیزه‌ای ۳۷ ساله ، دانشگاه دیده با شغل آزاد ۳۰۰۰۰ دلار در سال ، جذاب ، خوش اندام ، مهربان ، باگذشت ، خوش اخلاق
خواهان ازدواج با آقایی ۵۰ - ۳۷ ساله با شغلی آبرومند ، مجرد یا قبلا متاهل ، راستگو مهربان، علاقمند به ازدواج و تشکیل خانواده .

کد ۱۴۸

آقایی هستم ۴۸ ساله با قد متوسط ، دیپلمه ، کارخانه دار و درآمد بسیار خوب ، اهل ورزش ، پای بند اصول زناشویی ، بسیار آرام و صادق که تابحال ازدواج نکرده‌ام
خواهان دوشیزه یا خانمی هستم ۳۵ ساله ، قد متوسط ، دیپلمه ، نجیب ، اصیل وزیبا علاقمند به موسیقی و ورزش می تواند به محل کار من مراجعه و با من بیشتر آشنا شود .

کد ۹۴۲

انتخابات سیامک با رعایت اصول دموکراسی خواهد بود.

کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر ربانوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

(۸۱۸)۳۴۴-۷۴۷۳

(۳۱۰)۶۲۲-۱۰۱۰



برای سومین سال متوالی

روش هشانا و کیپور

۱۶ و ۱۷ سپتامبر — ۲۵ سپتامبر

درفضایی روحانی و متفاوت در هتل مجلل لوز در کنار ساحل زیبای

سانتامونیکا



شرکت شما دربرنامه روش هشانا وکیپور سازمان سیامک نشانگر حمایت شما ازبرنامه های عام المنفعه و انسانی آن می باشد.

برای تهیه بلیط ومراکز فروش با دفتر سازمان سیامک تلفن ۱۲۷۰ - ۵۰۳ (۸۱۸) تماس حاصل فرمائید. صندلی ها شماره گذاری شده اند.



International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 1562
Van Nuys, CA